

بسمه تعالی

نهم ربیع الاول
دوازدهمین غدیر
امامت و ولایت

(چرایی، چیستی، چگونگی)

محمد رضایی آدریانی

فهرست :

پیش درآمد

بخش اول: چرایی و مبنای عقلایی و دینی عید نهم ربیع الاول

فصل اول : آغاز بینی از نگاه فطری / دینی

فصل دوم : عید آغازهای ملکوتی ۱۴ معصوم

فصل سوم : سطوح معنایی آغازها در زندگی معصوم

فصل چهارم: آغاز امامت امامان معصوم در تاریخ

فصل پنجم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول

بخش دوم: چیستی و واقعیت تاریخی نهم ربیع الاول

فصل اول: گاه شمار آغاز آخرین امامت

فصل دوم: شخصیت شناسی امام مهدی (عج) در آستانه امامت

فصل سوم: همه یاوران امام غائب در آغازین روزهای امامت

فصل چهارم: جامعه . جغرافیای شیعه در آغاز امامت امام موعود

فصل پنجم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز(ظهور).

بخش سوم: چگونگی و فرهنگ عید نهم ربیع الاول

فصل اول: روز شادی و سرور ، روز عید ولایت

فصل دوم : عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن :

فصل سوم : فرهنگ جشن و شادی :

فصل چهارم: جشن بیعت ، جشن استواری بر انتظار

فصل پنجم : بیعت در گذر تاریخ

فصل ششم : نهم ربیع الاول، عید تجدید بیعت

پیش درآمد:

- نهم ربیع الاول ، سال روز نخستین روز امامت حضرت مهدی (عج) بر همه منتظران مبارک باد.
- نهم ربیع الاول ، در امتداد غدیر و به تعبیری والاتر خود غدیری دیگر است.
- نهم ربیع الاول ، مدرکی برای تداوم خط (غدیر) در جلوه خورشید پس ابر است .
- نهم ربیع الاول ، عید امامت و ولایت است.
- نهم ربیع الاول ، یادآور روز اکمال دین و اتمام نعمت است.
- نهم ربیع الاول ، برنامه ای الهی برای استمرار غدیر در آئینه امامت است .
- نهم ربیع الاول ، حاصل بذر غدیر است.
- نهم ربیع الاول ، روز امامت ، روز انتظار ، روز ولایت ، روز بیعت و پیمان دوباره با امام زمان (عج) است.
- نهم ربیع الاول ، عبدالله اکبر است ، عید آل محمد (ص) ، عید هواداران حق و وفاداران به پیامبر (ص) و علی (ع) .
- نهم ربیع الاول ، نشان دادن خورشید به گرفتاران ظلمت است.
- نهم ربیع الاول ، روز درخشش نور امید در دل مستضعفان مبارک باد.
- نهم ربیع الاول روز تقسیم شکوفه های لبخند بر همه منتظران حضرتش مبارک باد .
- پاسداشت نهم ربیع الاول تجدید عهدی با حضرت مهدی موعود (عج) است.

پس بیاییم با پاسداشت آخرین غدیر و احیای فرهنگ تجدید بیعت ، هر صبح گاهان ، و به ویژه در صبحگاه نهم ربیع الاول؛ زمینه پایان بخشیدن به ظلمت را فراهم سازیم .

* * *

نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت امام دوازدهم شیعیان، امام زمان(عج) مهدی موعود است. رویدادی که در سال ۲۶۰ ه.ق رخداد و رویدادی که آغاز دوران امامت امام آخرین شیعه است. رویدادی که از جهت تاریخی شباهت فراوانی با بعثت پیامبر اسلام(ص) و با غدیر خم امیر المؤمنین(ع) دارد. و بلکه دوازدهمین و آخرین غدیر امامت و ولایت است.

و چون این روز در اهمیت و جایگاه تاریخی، مرتبه‌ای همانند بعثت و غدیر دارد؛ می‌طلبد که در جوامع شیعه و آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی شیعی به این روز و پاسداشت آن به عنوان روز عید روز جشن و شادی و سرور آخرین آغاز امامت توجهی ویژه شود. و همانند بعثت و غدیر و سالروز میلاد پیامبر اسلام(ص) و نیمه شعبان؛ این روز در کشور و سر زمین های شیعی اگر به عنوان عید امامت و مهدویت تعطیل رسمی نباشد، حداقل به عنوان روزی مهم از سوی هیات های مذهبی و دولتمردان و اصناف و گروه های گوناگون مردمی مورد توجه قرار گرفته و مناسب شأن آن مورد تکریم و احترام قرار گیرد.

چرا که تکریم و پاسداشت این روز همانند جشن های انتظار در نیمه شعبان، باعث ایجاد فضای امید و نشاط و آینده نگری مقدس خواهد شد. و بلکه ظرفیت ها و استعداد های این روز برای تأمین امید و نشاط آفرینی بیشتر است. بدان جهت که نیمه شعبان سالروز میلاد امام موعود است و نهم ربیع الاول سالروز آغاز امامت و ولایت ایشان می باشد.

و فعلیت ولایت و امامت آن امام غائب، تاریخ بشر را نسبت به ظهور نزدیکتر ساخته است. و پاسداشت آن در چارچوب مبانی فرهنگ دینی می‌تواند، این روز را که در عین حال سالروز آغاز دوران غیبت هم است را؛ به دوران ظهور نزدیکتر می رساند.

نهم ربیع الاول نه تنها می تواند عیدی مهم برای شیعه باشد، بلکه می تواند شایسته ترین عید و جشن شیعه باشد، درست همانگونه که محرم و صفر (عاشورا و اربعین و ۲۸ صفر) محزون ترین مناسبت های شیعه

هستند.. چرا که این هفته مصادف با سخت ترین مصائب اهل بیت همچون حمله به خانه اهل بیت (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) است. و پس از آن دهه جشن ها و شادی های نبوی است. چرا که درست روز دهم ربیع الاول سالروز ازدواج پیامبر (ص) اسلام و خدیجه کبری (س) است و ۱۲ تا ۱۶ این ماه سالروز ورود پیامبر (ص) به قبا و مدینه در سفر تاریخی هجرت است. و ۱۷ ربیع الاول هم سالروز میلاد پیامبر (ص) و امام صادق (ع) است.

پس نهم ربیع الاول در مرز دو دوره عزاداری شیعه و دهه جشن های نبوی است و می تواند نقطه عطف فرهنگی شیعه از حزن مقدس به شادی آسمانی باشد.

البته در فرهنگ سنتی برخی از شیعیان، این عید با عناوین دیگر پاسداشته می شود. ادعایی که نه استنادی دارد و نه متناسب با شرایط تقیه در دوران غیبت و تکلیف دینی وحدت اسلامی است. و شاید همین امر باعث مهجوریت این عید در جامعه اسلامی/شیعی معاصر شده است.

این در حالی است که بسترهای انحراف و تحریف را نه با حذف، بلکه با فرهنگ سازی مناسب باید جایگزین و اصلاح نمود و گرنه کم رنگ شدن عیدی با این همه جایگاه و کارکردها و با آن اهمیت های تاریخی و فرهنگی باعث ضعف روزآمدی فرهنگ شیعه و رواج هرچه بیشتر فرهنگ مهاجم خواهد شد.

این اثر که از معدود آثاری است که به این موضوع از معارف مهدوی می پردازد. تلاش می کند که به جای مطالب حماسی و احساسی؛ قرائتی علمی و تحلیلی (درون دینی) از رویداد نهم ربیع الاول ارائه دهد. و اهتمام دارد تا رویداد نهم ربیع الاول را از زوایای گوناگون نظری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مورد بازشناسی قرار دهد. تا هم مبانی و خاستگاه این رویداد بررسی شود. و هم پاسداشت آن مورد اثبات و تاکید قرار گیرد. و هم در مقام تعریف فرهنگ سازی جشن مقدس برای آن، مسئولیت ها و رسالت های شیعیان که در قالب آئین ها و شعائر فرح افزا باید اجرا گردد؛ معرفی گردد و کارکرد ها و چرایی و چیستی آن شعائر معرفی شود. تا در نهایت دانسته شود که نهم ربیع الاول به عنوان مهمترین روز در پیوند دهی بین شیعه مهدی باور و امام غائب می باشد و شیعیان از این روز هیچگاه نباید غفلت ورزند.

بدین جهت این کتاب در سه بخش ارائه می گردد:

بخش اول به مبانی پاسداشت نهم ربیع الاول از منظر کلامی/عرفانی (و مبتنی به آموزه های فطری، قرآنی، شیعی) می پردازد.

بخش دوم واقعیت تاریخی نهم ربیع الاول را در بستر مقایسه آن با آغاز های پیشین مقدس به مطالعه می- نشیند.

و در بخش سوم تلاش می کند رسالت ها و مسئولیت های مهدی باروان را در مواجهه با این روز شناسایی کرده و در مقام فرهنگ سازی این روز را به عنوان روز عید عهد و پیمان و بیعت معرفی سازد.

محمد رضایی آدریانی

بخش اول :

چرایی و مبنای عقلایی و دینی

عید نهم ربیع الاول

فصل اول : آغاز بینی از نگاه فطری / دینی

فصل دوم : عید آغازهای ملکوتی ۱۴ معصوم

فصل سوم : سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم

فصل چهارم: آغاز امامت امامان معصوم در تاریخ

فصل پنجم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول

فصل اول : آغاز بینی از نگاه فطری / دینی

الف: آغاز زیستی در زندگی آدمی:

لحظه آغازین رویدادهای خاص در زندگی آدمی همواره جایگاهی معنایی و معنوی برای او داشته است .

همانند لحظه تولد ، هنگام بلوغ ، سالروز ازدواج و

این لحظه ها اگر چه از جهت زمانی از ثانیه های محدود تا یک روز بیشتر طول نمی کشد ولی ناظر به

تغییر و تحولی ماندگار که بر زندگی آدمی دارد، سال گشت آنها همواره در کنار تجدید خاطره ها می تواند

باعث پویایی و تقویت آثار و برکات پدیدار گشته در آن رویداد شود.

برای فهم بهتر کارکرد آغازهای با برکت و اثرگذار در زندگی آدمی کافی است نگاهی به چرخه زندگی طبیعی

کره زمین داشته باشیم. و مشاهده نماییم چگونه چرخه تکراری اما نشاط آور صبحگاه در هر روز، آغاز ماه و یا

آغاز سال نو طبیعی (نوروز بهاری که مایه شکفتن طبیعت است)؛ چگونه مورد توجه انسان ها و بلکه دیگر موجود های جاندار می باشد. و چگونه هر صبح با وجود تکرار شونددگی اش مایه آغاز حیات و زندگی و نشاط و امید در تمامی موجودات جاندار و حتی بی جان می باشد. و لحظه طلوع خورشید همواره یکی از زیباترین صحنه های هر روز از روزهای کره زمین می باشد.

پس لحظه آغاز های شاد و بابرکت در طبیعت همواره جزو لحظه ها و روزهای شاد طبیعت می باشد و لحظه های شادی آفرین در زندگی آدمی همانند تولد و بلوغ و ازدواج و یا اخذ یک جایگاه علمی و یا اجتماعی از روزهای شاد و نشاط آور برای فطرت آدمی می باشد. و بنابراین توجه و تمرکز بر آغازهای زیبا و شادی آفرین امری هماهنگ با طبیعت (جهان هستی و طبیعت زمینی آدمی) و فطرت (اختصاصی و روحانی آدمی) است.^۱

بدین جهت وقتی سخن از توجه و پاسداشت مناسبت های شادی آفرین مذهبی (که یادآور آغازی مقدس و معنوی و ملکوتی هستند) می شود به طور طبیعی نیازی به جستجوگری از دلیل و مدرک و مستند برای این فرهنگ دینداری نمی باشد. چرا که این فرهنگ، فرهنگی هماهنگ با نظام طبیعت و فطرت آدمی است. و بلکه ناظر به آسمانی و معنوی بودن این مناسبت ها، فرهنگ متعالی پاسداشت شادی های مقدس تاریخی باعث رشد و ارتقای آن گرایش درونی و سطحی آدمی شده و آن را از آداب و رسوم خرد و زمینی و اسارت بخش، به آداب و رسوم تعالی بخش و کمال آفرین معطوف می نماید.

ب: پاسداشت آغازها در فرهنگ دینی:

^۱ - همانگونه که آغاز ناگوار هم نه تنها خودش بلکه یادآوری اش همواره به عنوان روزهای حزن آور به صورت فطری / طبیعی مورد توجه بشر بوده است. مواردی همانند سالمرگ ها، حوادث طبیعی ویرانگر، شکست ها در نبردها و یا ناکامی های مهم در زندگی فردی همانند نقص جسمی های ماندگار، شکست عشقی و یا شغلی و

بنابر آنچه تبیین شد یکی از معیارهای دین پژوهی با هدف تشخیص حق و باطل، جستجوگری از جایگاه فرهنگ شادی و حزن در هر یک از دین های مدعی حقانیت است تا روش گردد آیا آن دین به نیاز فطری و طبیعی هر انسان در قالب فرهنگ ها و مناسبت های شادی آفرین و حزن آوری که باعث تلطیف معنوی روح می شوند توجه داشته است یا نه؟^۲

از منظر ویژگی طبیعی و نیاز فطری است که می توان این پرسش را مطرح کرد که :

اینک که توجه به آغازهای مهم و پاسداشت آنها در زندگی انسانی یک خصلت طبیعی / فطری است، آیا در دین اسلام به این میل فطری، طبیعی و تاریخی بشر به آغازهای مهم توجهی شده است یا نه ؟

در مقام پاسخ باید گفت : در فرهنگ ادیان اراهیمی ناظر به تحولات مهم مثبت و منفی ای که دایره مدار اولیای معصوم (پیامبران) رخ می دهد، که به تدریج مجموعه ای از اعیاد و روزهای جشن و شادی و یا روزهای خون و سوگواری مقدس و دینی شکل می گیرد؛ که در این روز دینداران با انجام سلوک های خاص شادی آور و یا حزن آفرین سعی می کنند به تعالی و کمال بیشتر دست یابند.

مبنای این دیدگاه این است که: معصومین در مقام انسان کامل بالاترین ارتباط معنوی و معنایی با حق تعالی را دارند. بدین جهت رویدادهای مهم دوران زندگانی و یا رسالت آنها بازتاب مستقیمی بر جریان تاریخی مواجهه حق و باطل خواهد داشت. و انسان های دیندار از منظر سلوک های دینی/فرهنگی خاص در سالروز این مناسبت ها می توانند زمینه ساز راه های میان بُر در مسیر تکامل خود باشند .

^۲ - بر مبنای این نگاه، مذاهبی همانند قرانت سلفی/ وهابی از اسلام که به نابودی همه جلوه های فرهنگی اسلامی و مناسبت های دینی منجر می شود و از دینداری، شریعتی و بی نشاط ارائه می دهد؛ نمی تواند دینی و یا مذهبی کامل و جامع باشد. چرا که آن مذهب به بخشی از نیازهای فطری / طبیعی بشری پاسخ نداده است. و یا همانند اکثر کشورهای مسلمان غیر شیعی که برای پاسخگویی به نیاز فرهنگ سازی مسلمانان به پذیرش فرهنگ های مناسبتی میلادی پرداخته اند.

عید پسخ در آیین یهود^۳ و عید پاک در آیین مسیحیت^۴ نشانه ریشه دار بودن اعیاد دینی و روزهای مقدس در این دو آیین می باشد.

در فرهنگ اسلامی هم مهم ترین مستند پاسداشت روزهای خاص تاریخی آیه ۱۱۴ مائده است. این آیه منشا نامگذاری سوره مائده به مائده است. چرا که در آیات ۱۱۲ و ۱۱۴ آن سخن از درخواست سفره آسمانی است. این درخواست را حواریون از حضرت عیسی داشتند و حضرت عیسی هم برای اطمینان قلب آنها^۵ و اینکه این یاران خاص خود را مشمول عنایت و برکت ویژه ای نماید تا دارای ثبات قدم و استواری بر حق بگردند، درخواست آنها را می پذیرد. و از خداوند می خواهد که به آنها غذائی آسمانی بدهد تا عیدی برای اولین و آخرین پیروانش باشد.^۶

« قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ »

« عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوندا! پروردگارا! از آسمان خوان و مائده‌ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!»

ظاهر آیه تصریح دارد که روز افاضه غذای آسمانی بر حواریون اگر چه حادثه ای خاص است، ولی ناظر به افاضه ای که برای حواریون داشته است و ثبات ایمانی آنها به تقویت بنیان های دین حق در آن مراحل

^۳ - عید پسخ عید پاسداشت خروج بنی اسرائیل از مصر و نجات آنها از فرعون و فوعنیان می باشد که اواخر اسفند ماه هر سال برگزار می شود.

^۴ - عید پاک در نزد مسیحیان عید زنده شدن مسیح پس از به صلیب کشیده شدن و عروجش به آسمان می باشد. این عید در قدیم به علت به صلیب کشیده شده مسیح در عید پسخ، همزمان با آن برگزار می شد ولی در قرن های معاصر در جوامع مسیحی با فاصله و در اوانل فروردین برگزار می شود .

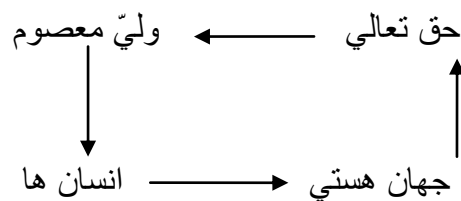
^۵ - بازتاب خوردن غذایی آسمانی و آماده شده بر اساس فرایند معجزه، آثار و برکات فراوان بر جسم و بدن آدمی است. البته خوردن این غذا به معنی بهشتی شدن قطعی افراد نیست. چرا که در آیه ۱۱۵ تاکید دارد که امکان کفران وجود دارد. کفرانی که عذابی سخت را به دنبال خواهد داشت. ولی کسی که در محضر این سفره بنشیند چون در محضر معجزه خداوندی است در محضر فیض و برکت ویژه حق تعالی قرار گرفته است بدین جهت رسالت و مسئولیت اش سنگین تر است. همان گونه که برکت ویژه ای هم یافته است.

^۶ - این آیه قرآنی و رویدادی که در آن است اگر چه منابع مسیحی به آن کمترین اشاره ای ندارند (ر ک المیزان در ذیل آیه) ولی از جهت استدلال گری در برابر وهابی ها و تکفیری ها در اثبات مشروعیت عیدها و مناسبت های دینی و اسلامی، مهمترین مدرک قرآنی می باشد.

سخت و اولیه (همراهی با حضرت عیسی) یاری خواهد رساند، باعث می شود که این روز به عنوان عیدی که مبارک و دینی پیوسته در دین حق پاسداشته شود.

البته عید در نزول سفره آسمانی عیدی رسمی برای مسلمانان نیست. ولی ساختار بیان قرآنی آن مهمترین مستند و دلیل دینی برای شناخت معیار روزهای عید و یا روزهای خاص دینی و معنوی نسبت به روزهای دیگر است .

معیار تشخیص این روزهای خاص و شاد^۷ دینی در بررسی رابطه های آسمانی و زمینی زیر نهفته است .



(با محوریت جبهه حق)

جهان هستی و طبیعت	مردم	ولی معصوم	حق تعالی
محل ظهور برکت افاضه. جایی که نشانه ها و آثار افاضه خود را نشان می دهد	متعلق افاضه و گرانیاگاه آن و جایی که هدف نهایی افاضه می باشد	واسطه افاضه به صورت طلب معجزه و یا انجام رفتاری خاص و یا آغاز زندگی زمینی	ایجاد افاضه ویژه آسمانی و ملکوتی

^۷ - معیار تشخیص روزهای حزن و سوگ هم در رابطه ای شبیه این رابطه است: (ولی حق < جهان هستی < جبهه حق < جبهه باطل) در این رابطه هر زمانی که بر ولی حق مصیبتی سنگین از سوی جبهه باطل وارد شود که آثار تشریحی برای جبهه حق و آثار تکوینی بر جهان طبیعت داشته باشد، آن روز روز حزن و سوگ در عالم تشریح و تکوین و در عالم شهود و ملکوت خواهد بود .

بر اساس این رابطه معیار و ملاک اصلی در روز عید تحقق افاضه و نزول برکت و نعمتی خاص از آسمان بر زمین است^۸ و هر چه این افاضه و یا متعلق آن عظیم تر باشد اهمیت آن روز فزون تر می گردد مثلاً در تاریخ زندگانی پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام روزها و مناسبت های فراوانی وجود دارد، ولی در این میان آن مناسبت ها مهم شمرده شده اند که برای ولیّ حق، مردم و یا جهان هستی دارای برکت و خیر بیشتر بوده اند .

عید قربان در ادیان ابراهیمی ، عید فطر در دین اسلام و یا عید مبعث و یا عید زادروز پیامبر اسلام همگی یادآور روزهای افاضه های ویژه و یا آغاز یک افاضه ممتد و مستمر هستند. و بدین جهت در دین اسلام مورد پاسداشت قرار گرفته اند .

و به عنوان ایام الله نام گذاری شده اند:

« وَ ذَكَرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ »^۹

علامه طباطبایی درباره دلیل نامگذاری روزهای خاص به (ایام الله) می فرماید:

[مراد از " ایام الله " در جمله: " وَ ذَكَرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ "]

" وَ ذَكَرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ " - شکی نیست که مراد از " ایام "، ایام مخصوصی است، و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است، که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نداده است، پس به طور مسلم مقصود از ایام خدا، آن زمانهایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده، و یا ظاهر می شود، مانند روز مرگ، که در آن روز سلطنت آخرتی

^۸ - درست همانگونه که در فرهنگ دینی تاکید شده است که موقع نزول باران یکی از لحظه های استجابت دعاست چرا که این لحظه در ساختار خود جلوه گر رحمت و برکت نازل شده از آسمان بر زمین است.
^۹ . ابراهیم ۵

خدا هویدا می‌گردد، و اسباب دنیوی از سببیت و تاثیر می‌افتند، و نیز مانند روز قیامت که هیچ کس برای دیگری مالک چیزی نیست و برای کسی کاری نمی‌تواند بکند، و همه امور، تنها به دست خدا است، و نیز مانند ایامی که قوم نوح و عاد و ثمود در آن ایام به هلاکت رسیدند، چون این گونه ایام، ایامی هستند که قهر و غلبه الهی در آن ظاهر گشته، و عزت خدایی، خودنمایی کرده است.^{۱۰}

ج: ترجمه واژه عید با کمک آغازهای مقدس:

واژه عید از کلمه عود به معنی بازگشت است. به ایام الله با رویکرد جشن و شادی معنوی و مقدس عید می‌گویند. چون آداب و سنن این روزهای عید کارکردش بازگرداندن مردم به سوی نور معنویت و ایجاد صفای جسم و جان است. بر این اساس است که روزهای مقدس تاریخی به عنوان عید نام گرفته است تا در ترکیب جشن و شادی مقدس با آداب و سنن معنوی، زمینه بازگشت و رشد معنوی برای مومنان فراهم می‌گردد.

چرا که در نگاه دینی حتی شادی هم با ترکیب معنویت و یاد خداوند، می‌تواند مسیر و عاملی برای رشد و قرب و کمال ویژه مومنان گردد.

نگاهی به عیدهای اسلامی بیانگر جمع بین آغازهای مقدس و سلوک معنی و شادی های انسانی می‌باشد. بعنوان نمونه:

عید قربان: عید افاضه ویژه خداوند بر ابراهیم و اسماعیل و بستر ساز رسیدن ابراهیم به مقام امامت است. عیدی که با قربانی و استحباب اطعام (حرمت روزه) و شادی مومنان همراه است.

^{۱۰}. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص: ۲۳

عید فطر : عیدی که برآمده از پایان یک دوره سلوک عبادی و یک دوره آغازین است. عید پایان یک ماه بندگی ویژه و آغاز زندگی پاک و دینی دوباره است.

عید مبعث : عید آغاز آخرین و برترین رسالت است. عید شادباش برترین افاضه معنویث حق تعالی بر زمینی ها به واسطه نزول اولین آیه قرآن و مبعوث نمودن خاتم پیامبران می باشد.

بر معیار همان رابطه ۴ سویه است که وقتی چیزی تعلقی خاص به خداوند یافت ارزش خاصی یافته و عنوان شعار و علامت خدایی می یابد:

« ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ »^{۱۱}

شعائر جمع شعیره و به معنی علامت است.^{۱۲} و اگر چه این آیه دوباره حج است ولی معیار و ملاکی که معرفی می کند درباره هر آنچه است که تعلق ویژه به خداوند بیابد و چه چیزی بزرگتر و بالاتر از روزهای خاص و برتر ۱۴ معصوم که برترین آفریده های خداوندی هستند.

د: روزهای مناسبت های آغازگر معصومین:

در فرهنگ اسلامی روزهای آغازگر طبیعی و یا تاریخی نسبت به اهمیت اش برای زندگی انسانی، دارای جایگاه ویژه ای است. همانند روز دحوالارض روز ۲۵ ذی القعدة که روز گسترش زمین از زیر کعبه است. روزی که آغازگر طبیعت زمینی است تا در آینده محل سکونت انسان ها بگردد.^{۱۳}

^{۱۱} . حج ۳۲

^{۱۲} - تفسیر المیزان ذیل آیه / ۱۴ - ۳۷۳

^{۱۳} - رک : مفاتیح الجنان اعمال روز دحوالارض

ولی مهمترین روزها ، روزهایی هستند که تعلق ویژه به ولیّ معصوم داشته باشند. چرا که روزی مثل دحوالارض بستر ساز زندگانی زمینی (تکوینی) انسان ها می باشد، ولی روزهای مرتبط با ولیّ معصوم زمینه ساز هدایت و کمال انسان ها (تشریح و هدایت) می باشد.^{۱۴} نگاهی به فهرست این روزها می تواند نشانگر اهمیت این آغازگری ها در فرهنگ اسلامی/شیعی و بیانگر وسعت خیرها و برکت های آن باشد:

بعثت : آغاز رسالت پیامبر اسلام = ۲۷ رجب

هجرت : آغاز حکومت اسلامی = (آغاز آن ۱ ربیع الاول، ورود به قبا ۱۲ و ورود به مدینه ۱۶ ربیع الاول است)

غدیر : معرفی امامی و ولایت امیر المومنین = ۱۸ ذی الحجه

زادروز پیامبر اسلام و امام صادق = ۱۷ ربیع الاول^{۱۵}

بدین جهت است که زادروز ۱۴ معصوم در فرهنگ شیعه عید است. چرا که وقتی درباره معصومی همانند حضرت زهرا پیامبر اسلام می فرماید که خاستگاه او از بهشت است،^{۱۶} بدیهی است ولادت او بر زمین هم نقطه اوج برکت و خیر است. به ویژه که وقتی در دائره المعارفی همانند بحارالانوار داستان میلاد تک تک معصومین را می نگریم، شاهد حضور انبوه فرشتگان به هنگام میلاد معصومین هستیم.

^{۱۴} - البته روزهای آغاز گر معصومین حتی دارای آثار و بازتاب های تکوینی هم می باشد که گستره آن از عالم بالا تا زمین را شامل می شود .

^{۱۵} - زادروز و همچنین سالگشت رحلت پیامبر نزد اهل سنت ۱۲ ربیع الاول است. البته نزد آنها این تا پیش از رسوخ گرایش های وهابی به علت همزمانی میلاد و هجرت، روز عید و شادی دینی است.

^{۱۶} - الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء، الأنصاري ج ۲ ص ۱۳ الفصل الأول انعقاد نطفتها عليها السلام ص : ۱۳

این بدین معناست که لحظه میلاد معصوم، زمان تجلی و افاضه ای است که با خود فرشتگان خیر و برکت را هم از آسمان به زمین می کشاند. بدین جهت است که شب میلاد پیامبر مُلک و ملکوت چنان دارای نشانه و رویدادها می گردد که علمای یهود و مسیحیت و حتی زرتشتی (در ایران) نشانه های میلاد مهمی را در آسمان و زمین مشاهده می کنند.

سخن پایانی:

توجه به آغازهای شادی آفرین امری طبیعی و فطری در زندگی انسان ها می باشد. و در زندگی انسانی هیچ آغازی مهم تر از آغازهای نشاط آفرین در زندگی انسان های کامل نمی باشد. بدین جهت است که در ادیان آسمانی هم در مقام فرهنگ سازی ایام الله عیدهایی هستند که یادآور آغازی مهم در تاریخ دین حق می باشند.

پس عید های مقدس مبتنی بر آغازهای ملکوتی اولیای حق ریشه و منشائی فطری و دینی دارد. و هر دیندار با شادی و سلوک مقدس در این روزها^{۱۷} ضمن احیا و پاسداشت و تکریم آن روز از باب (شعائر الله) می تواند جهشی قابل توجه در مسیر کمال جوئی و قرب و تعالی خود بردارد.

^{۱۷} - نمونه پیوند بین آغازهای طبیعی با سلوک معنوی در فرهنگ اسلامی و به ویژه در مکتب تشیع ، اعمال و مناسک دینی خاص در مورد اول هر ماه قمری به ویژه در آغاز برخی ماه ها همانند ماه رجب و یا ماه رمضان و یا ماه ذی الحجه و ذی القعدة و محرم می باشد. و این امر نشانگر اثرگذاری آغاز ملکی و طبیعی بر زندگی آدمی است . خصوصا اگر این آغاز با مناسک و اعمال دینی و ملکوتی همراه گردد. حال اگر این تحولات مُلکی و طبیعی با تولد معصوم همراه باشد و یا برکت اش ناشی از تولد و یا عید معصوم باشد بدیهی است آثار طبیعی اش مضاعف خواهد بود.

فصل دوم : عید آغازهای ملکوتی ۱۴ معصوم

در زندگی ۱۴ معصوم ، هماره دو آغاز مهم وجود داشته است. یکی آغازی که مُلکی و تکوینی و و آغاز زمینی اوست.^{۱۸} و دیگری آغازی که ملکوتی و تشریحی و مرتبط با ولایت اوست.

در اولی ، اصل وجود معصوم به عنوان برترین آفریده حق تعالی، تجلی زمینی پیدا می کند و در دومی مقام و مرتبه معنوی و معنایی آن معصوم، فعلیت و عینیت می یابد. و دامنه و گستره اثرگذاری آن تجلی مُلکی و این افاضه ملکوتی منحصر به زمین و زمینی ها نیست. و اگر وجود عالم موازی اثبات گردد، بدیهی است چون انسان کامل برترین آفریده الهی و آیه الله العظمی و واسطه فیض او و تمام جهان هستی است، دامنه اثر گذاری این تجلی های دو گانه شامل تمام عوالم خواهد بود . بدینگونه که :

^{۱۸} - واژه هبوط در قرآن به عنوان آغاز زندگی زمینی انسانی مورد توجه قرآنی است. البتّه در این واژه اصل رویداد مهم است نه زمان آن.

تجلی ملکوتی	تجلی مُلکی	
نزول در مقام ابلاغ و یا در مقام بیعت ^{۲۰}	ابتهاج و سرور و نزول بر زمین ^{۱۹}	عالم فرشتگان
فریاد و ناله به هنگام آغاز امامت امام بعد و امتداد و استمرار خط ولایت آسمانی ^{۲۳}	تلاش برای جلوگیری از تولد ^{۲۱} و فریاد و ناله به هنگام تولد معصوم ^{۲۲}	عالم جنّ (جنّ های گمراه به رهبری ابلیس)
تسبیح و تقدیس و ...	برکت و نشاط	عالم طبیعت

بدین جهت است که اگر یک رویداد تاریخی، بستر ساز شادی و سرور برای تمام عوالم مُلک و ملکوت شود، به هنگام سالگرد آن رویداد؛ مرتبه و درجه ای از آن آثار و برکات تجلی دوباره خواهد یافت. بدین جهت است که در فرهنگ معنوی شیعه همواره شبی مانند شب مبعث شبی پر خیر و برکت است.^{۲۴} چرا که در آن شب فرشتگان نزولی ویژه بر زمین و زمینیان دارند. و بازتاب حضور ویژه فرشتگان آسمانی برکت و خیر بر عالم طبیعت به صورت طبیعی و عالم انسانی در صورت برقراری ارتباط می باشد.

و از آنجا که در فرهنگ دینی در کنار نجات دنیوی انسان ها،^{۲۵} نجات و رشد و کمال معنایی و معنوی انسان ها مهمتر است؛ بدیهی است که مناسبت های آغازگر ملکوتی در زندگی ۱۴ معصوم مهمترین مناسبت

^{۱۹} - درباره اهمیت قرآنی زادروز معصوم به دو آیه ۱۵ و ۳۳ مریم درباره حضرت یحیی و حضرت عیسی مراجعه شود.

^{۲۰} - نزول جبرئیل به هنگام بعثت پیامبر اسلام و یا در مقام ابلاغ ولایت امیر المومنین و همچنین جبرئیل اولین بیعت گر با امیر المومنین در غدیر و به هنگام ظهور

^{۲۱} - تلاش تاریخی ابلیس برای جلوگیری از تولد پیامبر و امام زمان (عج) در قالب فعال سازی شیاطین انسانی زمینی

^{۲۲} - فریاد های ابلیس به هنگام میلاد پیامبر و به هنگام بعثت و غدیر

^{۲۳} - فریاد ابلیس به هنگام میلاد پیامبر و به هنگام بعثت و غدیر

^{۲۴} - بر اساس قانونی در فیزیک که اثبات می کند هیچ چیز در این عالم از بین نمی رود و حتی نشان و اثر آن باقی می ماند و بر اساس آن می شود با دستگاه های پیچیده گذشته ها را بازنمایی کرد و یا همانند فایل های حذف شده از حافظه ها آنها را ریکاوری نمود. پس معلوم می گردد چون عالم طبیعت ادامه و امتداد مادی عوالم بالاست این خاصیت برای عوالم بالا هم هست که وقتی در لحظه ای از زمان تجلی ای رخ داد یک چرخه و روند ثابت زمانی هم برای آن ثبت شود همانند نزول مکرر فرشتگان در شب های جمعه به کربلا و یا نزول مکرر و سالیانه فرشتگان در شب قدر بر ولی معصوم

^{۲۵} - مائده ۳۲ : فکانما احیا الناس جمیعا...

های آغازگر در زندگی بشری باشد.^{۲۶} بدین جهت است که در مکتب و فرهنگ شیعه دو مناسبت بعثت و غدیر جایگاهی دارد.

بعثت	به عنوان آغاز دین و پیامبر خاتم
غدیر	به عنوان آغاز امامت و ولایت در دین خاتم

قرآن هم در دو آیه حداقل بر این دو آغاز دلالت می کنند:

آیه ۱۶۴ آل عمران: (اذ بعث فیهم رسولا....؛ هنگامی که در میان آنها فرستاده ای برانگیخت...)

آیه ۳ مائده: (الیوم اکملت لکم دینکم....؛ امروز دین شما را برایتان کامل نمودم...)

البته در فرهنگ قرآنی اهمیت و برکت بعثت منحصر به بعثت پیامبر اسلام نیست (۳۶نحل)، ولی هیچ بعثتی به اهمیت بعثت پیامبر اسلام نیست. همچنین هم آغاز ولایت و امامت منحصر به غدیر نیست و اگر غدیر برای آغاز امامت اولین امام می باشد و اگر امامان شیعه ۱۲ عدد باشند،^{۲۷} بدیهی است که آغاز امامت همه ۱۲ امام مهم خواهد بود. اگر چه در این میان غدیر خم به عنوان آغازگر جریان امامت دارای جایگاه معنوی و فرهنگی ویژه ای خواهد بود.^{۲۸}

^{۲۶} - با این معیار رویدادهایی همانند هجرت و یا ازدواج امیر المومنین و حضرت زهرا به عنوان ازدواج معصومی که الگوی خانواده دینی هستند مناسبت های مهمی می باشند.

^{۲۷} - حتی در منابع اهل سنت هم روایات نبوی درباره ۱۲ نفر بودن جانشینان پیامبر وجود دارد. البدایة و النهایة / ۶ / ۲۴۸ و صحیح مسلم / ۶ ص ۴ و مسند احمد / ۵ / ص ۱۰۱

^{۲۸} - البته در زندگی امام اول شیعیان، روزهای آغازین متعددی وجود دارد. همانند اینکه روز بعثت روز اسلام و ایمان آن حضرت هست. و یا آغاز اعلان ولایت حضرت از سال سوم بعثت بوده است. و نسبت به امامت و خلافت حضرت در کنار غدیر دو مناسبت دیگر هم وجود دارد. اولین آنها آغاز مقام امامت ایشان پس از رحلت پیامبر است که آثار تکوینی و ملکوتی آن بر خود امام در فصل های آینده بررسی خواهد شد. و دیگری آغاز خلافت ظاهری حضرت است که آن هم سه روز پس از قتل عثمان رخ داد قتل عثمان ۱۶ ذی الحجه سال ۳۵ ه ق و آغاز خلافت امام ۱۸ ذی الحجه سال ۳۵ ه ق بود. الطبقات کبری / ابن سعد / ۳/۲۳ و انساب الاشراف / ۲/ ۲۰۵

بدین جهت است که در فرهنگ اهل بیت و مکتب تشیع، امامان معصوم همواره به پاسداشت غدیر به عنوان مهم ترین عید در اسلام توجه و عنایتی ویژه داشتند. در فرهنگ روایی شیعه، اسلام ۴ عید دارد « قربان، فطر، غدیر، جمعه» و هیچ عیدی به اهمیت عید غدیر نیست. بدین جهت است که در دائره المعارف حدیثی ای همانند بحار الانوار ابواب زیر وجود دارد:

- بحار الانوار ج ۳۷ باب ۵۲: اخبار الغدیر و

- بحار الانوار ج ۹۴ باب ۶۰: فضل یوم الغدیر و صومه

بدین جهت است که بازشناسی نوع مواجهه با رویداد غدیر در سیرت و فرهنگ سازی تاریخی اهل بیت می تواند الگو ساز و راهگشای فرهنگ جشن و شادی آخرین غدیر و نهم ربیع الاول باشد. بدین جهت در این فصل نیم نگاهی به نظام و روش تعریف عید و فرهنگ شادی در روز عید در مکتب اهل بیت بر مبنای عید غدیر خواهیم داشت.

عید غدیر در فرهنگ معصومین:

بنیانگذاری جشن عید غدیر به سیرت و سنت پیامبر در همان روز غدیر خم در سال ۱۰ ه ق باز می گردد. چرا که پیامبر اسلام پس از خواندن خطبه مفصل و اعلان ولایت امیر المومنین، خیمه ای ویژه برای بیعت گیری برای امام بر پا کرد.

و امام را در آن خیمه نشانید لباس و عمامه ای ویژه بر تن حضرت نمود و از صحابه خواست ده نفر ده نفر برای بیعت داخل خیمه شوند و حتی زنان مسلمان هم با دست گذاشتن در ظرف آب با امام بیعت نمایند.

این در حالی بود که شادی و سرور در چهره مسلمانان دیده می شد و حسان بن ثابت هم در جمع مردم و

پیش روی پیامبر شعرخوانی می نمود و خداوند هم از آسمان آیه اکمال^{۲۹} را نازل نمود.^{۳۰}

پس از رحلت پیامبر و رخداد جریان های سقیفه و تلاش جمعی از صحابه برای غصب خلافت اگر چه

امیر المومنین و اندک یارانش با یادآوری رویداد و بیعت غدیر خم در برابر کودتا گران ایستادند، ولی

مهمترین شخصیتی که پرچم غدیر را در آن روزهای سخت برافراشت حضرت فاطمه زهرا (س) بود که

خطاب به صحابه فرمود:

« انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟ »^{۳۱}

پس از آن فهرست احیاگری غدیر در سنت و سیرت معصومین چنین است:^{۳۲}

امیر المومنین	در زمان خلفا	- به هنگام جلسه شورای ۶ نفره پس از قتل خلیفه دوم - در زمان خلافت خلیفه سوم در جمع صحابه و تابعین
در زمان خلافت امام	در جنگ جمل با طلحه (سال ۳۶ ه ق) و در صفین (سال ۳۷ ه ق) در شهر کوفه و در سالی که غدیر با جمعه همزمان شده بود. ^{۳۳} در شهر کوفه به هنگام تجدید بیعت برخی صحابه با آن حضرت با عنوان نهضت احیاگران غدیر (در سال ۳۸)	

^{۲۹} - مانده / ۳ = البیوم اکملت لکم دینکم

^{۳۰} - بحار / ج ۳۶ باب ۵۲ و اخیار الغدیر ص ۱۰۸ و الغدیر / ۳۶/۱ و ۵۳۷/۱ و الصحیح من السیره النبوی الاعظم ج ۳۱ ص ۱۱۹

^{۳۱} - الصحیح من السیره النبوی الاعظم / ج ۳۲ ص ۸۸ و بحار الانوار / ۱۰۷/۶

^{۳۲} - در این زمینه رک : بحار / ج ۹۴ ص ۱۱۰ و الغدیر / ج ۱ ص ۳۳۱، ۳۴۲ و ۳۵۷ و مفاتیح الجنان اعمال روز عید غدیر

^{۳۳} - در این رابطه داستانی جالب و جذاب وجود دارد که در فصل های بعدی ارائه خواهد شد و آدرس آن چنین است: بحار الانوار / ۹۴

فرهنگ سازی برای احیا و آشکار سازی مزار گمنام امام و تلاش برای احیای غدیر با فرهنگ سازی زیارات مزار امیر المومنین در روز عید غدیر	امام صادق	در زمان امامان
فرهنگ سازی برای عید غدیر به عنوان برترین عید اسلامی در جامعه اسلامی شیعه ^{۳۴}	امام رضا	
زیارت مزار علوی در روز عید غدیر و هدیه زیارت نامه امام در روز عید غدیر به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام	امام هادی	

گسترده‌گی توجه اهلیت پیامبر به غدیر به عنوان مهمترین مناسبت شادی آفرین و عید شیعه، بیانگر این امر است که عید غدیر باید پاسداشته شود چون دارای برکت های فراوان تکوینی و تشریحی می باشد و در حقیق احیای غدیر با عنوان سالگشت آغاز ولایت امیر المومنین را از دو زاویه باید نگرست یکی از جهت یک وظیفه و رسالت از جهت احیای امر امامت و ولایت و دیگری از منظر کارکردها و برکت ها و بازتاب های تکوینی و ملکوتی ای که این پاسداشت در زندگی فردی ، خانوادگی و اجتماعی مومنان خواهد داشت.

سخن پایانی :

اگر عاشورا با رویکرد فرهنگ حزن و ماتمش رمز هویت تبری شیعه از جریان باطل باشد، غدیر با رویکرد فرهنگ جشن و شادی اش رمز هویت تولی شیعه به جریان حق است. و بدیهی است وقتی که سخن از غدیر پیش می آید به معنی توقف در غدیر نخواهد بود. بلکه همانگونه که پیامبر اکرم در ۱۸ مورد از خطبه

^{۳۴} - در این رابطه داستانی جالب و جذاب وجود دارد که در فصل های بعدی ارائه خواهد شد و آدرس آن چنین است: بحار الانوار / ۹۴

خود به صراحت و یا اشاره به دوازده امام و مهدویت و امام مهدی اشاره داشته است. سخن از غدیر و عید غدیر و احیای غدیر به معنی عید توجه و اتصال پیوسته به امامت و ولایت می باشد.

بدین جهت همه مدعیان ضد جریان امامت و یا مدعیان توقف در امامت مثل شش امامی یا هفت امامی و یا دیگر فرقه های انحرافی هیچ کدام در مسیر پاسداشت نبوت پیامبر اسلام نبوده و تنها راهی که راه احیای نبوت می باشد، راهی است که از مسیر احیای غدیر در یک ولایت پذیری پیوسته و مستمر به غدیر امام دوازدهم برسد.

فصل سوم : سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم

می گویند روزی یک شیعه با سنی ای مناظره می کرد و تلاش بسیار می نمود تا افضلیت ۱۲ معصوم (را باهدف اثبات امامت اشان) را پس پیامبر اثبات نماید . آن شخص سنی به او گفت بر فرض که بپذیریم اهل بیت پیامبر افضل باشند، در این صورت باز مسئله بی فایده یا کم فایده است. چون اهل بیت پیامبر شخصیت هایی تاریخی بوده اند که با رحلت اشان از این دنیا فایده و اثرشان هم پایان یافته است.

ولی آن شیعه پاسخ داد؛ بر اساس آیات قرآن و روایات نبوی برای اهل بیت سه مرتبه و مقام اثبات می شود که عبارتند از : رهبری سیاسی ، ولایت تکوینی ، مرجعیت علمی.

بر فرض که با رحلت انسان معصوم دوره رهبری سیاسی و قدرت ولایت تکوینی اش تمام یابد ولی مرجعیت علمی او که پایان نیافته است. شما اهل سنت لااقل امروزه اهل بیت و احادیث و علوم آنها را به

عنوان مرجع و منبع فهم قرآن و سنت پیامبر بپذیرید؟

اینک پرسش این است که؛

به راستی مقام ها و مراتب اثر گذاری مقام امامت تا کجاست؟ و این مقام ها و منصب ها از چه وقت به امام داده می شود؟ و بر اساس آغاز های متعدد در دوران زندگانی هر معصوم (به عنوان یک انسان و مراحل رشد انسانی)، در هر آغاز چه مرتبه و مقامی به امام معصوم داده می شود؟

در مقام پاسخ باید گفت: در اندیشه انسان شناسی شیعه^{۳۵} هر انسانی مرکب از جسم و روح است و جسم او بر اساس روایات اهل بیت ریشه در نطفه ای دارد که چون از (طین) گل چسبنده درست شده است، دارای قابلیت و استعداد های جسمانی است که به آن طینت می گویند . و روح او دارای آثار و خواصی معنوی و گرایش های متعالی است که به آن فطرت می گویند.

در مقایسه بین طینت و فطرت ، طینت حاصل صفات و خصوصیات جسمانی است.^{۳۶} بدین جهت از همان لحظه تشکیل نطفه آدمی آن خصوصیات و صفات در انسان شکل می گیرد. ولی فطرت یک اصل وجودی دارد و یک مراتب و مراحل که طی آن باید به تکامل برسد . فطرت همیشه وابسته به روح است. بدین جهت لحظه ورودش به بدن آدمی همان سن چهار ماهگی جنینی و پیش از تولد است که لحظه ورود روح به بدن جنین می باشد. ولی لحظه تجلی و نمود اولیه این فطرت زمان تولد نوزاد می باشد. چرا که پیامبر اسلام می فرماید:

« کل مولود یولد علی الفطره؛ هر نوزادی بر فطرت پاک آسمانی تولد می گردد..... »^{۳۷}

اگر چه لحظه شکوفایی اولین مرتبه فطرت به هنگام بلوغ می باشد^{۳۸}.

^{۳۵} - در این زمینه ر ک به کتاب : انسان شناسی و مهدویت

^{۳۶} - طینت چیزی شبیه ژنتیک در دانش زیست شناسی است. البته ژنتیک دانشی فارغ از مباحث هستی شناسی است. ولی در بحث طینت مباحث ژن ها و خواص جسمی با مباحث هستی شناسی و تقدیر و سرنوشت پیوند می خورد. بدین جهت در بحث طینت شناسی اثبات می شود که طینت و جوهره جسمی انسان کامل از پاک ترین و خالص ترین گل ها ایجاد شده است. یعنی انسان معصوم هم از جهت هویت استقلالی گل وجودی اش و هم از جهت ارثی و وراثتی دارای برترین ویژگی های جسمانی می باشد.

^{۳۷} . بحار الانوار ج ۳ ص ۲۸۱

^{۳۸} - روند تکامل فطرت در انسان شناسی قرآنی/ شیعی چنین است که: فطرت از ۴ ماهگی جنینی همراه با روح وارد بدن می شود ولی فعال شدنش جهت فعلیت یابی تدریجی از لحظه تولد است. ان گاه هماهنگ با مراحل رشد از تولد تا بلوغ به موازات رشد حواس و اعضاء و جوارح بسترها برای شکوفایی فطرت فراهم می گردد تا در لحظه بلوغ همه انسان ها، حداقل مرتبه فطرت در وجودشان شکوفا شود و از آن

مبتنی بر این حقایق وجودی آدمی و در مقام بازشناسی میزان فعلیت و یا بالقوه بودن این استعداد‌های جسمی و روحانی (فطری) می بایست بین انسان کامل با انسان کمال جو فرق و تفاوت گذاشت . چرا که در اکثر انسان ها که همان انسان های کمال جو هستند، کمال جوایی ریشه در درک حضوری از طینت متوسط و فطرت حداقلی دارد که هر دو به واسطه افعال و کردار آدمی زمینه تکامل و یا سقوط را دارند و اصولاً کارکرد دین رشد دهی و تعالی بخشی به طینت و فطرت آدمی است.^{۳۹} ولی در انسان های کامل که همان معصومین هستند، به جهت لزوم کامل بودن برای اینکه بتوانند صلاحیت الگو بودن را داشته باشند؛ اگر چه اصل وجودی طینت و فطرت همانند دیگران انسان هاست ولی کیفیت آنها متفاوت است. کیفیتی که ارتباطی مستقیم با آغازهای گوناگون زندگی آدمی هم دارد بدین گونه که:^{۴۰}

وضعیت وجودی انسان کامل	آغازها
تشکیل بُعد جسمانی از پاک ترین آب و خاک و نطفه ها و پاک ترین تبار انسانی	زمان تشکیل نطفه
دمیده شدن روحی که استعداد‌های فطری آن بالفعل هستند ^{۴۱}	زمان ورود روح در چهارماهگی جنینی
تولد نوزادی پاک از جهت جسمی بدور از هر آلودگی و عیبی و از جهت فطری همراه با معرفت و ایمان که در لحظه تولد شهادتین را بر زبان جاری می کند	زمان تولد

پس اگر آدمی دیندار بود و عقل دینی در وجودش شکوفا شد، فطرت؛ رشد اختیاری می یابد و گرنه در همان مرتبه حداقلی خود باقی می ماند.

^{۳۹} - در نگاه دینی طینت اگر چه به معنی گل و سرشت خاکی آدمی است و به ظاهر غیر قابل تغییر می باشد ولی در مجموعه روایی شیعه وقتی دقت شود معلوم می گردد چون طینت اکثر انسان مخلوط از گل های خالص و ناخالص است، بدین جهت آدمی زمینه کشیده شدن به هر دو طرف را دارد و مثلاً تغذیه حلال و یا حرام بازتاب مستقیمی در شکوفایی طینت پاک و یا طینت ناپاک انسان ها را فراهم می کند .

^{۴۰} - در این زمینه رک : بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱ / ابواب خلقهم و طینتهم و ارواحهم صلوات الله علیهم

^{۴۱} - بر اساس فرهنگ روایی شیعه جنین معصوم در حد فاصل افاضه روح تا زمان تولد می تواند با مادرش سخن گفته و یا اینکه مادر صدای تسبیح و تقدیس او را بشنود.

زمان بلوغ	به بلوغ جسمی رسیدن همانند دیگر انسان ها، در کنار فعلیت محض و متعالی فطرت آنها از همان آغاز ^{۴۲}
زمان رسیدن به امامت	افاضه مراتب و مقام های ملکوتی و معنوی ویژه ای که لازمه مقام امامت می باشد

بر اساس فرهنگ حدیثی شیعه، انسان کامل انسانی است که در هیچ مرحله از مراحل خلقت دارای عیب و نقص نیست. و در سراسر فرایند رشد اولین مرحله از کمالات را همواره و پیوسته دارد نه این که همانند دیگر انسان ها از استعداد محض به مراحل اولیه فعلیت برسد. بلکه او از مراتب اولیه کمالات بالفعل به سیری ملکوتی و غیبی پیوسته از کمالات آسمانی می رسد.

بر این اساس، در انسان های کمال جو پس از لحظه تولد؛ مهمترین مرحله در زندگی اشان زمانه بلوغ می باشد. چرا که مرحله به فعلیت رسیدن فطرت انسانی اشان است. ولی در امام به علت بالفعل و شکوفا و کامل بودن جسم و روح، طینت و فطرت؛ مرحله بلوغ، کارکردی حداقلی می یابد. چرا که معنی امام بودن از جهت انسان شناسی به معنی عصمت و علم غیب است. عصمت پاکی و طهارت پیوسته و علم غیب دانش بیکران و آگاهی های لازم ملکی و ملکوتی را به امام می دهد. بدین جهت به جای مرحله بلوغ مهمترین مرحله در زندگی امام لحظه رسیدن به امامت است.

^{۴۲} - در معارف روایی شیعه بیان شده است که روند رشد جسمی معصوم سربلند تا قوای ادراکی او سریعتر او را آماده وظایف دنیوی اش نماید و بلوغ برای معصوم پیشتر بلوغ جنسی و برخی از کارکردهای جسمی است و گرنه روح و فطرت او در مرتبه کمال است تا مانعی از مسئله امامت در کودکی نباشد.

تا پیش از امامت، امامان چه با علم حضوری و چه با علم اکتسابی از محضر معصوم پیشین به اوج آمادگی برای دریافت مقام امامت می‌رسند و در این کسب آمادگی برای دریافت مقام امامت معیار و ملاک، تعالی روح و پاکی طینت است. نه مراحل زمانی رشد و سن جسمی / زمینی.

بدین جهت ممکن است یکی از معصومین در کودکی به امامت برسد و دیگری در بزرگسالی به این منصب انتخاب شود. و آنچه در فرایند رشد در امام مهم است زمان رسیدن به امامت و تحولی است که در وجود امام در آن زمان ایجاد می‌گردد.

در فرهنگ روایی شیعه امامان معصوم زمان رسیدن به امامت را به این اوصاف بیان کرده‌اند:^{۴۳}

«وارد شدن حالتی از خضوع و خشوع و فروتنی بسیار ویژه نسبت به خداوند + آغاز الهام‌های ویژه + ورود تمام معارفی و علمی که نزد امام پیشین است که یک جا به امام بعد+...»^{۴۴}

البته این حالات درونی و معنوی برای امام در لحظه رسیدن به امامت، غیر از میراث معنوی و مکتوبی است که نزد اهلیت پیامبر می‌باشد.

میراثی که از آنها به عناوین زیر نام برده شده است:

«مصحف امیر المومنین(ع)، مصحف حضرت فاطمه زهرا(س)، کتاب جفر و کتاب جامعه^{۴۵}، کتابی که اسامی شیعه و دشمنان اهلیت تا روز قیامت در آن است، و...»

^{۴۳} - در این زمینه ر ک: بحار الانوار ۲۷ ص ۲۹۱ باب ۳ و باب ان الامام متی یعلم انه امام و باب ۴ الوقت الذی یعرف الامام الاخیر ما عند الاول

^{۴۴} - امام صادق می‌فرماید تمام علم نزد امیر المومنین بود و از آن پس آن علم به ارث به امامان بعد به همان اندازه می‌رسد : بحار ۲۷ ص ۲۹۵

^{۴۵} - مصحف امیر المومنین قرآنی است که امیر المومنین پس از رحلت پیامبر بر اساس ترتیب نزول و به همراهی تمامی روایات تفسیری نبوی درباره هر آیه جمع‌آوری نموده است. و مصحف حضرت زهرا کتابی است که در دوران بستری شدن حضرت زهرا، امیر المومنین از حدیث گفتن ملائکه برای حضرت زهرا نوشت و در آن احوال مردم تا روز قیامت نگاشته شده است و جفر کتابی است که مشتمل بر تمامی کتاب‌های آسمانی سابق است و جامعه کتابی است که همه دانش‌هایی که مردم به آن نیاز دارند (ظواهر دانش‌های غیر دینی و شامل دانش‌های دنیوی) الاحتجاج ج ۲ ص ۳۷۲

پس نزد امام؛ هم دانش های حضوری است که در هنگام امامت به نقطه اوج و کمالش می رسد و هم گنجینه ای از دانش های مکتوب ماورائی است که در آن تمامی علم اولین و آخرین و دانش های غیبی فراوانی است .

و میراث داری از این دانش مکتوب از لحظه آغاز امامت به امام جدید می رسد. و بدیهی است لازمه عصمتی که همیشگی برای امام معصوم است، با علمی غیبی که در زمان امامت به نقطه اوج خود می رسد؛ اثبات جمیع مراتب و مقام های دنیوی و ملکوتی برای امام است که شامل این موارد می باشد:

- رهبری سیاسی
- مرجعیت علمی
- ولایت تکوینی و واسطه فیض بودن بین حق تعالی و جهان هستی
- ولایت ناظر به مدیریت کلان جهان بشریت به سوی غایت و غرض آفرینش^{۴۶}

پس لحظه آغاز امامت هر امام، لحظه ای بسیار خاص می باشد. چرا که در این لحظه ضمن فرایند انتقال دانش تمام هستی از امام پیشین به امام بعدی، لازمه آن که ولایت و راهبری تمام مُلک و ملکوت باشد هم به امام بعدی منتقل می شود.

بدین جهت ممکن است این لحظه انتقال در نگاه زمینی ها فرایندی ساده و نامحسوس باشد. ولی در نگاه ماورائی، آن قدر مهم است که در مسئله ابلاغ بعثت و یا ابلاغ ولایت و یا انجام بیعت با اولین امام، برجسته

^{۴۶} - این ولایت غیر از ولایت تکوینی است. در ولایت تکوینی نظام آفرینش در محضر امام است. ولی در این ولایت و در چهارچوب افاضه سالیانه مقدرات زمینی و انسانی شب قدر از آسمان و عرضه اعمال بندگان به صورت هفته ای دو مرتبه، امام در هر دوره زمانی؛ مدیریت پنهان جهان بشریت را انجام می دهد. و مدیریت کلان جهان بشری را به سوی بهشت زمینی ظهور که بر محوریت عبودیت و عدالت است را به انجام می رساند. و در این مدیریت مُلکی و ملکوتی مواجهه اصلی اش با ابلیس در عالم باطن و تمامی شیاطین انس در ظاهر می باشد .

ترین فرشته آسمانی جبرئیل حضوری تام و تمام دارد. و در برابر همه این آغازها که ضربه ای است برای تلاش های تاریخی ابلیس در مسیر توسعه باطل، فریاد و ناله ابلیس را به همراه دارد.^{۴۷}

سخن پایانی :

مسئله آغاز امامت و ولایت؛ متعالی ترین فرایندی است که در جهان انسانی رخ می دهد. و بازتاب آن شامل تمامی عوالم وجود می گردد. و وقتی امامان دوازده گانه همگی از جهت مقام امامت در یک مرتبه هستند، ممکن است به ظاهر همگی در لحظه آغاز امامت مرتبه ای یکسان داشته باشند چرا که فرموده اند: «کلهم نور واحد»^{۴۸} ولی به نظر می رسد نظر به جایگاه و مرتبه امامت و نوع ماموریت تاریخی؛ شاید اولین و آخرین امامان از جایگاه ممتازتری برخوردار باشند.^{۴۹}

و نشانه حساسیت و اولویت نسبت به اولین آخرین امامت را در شدت اهتمام و رهبری جبهه حق از جهت بستر سازی، و سران باطل از جهت شدت تلاش ها برای جلوگیری از آن، می توان دید.

و بدینگونه است که ماجرای غدیر خم و نهم ربیع الاول تبدیل به ۲ عید شاخص در تاریخ امامت می گردند.

^{۴۷} - بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۲۱ : ابلیس چهار مرتبه ناله سر داد ، روزی که ملعون شد ، روزی که به زمین هبوط کرد ، روز مبعث و روز غدیر

^{۴۸} . بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۲۳

^{۴۹} - از جهت مرتبه افضلیت روایت داریم که هر امام پدر از امام فرزند به اقتضای مقام پدری افضل است اگر چه در مقام و مرتبه امامت یکسان می باشند ولی با این وجود تصریح روایات است که افضل امامان پس از امیر المومنین ، امام موعود است (تاسعهم باطنهم و همظاهرهم و هو افضلهم و هم قائمهم) الغیبة النعمانی / ۶۷

فصل چهارم: آغاز امامت امامان معصوم در تاریخ

در فرهنگ ولایت‌شناسی، ولایت باوری و ولایت زیستی؛ شاهد ۱۲ زادروز و سالگشت امامت معصومین هستیم. ولی شاید زادروز و سالروز ولایت هیچ امامی به اندازه امام اول و امام دوازدهم دارای اهمیت نباشد. چرا که امام اول مبنا و پایه خط امامت و ولایت است. و تا مومن با شادی تجلی تکوینی (ولادت) و تشریحی (امامت و ولایت) آن امام سلوک ننماید نمی‌تواند به مسیر ولایت حق راه یابد.

و سلوک معنوی با تجلی و فعلیت و عینیت تکوینی و تشریحی امام دوازدهم عمق و کمال این ولایتمداری را محقق می‌سازد.

بدین جهت است که در ۱۲ تجربه آغاز امامت و ولایت‌ها، هیچ کدام به اندازه اولین و آخرین آغازها به عنوان اولین و آخرین غدیر دارای اهمیت نمی‌باشد. به ویژه که در تاریخ دینداری شیعیان هم هیچ زادروز و هیچ زمان امامت امامی برای مسلمانان به اندازه این دو بزرگوار مورد توجه دوست و دشمن نبوده است.

به عنوان نمونه وصایت امیر المومنین از آموزه های موعود در ادیان و مذاهب آسمانی گذشته بود و درباره ولادت و امامت امام موعود هم به صورت کلی و یا جزئی گزاره های دینی از ادیان پیشا اسلامی و از قرآن و احادیث نبوی وجود داشت. بدین جهت حساسیت اجتماعی نسبت به این دو امام بیشتر بود.

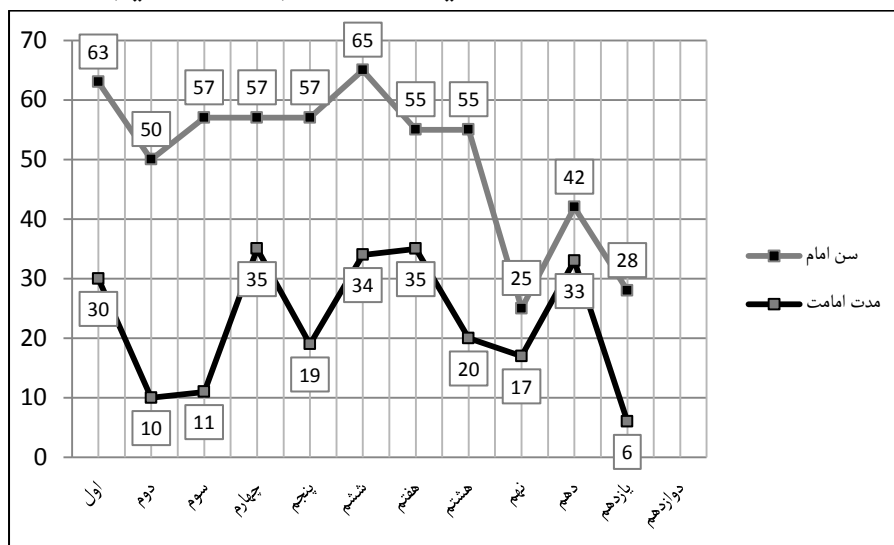
البته این حساسیت فراوان به معنی آمادگی جامعه دینی/اسلامی برای پذیرش امامت و ولایت معصومین نبوده و نیست. بلکه همانگونه که تولد و بعثت پیامبر با تمام پیشگوئی هایش در غربت انجام شد. آغاز امامت همه امامان با نوعی غربت و مهجوریت و هجوم ها و فشارها از سوی رهبران و جوامع باطل همراه بوده است که گزارش اجمالی آن چنین است:

امام معصوم	روز تولد	سالگشت آغاز امامت	سن به هنگام امامت	وضعیت جامعه شیعه	وضعیت جامعه اسلامی
امیر المومنین	۱۳ رجب سال دهم بعثت	معرفی و اعلان: ۱۸ ذی الحجة ۱۰ ه.ق. آغاز امامت: ۲۹ صفر ۱۱ ه.ق. آغاز خلافت: ۱۸ ذی الحجة ۳۵ ه.ق.	۳۳ سالگی + ۵۸ سالگی (آغاز خلافت امام)	جامعه شیعه در اقلیت شدید	جامعه باطل در اکثریت که متمایل به جریان منافقین بودند
امام حسن	۵ رمضان سال ۲ ه.ق.	۲۲ رمضان ۴۰ ه.ق.	۴۰ سالگی	جامعه شیعه در اقلیت	تنوع جامعه باطل از امویا و خوارج و ساکنین و....
امام حسین	۳ شعبان سال ۳ ه.ق.	۲۹ صفر ۵۰ ه.ق.	۴۷ سالگی	طرح معاویه برای نابودی جامعه شیعه به ویژه در شهر کوفه	گسترده‌گی جامعه باطل حتی در مکه و مدینه
امام سجاد	۵ شعبان سال ۳۸ ه.ق.	۱۱ محرم ۶۱ ه.ق.	۳۳ سالگی	محدود ترین و پراکنده ترین دوره برای شیعه یا مدعیان تشیع	اوج اقتدار ظاهری جریان های باطل پس از جنایت عاشوراء
امام باقر	۱ رجب سال ۵۷ ه.ق.	۱۳ محرم ۹۵ ه.ق.	۳۸ سالگی	جامعه در حال احیاء اما پراکنده	اقتدار مروانیان و اوج دوران شیعه کشی آنها به ویژه در عراق
امام صادق	۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ ه.ق.	۸ ذی الحجة ۱۱۴ ه.ق.	۳۱ سالگی	هسته اولیه شاگردان امام باقر	اقتدار مروانیان در کنار شروع شدن فعالیت عباسیان به عنوان جریان اصلاحات به ویژه در عراق
امام کاظم	۷ صفر سال ۱۲۸ ه.ق.	۲۶ شوال ۱۴۸ ه.ق.	۳۰ سالگی	جامعه در حال شکل گیری شیعه به ویژه در شهر های کوفه،	اوج گیری قدرت عباسیان که باعث تقیه شدید در آغاز

امامت امام کاظم شد	بغداد و قم				
امام رضا	۱۱ اذی القعدة سال ۱۴۸ ه.ق	۲۶ رجب ه.ق ۱۸۳	۳۵ سالگی	جامعه شیعه در حال گسترش اما ریزش خواص و پیدایش فرقه انحرافی و اقلیه	اوج خلافت عباسیان و اهتمام آنها به تقویت علمی و فرهنگی نظام خلافت
امام جواد	۱۰ رجب سال ۱۹۵ ه.ق	۹ ربیع الاول ۲۰۳ ه.ق	۸ سالگی	جامعه شیعه رو به سوی انسجام نهایی	خلافت و اجرای طرح های سیاسی پیچیده با هدف ضربه زدن به جریان امامت و فروپاشی شیعه از درون
امام هادی	۵ اذی الحجة سال ۲۱۲ ه.ق	۱ اذی الحجة ۲۲۰ ه.ق	۸ سالگی	شکل گیری نهایت و هویت فرهنگی جامعه شیعه	احساس خطر عباسیان از قوت شیعه و گسترش آن و تلاش برای بحران آفرینی در رابطه شیعیان و امامان
امام حسن عسکری	۸ ربیع الثانی سال ۲۳۲ ه.ق	۴ رجب ۲۵۴ ه.ق	۲۲ سالگی	جامعه شیعه و مسئله انتظار ولادت	حساسیت بسیار شدید خلافت نسبت به مسئله ولادت امام موعود و اوج فشار بر امام و شیعیان
امام زمان	۱۵ شعبان سال ۲۲۵ ه.ق	۹ ربیع الاول ۲۶۰ ه.ق	۵ سالگی	جامعه ای گسترده امام در تقیه ای شدید و با آگاهی محدود درباره امام موعود و پذیرای نیابت نواب خاص	هجوم و مراقبت شدید نسبت به وجود امام و آزار شدید شیعیان

دقت در این جدول مشخص می کند هر گاه جامعه شیعه در نهایت اقلیت و ضعف باشد، هم عمر امامان و هم غالباً زمان امامت آنها فزون تر و بیشتر است. ولی وقتی به بخش پایانی دوره امامت نزدیک می شویم سن امامان و یا مدت زمان امامت امامان و یا زمان به امامت رسیدن آنها به شدت کاهش می یابد. و این درست در زمانی است که در یک روند ۲۵۰ ساله تلاش امامان برای طراحی و ایجاد جامعه شیعه به ثمر می نشیند.

نمودار طول عمر و مدت امامان شیعه تا قبل از غیبت امام زمان¹



این دو جدول بیانگر این نکته است که باطل با توجه به اقلیت شدید جبهه حق و در مواجهه با تقیه حفاظتی شدید معصومین، به طرد اجتماعی و انزوای سیاسی معصومین رضایت می داده است. ولی در بلند مدت وقتی مشاهده کرد که معصومین در کنار تقیه حفاظتی به تدریج سیاست تقیه جذبی و آن گاه تقیه مدارتی را به اجرا گذاشته اند؛ بدین جهت دیگر حتی تحمل حضور فیزیکی اما را در جامعه ندارد.^{۵۰}

بدین جهت است که در دوران پایانی دوران امامت امامان در کنار کوتاهی دوران امامت ایشان، شاهد مسئله آغاز امامت در دوران کودکی هستیم. روندی که در یک روند کاهنده سن امامت در کودکی را در سه امام، از سن ۷-۸ سالگی به سن ۵ سالگی (در مورد امام زمان (عج)) می رساند. امری که بیانگر شدت وحشت

^{۵۰} - تقیه که به معنی رعایت زندگی با ملاحظه دفع و کاهش دادن دشمنی دشمن است سه مرتبه دارد: مرتبه تقیه حفاظتی با هدف حفظ جان رهبر و شیعیان از نابودی که شدیدترین مرتبه تقیه و اولین مرحله آن است. دوم تقیه مدارتی و جذبی که پس از دفع اوج دشمنی ها و هجوم ها و امکان همزیستی در جامعه اسلامی به جذب استعدادها و متمایل به حق در جامعه می پردازد و سوم تقیه نفوذی است که به هنگام سستی یا غفلت باطل به نفوذ نیروهای کارآمد جبهه حق در بنده سیاسی و اجتماعی جامعه و حاکمیت باطل می پردازد تا بیسترها برای یآوری حق و تضعیف باطل فراهم شود.

در تاریخ امامان از دوره امام اول تا اوائل دوره امام پنجم دوران تقیه حفاظتی است و تمامی دوران صادقین تا پایان دوران امام رضا دوران جذبی و نفوذی در دو مرحله است و در مرحله آخر دوباره شرایط به سوی تقیه شدید باز می گردد در این زمینه ر ک: تقیه / علی صفایی حائری

نظام خلافت (عباسی) از استمرار و امتداد خط امامت در کنار رشد روز افزون تشیع بوده به گونه ای که آنها را با تمام قوا به مقابله با مسئله ولادت و آغاز امامت امام دازدهم می کشاند.

دقت در دو جدول نشان می دهد که چگونه گسترش جبهه حق و توسعه آن، باعث وحشت جریان باطل شده و ناکامی خود را در نابودی جبهه حق در ناحیه انتقام گیری از امامان معصوم تلافی می کند.

در این شرایط است که خط امامت در یک مدیریت فعال و پویا و سیرت اجتماعی و فرهنگی پیچیده و چند لایه تلاش می کند ضمن به خنثی سازی برنامه های خطرناک نظام باطل بر علیه رهبری و جامعه شیعه، به رشد و توسعه جامعه شیعه اقدام ورزد. و جامعه شیعه را بر محور ایمان، تقوا و دانش چنان مبتنی بر علم و ایمان تربیت می کند که تنها جامعه ای است که پس از امام در قالب ساختار و سیستم سازمان وکالت به رهبری شخصیت های ایمانی، صالح، عادل و مهمتر از همه عالم و دانشمند تن می دهد.

سازمانی که چون آیین و امتداد دین ورزی و دانش بیکران امامان معصوم خود است، در بلند مدت بستر ساز نیابت خاص و آنگاه نیابت نائب عام برای رهبریشیعه در دو دوره غیبت صغری و کبری می گردد.

مطالعه این دو جدول نشان می دهد که شیعه ای که در آغاز امامت امام سجاد (ع) در اقلیت و پراکندگی شدید است، در پایان دوران امامت امام کاظم (ع) به اوج گسترش جغرافیایی و اجتماعی می رسد. و از یک شهر کوفه به تمامی جغرافیایی جهان اسلام و به ویژه عراق و ایران گسترش می یابد. البته در زمانه امامت امام کاظم (ع)، نوبت آزمایش خواص فرا می رسد تا در مسیر مسئولیت پذیری، آسیب های احتمالی سازمان مدیریت واسطه ای وکالت روشن شود.

ماجرای ریزش برخی از خواص دنیا زده با نام واقفیه در آغاز امامت امام رضا، در کنار مدیریت علمی / اجتماعی حساب شده امام هشتم باعث می شود که خواص و عموم شیعیان از آن پس به چنان بلوغی

نسبت به ضعف های داخلی و تهدیدهای بیرونی برسند که خیلی زود در مواجهه با رویداد آغازامامت امامان بعدی مسئله امامت در کودکی را بر مبنای آموزه های عقلی/قرآنی/حدیثی و مشاهده کمالات امامان (با وجود سن کم آنها) به راحتی بپذیرند.

بدین جهت در مطالعه تاریخ و سیره معصومین مسئله آغاز امامت را می بایست از زوایای متعدد نگریست، تا بتوان به تحلیل درست از تاریخ امامت دست یابیم.

مسئله آغاز امامت را از جهت رقابت ماورائی ابلیس و مدیریت آسمانی حق تعالی، از جهت دشمنی ها و نابود گری های شیاطین انسانی، از جهت مدیریت غیبی و زمینه سازی هر یک از امامان برای امام بعدی، و در نهایت از منظر بازتاب هایش بر جامعه شیعه باید نگریست .

اگر این نگاه جامع در مطالعه زندگی امامان و مسئله آغاز امامت ایجاد شود؛ آن گاه معلوم خواهد شد که در مسئله ولادت و آغاز امامت دوازدهم چگونه شاهد پیچیده ترین مواجهه های حق و باطل می باشیم .

سخن آخر:

با نگاهی دوباره به اولین جدول مشخص می گردد که آغاز امامت امام اول سه مرحله دارد که عبارتند از :

«آغاز ولایت در غدیر، آغاز امامت با خانه نشینی ، آغاز خلافت (که بدون پذیرش مقام امامت آسمانی امام اول در جامعه اسلامی است و امام تنها در مقام خلیفه چهارم می باشد)»

در برابر آغاز های مهدوی هم سه مرحله ای می باشند که عبارتند از:

« آغاز امامت که مصادف با غیبت صغری است ، آغاز عیبت کبری ، زمان ظهور »

این وضعیت تاریخی را وقتی کنار همدیگر قرار دهیم تحلیل و تفسیر چرایی رخدادش را از این دعای معروف خواهیم یافت که :

« اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا »^{۵۱}

بدین معنا که رحلت پیامبر، چون با تخلف سیاسی/اجتماعی صحابه همراه شد، این رویداد هم مهجوریت قرآن و هم طرد امامت را از جامعه سلامی به دنبال داشت. امری که سرانجام آخرین آغاز امامت را با غیبت همراه ساخته است.

^{۵۱} - بحار ج ۵۳/ص ۱۸۸ و ۳۲۷

فصل پنجم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول

نوشته اند که : وقتی حضرت آدم (و حوا) از بهشت به زمین هبوط یافتند، مدت ها در حسرت بهشت بسیار گریست به گونه ای که یکی از بکائین یعنی بسیار گریه کنندگان تاریخ را حضرت ادم گفته اند، که در حسرت و فراق بهشت بسیار گریست.

تا اینکه سرانجام حق تعالی فرشته ای که از دوستان آسمانی حضر آدم بود را نزد او فرستاد. آن فرشته وقتی گریه و حزن شدید حضرت آدم را دید به او گفت آیا می دانی که خداوند وقتی خواست تو را بیافریند چگونه ما را خبر کرد؟

او فرمود: « اَنْی جاعل فی الارض خلیفه » و ما اعتراض کردیم و گفتیم « اَتَعْجَل فیها مَنْ یُفسد فیها و یسفک الدماء » ؟

ولی خداوند فرمود که: من چیزی می دانم که شما نمی دانید. و آن گاه تو را آفرید و ما از این سخن او فهمیدیم که خداوند تو را برای روی زمین آفریده است. آن وقت تو همچنان در حسرت آسمان هستی؟

حضرت آدم وقتی این سخن را از فرشته شنید، آرام گرفت و گریه اش قطع شد.^{۵۲}

^{۵۲} - تفسیر المیزان ۱ ص ۱۲۰ از تفسیر عیاشی در ذیل ایه ۳۰ سوره بقره

این داستان نشان می دهد تا وقتی نگاه حضرت آدم به گذشته بود، مسئله هبوط برایش داغی سنگین بود. ولی وقتی نگاهش به چشم انداز آینده افتاد آرامش گرفت .

در قرآن هم در ضمن آیات گوناگون با نقل داستان هبوط آدم ، تلاش می کند این هبوط را نه از منظری سراسر منفی؛ بلکه از منظر شروعی روشن و آغاز گری درخشان بنگرد. بدین جهت هر گاه در قرآن داستان حضرت آدم روایت می شود، پسوند آن بحث نزول دین و چشم انداز روشن ناشی از دینداری مطرح است.^{۵۳}

و از آن پس بود که برای بشری بر روی زمین چشم اندازی بهشتی در نظر گرفته شد. و گویا حضور کوتاه مدت آدم و حوا در بهشت آسمانی، تنها فرصتی برای مدل شناسی برای تهیه نقشه راهی بود که پس از هبوط قرار بوده بر روی زمین محقق شود و مدل زمینی آن بهشت با سعی و تلاش مومنانه انسان ها ساخته شود.

بنابراین نقشه راه تاریخ انسان ها، از زمان هبوط حضرت آدم با مدیریت و هدایت پیامبران آغاز می گردد. و هر پیامبری در کنار تمام هدایتگری هایش تاکید می کند که راه رسیدن به زمین سراسر بهشتی؛ راه طولانی است که از مسیر و معبر بشارت به پیامبران بعدی و خصوصا از معبر بشارت به پیامبر خاتم خواهد گذشت.

و البته پیامبر خاتم هم تاکید داشت که خاتمیت ایشان در نزول دین آسمانی بوده و پس از نزول دین کامل و جامع و خاتم؛ نوبت به فرایند تدریجی بستر سازی برای اجرای جهانی این دین خاتم می رسد. و این جا است که پیامبر بشارت می دهد که این فرایند از مسیر تحقق امامت ۱۲ امام معصوم خواهد گذشت و تنها امام دوازدهم است که سرانجام این اهداف زیر را محقق خواهد ساخت:

^{۵۳} - به عنوان نمونه ر ک به آیات ۳۹ بقره و ۲۷ اعراف و ۱۲۳ طه که اشاره به دو راهی حق و باطل و عاقبت نیک رهروان حق دارد.

- فلسفه خلقت و آفرینش آدمی: خلافت بر زمین: « انی جاعل فی الارض خلیفه = ۳۰ بقره »
- فلسفه هیبوط و زندگانی زمینی: زندگی مومنانه: « قلنا اهبطوا ... فمن تبع هدای = ۳۸ بقره »
- فلسفه و هدف از دینداری به دین خاتم: جهانی سازی دین ورزی و عبودیت، جه خلافت جهانی را بدنبال دارد: « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ ... = ۵۵ نور »

بدین جهت هماره در یک نگاه و آرزوی تاریخی مشترک، تمامی پیامبران و تمامی اوصیای آنها و تمامی پیروان برجسته آنها که به مراتب بالای معرفت و یقین رسیدند؛ توجهشان به سوی انتظار موعود و منجی ای بوده که آخرین وصی دین خاتم است و بستر ساز آرزوی جهانی سازی بهشت زمینی از معبر عبودیت و عدالت است .

بدین جهت امام دوازدهم به عنوان «موعود الامم»^{۵۴} شناخته شده است. موعودی که تمامی پیامبران و اوصیای آنها به ولادتش، به امامت و وصایتش و سرانجام به ظهورش خبر و بشارت داده اند.

و نهم ربیع الاول؛ دومین آغاز از آغازهای سه گانه امام موعود است که شباهتی تام و تمام با رویداد هیبوط و داستان حزن و شادی حضرت آدم دارد.

چرا که اگر به آن از منظر آغاز گری غیبت صغری بنگریم به شدت محزون خواهیم شد. و باید همچون غم و غصه حضرت آدم ناله سر دهیم که : «اللهم ان نشکوا الیک غیبه ولینا»^{۵۵}

^{۵۴} . بحار الأنوار، المجلسي ج ۹۸ ص ۲۶۵ باب ۱۸ زیاراته صلوات الله علیه : السَّلَامُ عَلَى الْمُهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يُلْمَ بِهِ الشَّعَثَ

ولی اگر آن را از منظر آغاز امامت آخرین ولیّ معصوم بنگریم که امامت اش آغازگر فرایند و روند بهشت جهانی ظهور است، این روز؛ روز چشم و شادی خواهد بود. و بدین جهت است که امامان و پیامبران معصوم، چشم انتظار میلادش، آغاز امامتش و آغاز ظهورش بودند.

از این منظر نهم ربیع الاول، درست همانند غدیر خم خواهد بود. چرا که در غدیر خم اگر چه امامت و ولایت امیر المومنین اعلان شد، ولی رسمیت و فعلیت آن به زمانه پس از رحلت پیامبر واگذار شد. البته آن هم هیچگاه محقق نشد.

ولی این عدم تحقق همانگونه که در بازشناسی تاریخ و فرهنگ امامت و ولایت معصوم معرفی شد، تنها به معنی عدم تحقق ولایت سیاسی بوده است و ولایت های علمی و تکوینی و اجتماعی امام (حداقل برای جامعه حق) رخ داده است.

و همانگونه که به واسطه ابتهاج و سرور و نشاط و شادی تمام عوالم وجود از تفویض مقام امامت در غدیر خم این روز، روز جشن می گردد؛ حتی اگر اکثر انسان ها آمادگی پذیرش آن ر نداشته باشند، نهم ربیع الاول هم همین گونه خواهد بود. بدین جهت هم نهم ربیع الاول در مقام آخرین غدیر، جشن آغاز امامت آخرین معصوم می باشد. اگرچه در عین حال آغاز دوران غیبت هم باشد.

با این نگاه نهم ربیع الاول امتداد تمامی روزهای مقدس زیر است:

- امتداد هبوط آدم و آغاز زندگی زمینی با هدفی بسیار متعالی چشم انداز روشن.
- امتداد تمامی بعثت های آشکار و نهان پیامبران آسمانی و به ویژه پیامبران اوالعزم.

°° . بحار الأنوار، المجلسي ج ۵۳ ص ۱۸۹ باب ۳۱ ما خرج من توقيعاته :

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُرُ إِلَيْكَ فَفَدَّ نَبِيَّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَطَاهُرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدِدِنَا

- امتداد غدیر ولایت امیر المومنین و عید آغاز امامت تمامی امامان پیشین.

بدین جهت است که از نگاه فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول، آخرین آغاز در تفویض مقام ولایت آسمانی است. تفویضی که آغاز ما قبل آخر هم است و پس از آن جز آغاز ظهور امام موعود، آغازی نخواهد بود.

از این منظر به حدفاصل دوران آغاز امامت امام موعود تا آغاز ظهورش نباید به علت غیبت آن امام، صرفاً با نگاهی منفی نگریست. و این دوران را همانند دوران حد فاصل عروج آسمانی حضرت عیسی تا بعثت پیامبر اسلام که به آن دوران فترت گفته می‌شود^{۵۶} نگریست. چرا که دوران غیبت بر خلاف دوران فترت با حضور و ولایت و امامت و مدیریت غائبانه پیوسته امام موعود همراه است. بدین جهت است که آغاز امامت امام موعود، اگر چه با غیبت از جامعه بشری همراه است ولی این غیبت هیچگاه زمینه خوشحالی ابلیس و شیاطین جن و انس پیرو او را فراهم نساخت. بلکه آنها را در یک ابهام زمانی از جهت احتمال ظهور آن امام غائب در هر لحظه قرار داده است. این در حالی است که مسئله غیبت امام از جوامع بشری امکان دسترسی شیاطین جن (با واسطه فعال سازی شیاطین انسی به صورت مستقیم در برابر امام هر عصر) و انس را هم به امام موعود به صورت کامل قطع نموده است.^{۵۷} بدین جهت نهم ربیع الاول عید واقعی خط امامت است. چرا که این آغاز به گونه ای انجام شد که بر خلاف دیگر آغازها، خطر هجومها و نابودگریها ابلیسهای جنی و انسی برای همیشه از رهبر معصوم برطرف شده است. در حالی که آن امام

^{۵۶} - حد فاصل دوران حضرت عیسی تا بعثت پیامبر اسلام را در قرآن (۱۹ مانده) و فرهنگ روایات اسلامی دوره فترت نامیده اند. دوران نزدیک به ۶ قرن که بنا به برخی از روایات به علت نبودن پیامبری برای هدایت بشریت باعث سرور و شادی ابلیس شده بود (بحار الانوار ۱۱ ص ۱۴۵) البته بر مبنای برخی دیگر از ادله جه زمیت هیچگاه از حجت خالی نخواهد شد، در این زمان نبی بوده ولی بر طبق آیه قرآن رسول نازل نشده است.

^{۵۷} چرا که ابلیس بر انسان کامل سلطه ای ندارد و قدرت ام جز از معبر وسوسه گری انسانهای گمراه بر علیه ابلیس نخواهد بود. ولی غیبت سد راه دسترسی آنها بر امام موعود شده است. بدین جهت دوران غیبت دوران مواجهه ابلیس و شیاطین جن و انس با جوامع ایمانی است. جوامعی که به چنان بلوغ دینی و علمی و ایمانی رسیده اند که در جریان پیوسته غیبت با وجود در اقلیت بودن در برابر تمامی جبهه باطل نه تنها استواری می‌ورزند، بلکه بتدریج هم جامعه حق را گسترش داده و هم پیامش را جهانی می‌سازند.

معصوم در پس پرده غیب به راهبری و مدیریت خود می پردازد پس آغاز غیبت، آغاز دورانی خاص از حیرت باطل و دورانی جالب از استواری و صلابت جوامع حق است.

و سرگردانی ابلیس (و ابلیسیان) به جهت کوتاهی دست اش از صدمه زدن به امام معصوم است و آغاز دوران مسئولیت پذیری سنگین خواص جامعه حق (نواب خاص و عام شیعه که علمای برجسته و متقی شیعه باشند) هم است.

پس آغاز امامت امام زمان یکی از آغازهای زیبا و امید آفرین و بسیار ویژه است. چرا که از منظر نگاه تاریخی دستاوردهای زیر را به همراه دارد:^{۵۸}

- غیبت امام باعث انفعال همیشگی ابلیس و ابلیسیان در برابر رهبری معصوم شده است.
- غیبت امام باعث فراغ کافی امام غائب برای مدیریت غائبانه بشر به سوی بهشت ظهور شده است.
- غیبت امام بستر ساز بلوغ تدریجی جامعه حق و مسئولیت پذیری تاریخی آنها معطوف به رسالت زمینه سازی شده است.^{۵۹}

سخن آخر :

در نگاه فلسفه تاریخی شیعه ، تاریخ یک جریان پیوسته است که بر محور هبوط اولین انسان که پیامبر هم بوده شروع شده است. و حقیقت تاریخ بر درگیری پیوسته حق و باطل تعریف می گردد. در این درگیری

^{۵۸} - البته این سخن به معنی نفی و یا غفلت از حزن غیبت (... نشکوا الیک غیبة ولینا) نیست ولی در مقام تحلیل تاریخی طالب است که نگاهی جامع به ابعاد حزن و شادی این رویداد داشت و همانند عید غدیر از ابعاد شادی و امید آفرین آن غافل نشد.

^{۵۹} - این سخن بدین معنا است که تا پیش از غیبت مهمترین تلاش ابلیس معطوف ه مهاجم مطرود سازی امام معصوم در جامعه حق و هجوم آوری جامعه باطل بر علیه ولی معصوم با هدف حذف فیزیکی رهبری معصوم از جامعه بشری بوده است. ولی تاریخ ولایت ۲۵۰ ساله مامان معصوم باعث پیدایش جامعه شیعه بر محور ایمان و تقوا و عالم ورزی شد. و در استانه غیبت این جامعه به چنان بلوغی رسید که آمادگی پذیرش نیابت امام و حفظ و گسترش کمی و کیفی با وجود غیبت امام را یافت. با این نگاه مسئله غیبت و علت آن از جهت ابلیس و جبهه باطل به علت اوج هجوم آنها برای نابودی آخرین امام است تا فلسفه هبوط که یکی از غایات آن نابودی ابلیس بر روی زمین است محقق نشود. ولی غیبت عملا ابلیس و جبهه باطل را در مقابل امام خلع سلاح نموده و در زمانه غیبت تمامی توجه آنها معطوف به جامعه حق می گرداند. البته در این زمان جامعه حق به چنان مرزی از بلوغ رسیده که تحت رهبری نائبان غیر معصوم اما پاک زیست نه تنها و تحت هدایت غائبانه امام معصوم، رو به نابودی نمی رود بلکه همواره روندی رو به رشد داشته و خواهد داشت.

رهبری جبهه حق با پیامبران و سپس با امامان معصوم است و رهبری جبهه باطل با ابلیس است، که نمود گمراهی های او در جوامع باطل انسانی ظاهر می شود.

بر اساس این مبنا همواره باید روند رویدادهای جبهه حق را مبنای فرهنگ سازی قرار داد و با شادی تاریخی اولیای حق شاد شد و با حزن آنها محزون گردید. چرا که آنها راهبران تاریخی انسان ها به سوی آینده روشن که بهشت زمینی ظهور بوده هستند و از معبر این شادی و حزن مقدس است که زمینه سلوک جهشی به سوی چشم انداز زمینه سازی آسان تر می گردد.

بنابراین نهم ربیع الاول به عنوان آخرین غدیر و آخرین آغاز امامت، نه تنها حامل سرور عوالم گوناگون بلکه کانون سرور تمامی پیامبران و معصومین پیشین می باشد و چون آخرین غدیر امامت است، حامل ارزش غدیر های پیشین هم می باشد. و عیدی است که وارث تمام عیدهای پیشین و آخرین عید جبهه حق تا هنگامه جشن زیبای روز ظهور است.

آغازهای تاریخی مهم از منظر جبهه حق:



بخش دوم:

چیستی و واقعیت تاریخی

نهم ربیع الاول

در این بخش ابعاد تاریخی رویداد نهم ربیع الاول گزارش می شود تا واقعیت تاریخی این روز بهتر و بیشتر شناخته گردد . بدین جهت فهرست فصل های این بخش چنین است:

فصل اول: گاه شمار آغاز آخرین امامت

فصل دوم: شخصیت شناسی امام مهدی (عج) در آستانه امامت

فصل سوم: همه یاوران امام غائب در آغازین روزهای امامت

فصل چهارم: جامعه . جغرافیای شیعه در آغاز امامت امام موعود

فصل پنجم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز(ظهور).

فصل اول: گاه شمار آغاز آخرین امامت

نهم ربیع الاول در سال ۲۶۰ ه ق سالروز آغاز امامت امام موعود(عج) است. که این رویداد پس از شهادت

امام یازدهم امام عسکری (ع) در هشتم ربیع الاول رخ داد.

آغاز امامت امام زمان (عج) آخرین مرحله از دوران پیشوایی امامان شیعه است. که برای فهم بهتر جایگاه

این آغازگری ، می بایست به صورت فشرده با مراحل و دوره های تاریخ از نگاه مکتب تشیع آشنا گردیم.

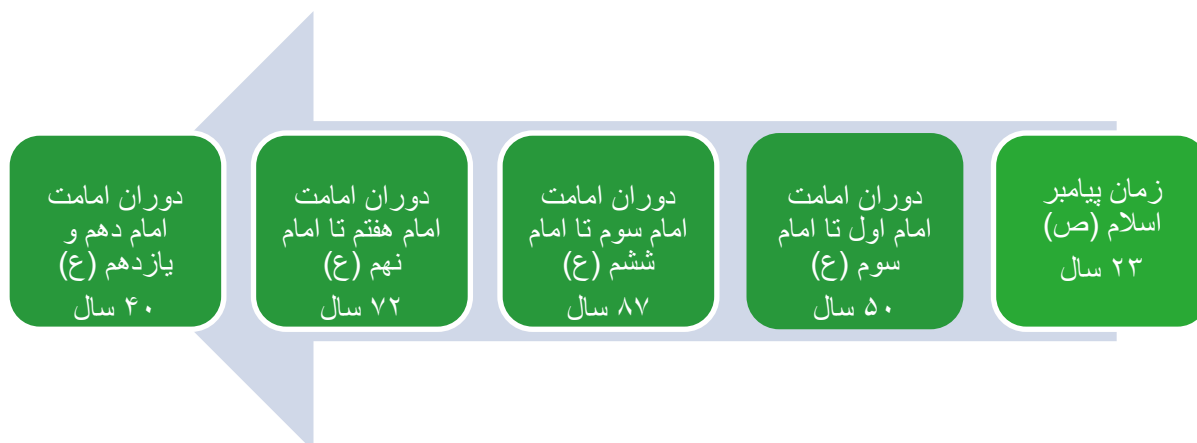
در نگاه شیعه آغاز و پایان و مسیر بندی کلی تاریخ بشریت چنین است:

دوران بازگشت	دوران امامان (دوره اجرا و پیاده سازی دین)	دوره پیامبران (دوره نزول تدریجی وحی و دین)	هبوط
-----------------	--------------------------------------------	------------------------------------------------	------

دوره	دوران	دوران	دوران غیبت	۲۵۰ سال دوران	۱۲۴ هزار پیامبر نزدیک	آغاز
رجعت	ظهور	غیبت	صغری	حضور امامان از	به ۶ هزار سال با	زندگی
		کبری	۶۹ سال از	امام اول (۱۱هـ.ق)	محوریت و مرحله بندی	بشری
			۲۶۰ هـ.ق تا	تا امام یازدهم	پیامبران اوالعزم	
			۳۲۹ هـ.ق	(۲۶۰هـ.ق)		

بر این اساس آدمی از بهشت آسمانی آدم و حوا آمده و به سوی بهشت زمینی ظهور می رود.

دوران ۲۵۰ ساله امامت دورانی است که ، پس از پایان دوران پیامبری آغاز می گردد و هدفش اجرای تدریجی و عملی دین خاتم است . این دوران ، دوره درگیری گسترده حق و باطل است در این زمان هدف باطل، تلاش برای نابودی و یا تعطیلی و یا حداقل ایجاد تحریف و انحراف در دین خاتم است. و در برابر هدف امامان در مرحله اول حفظ دین خاتم از نابودی و تحریف ، و آنگاه تلاش برای جامعه سازی بر مبنای علم و فرهنگ دینی است. این دوران ۲۵۰ ساله را از نگاه کلی و ناظر به تحقق این دو هدف می توان به مراحل زیر تقسیم بندی نمود:



بدین جهت در یک نگاه مقایسه ای بین جامعه شیعه و اهل سنت شاهد هستیم که در این سالها ، در برابر پراکندگی ها و آشوب ها و تفرقه ها ، جامعه شیعه تا آنگاه که در مسیر تولی و تبری بر محور امامان معصوم است نه تنها دارای سلامت است ، بلکه به واسطه مدیریت معصومانه امامان روندی رو به رشد دارد.

بدین جهت دوران پایانی امامت، شاهد اوج گیری فشارها و هجوم ها بر امامان و جامعه شیعه به صورت همزمان می باشد. و هدف اصلی از این فشارها جلوگیری از مسئله تولد امام دوازدهم(عج) و پیشگیری از انسجام جامعه شیعه بر محوریت آن امام موعود(عج) می باشد.

به عنوان نمونه خلافت عباسی در برابر مسئله احساس خطر از رشد تشیع و احتمال تولد امام موعود(عج) دست به اقدامات زیر می زند:^{۶۰}

سال	رویداد
۲۳۳ هـ	به خلافت رسیدن متوکل (به مدت ۱۴ سال) به عنوان خشن ترین و هتاک ترین خلیفه عباسی

^{۶۰} - در این زمینه ر ک : به بخش گاهنامه در نرم افزار سیره معصومان - تولید شده در کامپیوتر نور

۲۳۴ ه ق	احضار همیشگی امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) به سامرا پایتخت نظامی عباسیان
۲۳۶ ه ق	تخریب بازگاه سید الشهداء(ع) در کربلا و آب بستن بر مزار آن امام(ع) و آزار شدید شیعیان
۲۵۴ ه ق	به شهادت رساندن امام هادی(ع) توسط معتز خلیفه وقت عباسی در سن ۴۲ سالگی
۲۵۴ ه ق به بعد	ایجاد محدودیت شدید برای امام عسکری(ع) در ارتباط با مردم و شیعیان و اجبار امام(ع) به حضور در دربار هفته ای دو مرتبه
۲۵۹ ه ق	به زندان افکندن امام(ع) (با وجود در تبعید و در محاصره بودن امام(ع) در این سال ها) امام(ع) در این سال به مادرش دستور می دهد فرزند غائب اش را به زیارت حج برده و از سامرا و تهدیدهای بسیار فراوان آن دور سازد.
۲۶۰ ه ق	اوج هراس از محبوبیت اجتماعی امام(ع) و وحشت از احتمال تولد امام موعود

و بدین گونه است که خلفای عباسی پس از ۲۴ سال تبعید و اقامت اجباری امامان شیعه (امام هادی(ع) و امام عسکری(ع)^{۶۱}) وقتی می بینند امامان در قالب سازمان مخفی، اما فعال و پویای وکالت^{۶۲} به مدیریت و گسترش شیعه پرداخته ، و همچنین محبوبیت آنها در جهان اسلام روزافزون است و خطر میلاد امام موعود(عج) با وجود تمامی مراقبت ها بر منزل امام عسکری(ع) وجود دارد ، طرح به شهادت رساندن امام عسکری(ع) را به اجرا می گذارند.

^{۶۱} - که منجر شد در میان امامان شیعه امام عسکری(ع) تنها امامی باشد که به حج نرفته است چرا که ایشان از ۲ سالگی همراه پدر به سامرا منتقل شدند و همچنین از ازدواج امام هم ممانعت غیر رسمی می شد و اندک کنیزان منزل امام هم به شدت تحت نظر بودند.

^{۶۲} - سازمان وکالت به معنی تشکیلات سازمانی است که توسط امامان معصوم از زمان امام صادق(ع) به بعد برای مدیریت و رهبری واسطه ای جامعه شیعه ایجاد شد در این برنامه ریزی امامان ابتدا به تربیت یاران با محوریت (ایمان ، تقوا ، دانش ، مدیریت اجتماعی) می پرداخته و آن گاه آنها را در منطقه سنتی خود و یا مناطق مستعد و یا مورد نیاز به عنوان وکیل و نماینده دینی ، اجتماعی و اقتصادی تاعزام می کردند این سازمان به تدریج در زمان امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) به اوج توسعه و کارایی رسید و زمینه ساز سازمان و وکالت در دوران غیبت صغری شد.

هدف خلافت عباسی از به شهادت رساندن امام عسکری(ع) ، به پایان رساندن همیشگی خط امامت امامان معصوم و پراکنده سازی و نابودی تدریجی جامعه شیعه برای همیشه است. چرا که آنها گمان می کردند هنوز برای امام عسکری(ع) فرزندی متولد نشده است. و بدین گونه است که آنها رویدادهای منجر به شهادت آخرین امام شهید را طراحی می کنند. ولی این رویدادها به جای اینکه پایانی برای امامت و تشیع باشد، زمینه ساز امامت امام موعود(عج) می گردد. گاه شمار این رویدادها را در یک روند موازی بین دو جریان حق و باطل در جدول زیر پی می گیریم:

روزشمار: از شهادت تا بیعت

روزشمار یعنی آشنا شدن با لحظه لحظه رویدادهای تاریخی. تا بدانیم رویدادها چه بوده، چگونه و چرا رخ داده؛ با این توضیح با روزشمار نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه ق آشنا می گردیم:

روز	رویدادهای منزل امام	دستگاه خلافت	جعفر برادر امام عسکری (ع)	شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)
ماه های آغازین سال ۲۶۰ ه ق	الف. در مدت ۶ سال امامت؛ امام عسکری در سامرا اگر چه در محاصره شدیدی است ولی نفوذ و محبت روزافزون او حتی به داخل دربار عباسی هم کشیده شده است، و کسی نمی تواند منکر فضایل و خوبی های گسترده امام بشود. ب. امام مدت ۱۵ روز قبل از شهادت، خدمتکارش ابوالادیان برای رساندن نامه هایی به شیعیان به مدائن فرستاد و به او خبر داد که روز بازگشت او همان روز شهادت امام خواهد بود. بنابراین امام ضمن پیش بینی شهادت خود به انجام اقدامات لازم هم در جامعه شیعه پرداخته و هم نشانه های امامت امام بعدی را به او ارائه می دهد تا او به عنوان	خلافت عباسی امام را به شدت تحت نظر دارد ولی نفوذ روزافزون محبت و جایگاه امام و ترس از ولادت آخرین امام، و نا کارآمدی برنامه زاندانی سازی امام در تبعیدگاه سامرا؛ آنها را به طراحی توطئه شوم قتل امام می-کشاند.	او برادر امام عسکری (ع) است که همانند پسر نوح دچار انحراف های اخلاقی شده و آلوده گناهان است. و بعضا به جهت ایجاد انحراف در جامعه شیعه ابزار دست خلفا می گردد.	شیعیان در شدیدترین فشارها بوده و ارتباط آنها با امام به شدت محدود شده و تنها عثمان بن سعید نماینده امام گهگاه با شیوه هایی خاصی می تواند به دیدار امام برود. و برخی از خواص شیعه در این سال ها پیاپی به زندان می افتند. بنا به برخی گزارشها امام عسکری در آستانه شهادت به واسطه عثمان بن سعید حدود ۴۰ نفر شیعیان را در منزلش جمع کرده و امام مهدی ۵ ساله را به آنها نشان داده و از آنها بر امامت او بیعت می گیرد. این رویداد چند روزی

روز	رویدادهای منزل امام	دستگاه خلافت	جعفر برادر امام عسکری (ع)	شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)
	یکی از خواص شیعه راهنمای دیگر شیعیان هم باشد.			پیش از شهادت امام است.
آغاز ماه ربیع- اول	امام از اول ماه ربیع‌الاول به واسطه مسمومیت به صورت ناگهانی بیمار شده و بستری می‌گردد	در اول ماه ربیع‌الاول معتمد خلیفه عباسی توسط جاسوس‌های خود به شیوه‌ای کاملاً مخفیانه و مرموز امام را مسموم می‌نماید.		
سوم ربیع‌الاول	شیوع خبر بیماری (مسمومیت) حضرت و پخش شدن خبر آن در سطح شهر	۱- دستور خلیفه عباسی برای فرستادن پزشکان ویژه دربار برای مداوای امام و معاینه نمودن پزشکان و اظهار نومییدی از نجات یافتن امام از این بیماری. ۲- دستور خلیفه مبنی بر باقی ماندن آن پزشکان به صورت ویژه در منزل و بر بالین امام و دستور مجدد او برای همراه شدن ۱۰ قاضی ویژه حکومتی به همراه آن پزشکان جهت زیر نظر گرفتن حال امام به صورت مستمر و دائمی و شبانه- روزی. (در کنار زنانی که جاسوس کنیزان امام هستند تا میدا حامله باشند)	حزن و اندوه شدید شیعیان سامراء، به ویژه از اینکه حتی در این روزهای آخر هم نمی- توانند امام خود را ببینند و از او درباره امام بعد اطلاعات کامل- تری دریافت نمایند. در کنار تکاپوی شدید عثمان بن سعید جهت برقراری حداقل تماس ها با منزل امام	
هفتم ربیع‌الاول	اوج بیماری حضرت	حضور گسترده پزشکان، قاضی‌ها، ماموران در اطراف و داخل منزل امام.	جعفر که شهادت برادر خود را نزدیک می‌بیند وسوسه می‌شود که پس از امام عسکری (ع) با ادعای امامت برای خود، به آماده سازی مسئله جانشینی ایشان بپردازد. پس با دوستان خود و ایجاد ارتباطات لازم با دربار خلیفه شروع به زمینه‌سازی برای جانشینی خود می‌نماید	۱- شدت اندوه شیعیان شهر. ۲- راه یافتن عثمان بن سعید به منزل امام به عنوان شیعه‌ای که نماینده امام است و می‌تواند مجری برخی برنامه‌های این لحظات پایانی و پس از شهادت امام را به عهده بگیرد. و از این راه راوی و شاهد آخرین رویدادهای مرتبط با امام باشد.

روز	رویدادهای منزل امام	دستگاه خلافت	جعفر برادر امام عسکری (ع)	شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)
			و در این راه دستگاه خلافت به او کمک بسیار می‌نماید.	
نیمه‌های شب هشتم ربیع- الاول (سحرگاهان)	در نیمه‌های شب حال امام وخیم می‌گردد. در آخرین لحظه‌ها فرزند ۵ ساله‌اش را می‌طلبد و پنهان از چشمان جاسوس‌ها در شبی تاریک: فرزند آخرین ظرف آب را به پدر می‌دهد، تا بنوشید و سپس پدر را برای وضو گرفتن یاری می‌نماید و پس از پایان نماز صبح، فرزند آخرین وصایای پدر را به گوش جان می‌شنود و آنگاه: امام عسکری (ع) سر بر بالین کودک ۵ ساله خود به شهادت می‌رسد.			
آغاز صبح هشتم ربیع- الاول	۱- بانگ شیون از خانه امام بر می‌خیزد و خبر شهادت امام همه جا منتشر می‌گردد. ۲- عثمان بن سعید نماینده امام به برنامه غسل و کفن نمودن امام می‌پردازد. ۳- منزل امام آکنده از انبوه مردم است. و داخل منزل عمدتاً محل تجمع شیعیان است که اینک بدون واژه از حکومت به صورت آشکار به آنجا آمده اند و بیرون منزل افراد حکومتی و مردم معمولی هستند.	مأموران دربار (پزشکان، قاضی‌ها، جاسوس‌ها، سربازان و...) ماموریت دارند ضمن حضور گسترده و ابراز سوگواری تصنعی و ظاهری مراقب دو نکته باشند: ۱- ترویج مرگ امام به مرگی طبیعی ۲- جستجوگری شدید از فرزند احتمالی امام.	فعالیت‌های جعفر با کمک توطئه‌های دربار عباسی، شدید شده به گونه‌ای که جعفر خود را تنها فرد شایسته برای گزاردن نماز بر پیکر امام عسکری (ع) اعلام می‌کند (امری که در مکتب شیعه علامت امامت برای فرد نمازگزار است)	شیعیان با منتشر شدن خبر شهادت بی توجه به خفقان شدید و حضور گسترده مأموران خلیفه در خانه امام ازدحام می- نمایند. آنها از سوگی در حزن و اندوه شهادت امام عسکری (ع) هستند و از سوگی دیگر نگران ماجرای نمازگزاردن بر پیکر امام هستند که تعیین‌گر امام بعدی خواهد بود. نمازی که در محاصره آن همه سرباز و جاسوس باید برگزار شود. بدین جهت از حساسیت بسیاری برخوردار است. در ضمن شیعیان در این زمان تحت مدیریت پنهان عثمان بن سعید هستند.
قبل از ظهر روز هشتم	۱- پیکر مطهر امام پس از کفن شدن به حیاط خانه آورده می‌شود و برای اقامه نماز رو به قبله گذاشته می‌شود.	شخصیت‌ها و نیروهای حکومتی که منتظر آمدن خلیفه هستند عمدتاً بیرون منزل امام همراه مردم	و جعفر: به ظاهر محزون ولی با نخوت و تکبر به سوی جنازه می‌رود،	اکثریت افراد داخل منزل را شیعیان شهر تشکیل داده‌اند که با حالتی محزون و چشمانی اشکیار صف‌های نماز را مرتب می‌کنند؛ در پیشاپیش آنها

شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)	جعفر برادر امام عسکری (ع)	دستگاه خلافت	رویدادهای منزل امام	روز
<p>بزرگان شیعه همانند عثمان به سعید ایستاده‌اند.</p> <p>در همین زمان ابوالادیان بصری نامه رسان امام به سامرا بازگشته و با مسئله شهادت امام روبرو می‌گردد و تلاش می‌کند برای شناختن امام بعدی، سعی در یافتن نشانه‌هایی که امام عسکری (ع) به او داده دارد. و همه نشانه‌ها در لحظاتی کوتاه یکی یکی به سرعت برای او محقق شده و او امامت امام موعود را همانند عثمان بن سعید به شیعیان اعلان می‌کند.</p>	<p>رو به قبله می‌ایستند و دست‌ها را بالا برده تا تکبیر بگویند ولی ناگهان:</p> <p>جماعت شیعیان با شگفتی می‌بینند که کودکی گندم‌گون و با هیت (با موهای مجعد) پیش آمده و جعفر را کنار می‌زند. آن کودک که تنها برخی از شیعیان او را می‌شناسند، با حالتی محزون و چشمانی اشکبار نماز را بر پیکر مطهر امام به جا آورده و به سرعت پنهان می‌شود.</p> <p>و جعفر در تمام این لحظه‌ها متعجب و وحشت‌زده همراه با حالت سرافکنندگی؛ در فکر است که برآستی او کیست که او را عمو صدا زده و فرموده: کنار بایست که من برای خواندن نماز بر پیکر پدرم سزوارترم.</p>	<p>عادی شهر جمع شده‌اند.</p>		
<p>شیعیان شهر دو دسته هستند. یک دسته خواص شیعه شهر که ماجرای ولادت امام زمان (عج) را می‌دانند و ماجرای نماز بر یقین آنها افزوده است.</p> <p>دسته دوم مردم معمولی شیعه که داستان میلاد را نمی‌دانند و ماجرای نماز سرآغاز تردید و تعجب آنها بوده و هنوز به یقین کامل و قطعی نرسیده‌اند.</p>	<p>جعفر پس از پایان دفن امام عسکری (ع) در خانه ایشان (بی توجه به ماجرای نماز) به عنوان صاحب عزا و جانشین برادر نشسته و سعی می‌کند میزبان عزاداران باشد.</p>	<p>خلیفه در انبوه اطرافیان و مردم (غیر شیعه) شهر، پس از انجام تشییعی کوتاه جنازه را در مسجد بزرگ شهر برای نماز بر زمین می‌گذارند و کسی به نام ابو عیسی از سوی خلیفه نماز بر پیکر امام می‌خواند، آنگاه خلیفه دستور می‌دهد در حضور مردم کفن را از روی صورت امام عسکری (ع) کنار زده و در حالی که مردم نگاه می‌کنند شهود (همان پزشکان و قاضی‌ها) شهادت دهند امام با مرگی</p>	<p>پیکر مطهر امام پس از ماجرای اقامه نماز در داخل منزل توسط شیعیان برای انجام نماز توسط دستگاه خلافت و انجام تشییعی نمایشی از منزل بیرون برده می‌شود.</p> <p>پیکر مطهر امام توسط عثمان بن سعید در منزل امام در جوار مرقد مطهر پدرش امام هادی (ع) دفن می‌گردد.</p>	<p>نزدیک ظهر</p>

روز	رویدادهای منزل امام	دستگاه خلافت	جعفر برادر امام عسگری (ع)	شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)
		طبیعی مرده نه اینکه مسموم شده باشد و سپس پیکر مطهر امام برای تدفین به منزل بازگردانده می‌شود.		
عصر روز هشتم (و یا روز نهم)	خانه امام عسگری (ع) در حزن و اندوه است. خانه‌ای که اینک محل رفت و آمد شیعیان و حتی جاسوس‌ها است.	دستگاه خلافت با تمام قوا مراقب جانشین احتمالی امام (غیر از جعفر) است.	جعفر در منزل امام با کمک برخی دوستانش، خود را امام بعدی اعلام نموده و تلاش دارد به تدبیر امور شیعیان بپردازد.	در همان روزهای شهادت امام عسگری (ع) جماعتی از شیعیان قم همراه نامه‌ها و کیسه‌هایی از اموال وارد سامراء می‌شوند: مقصد آنها دیدار امام عسگری است. ولی با شهادت امام مواجه می‌شوند. جعفر سعی در فریفتن آنها به سوی خود دارد. ولی آنها با درایت بزرگان خود که همگی اهل حدیث و دانش هستند، طلب آثار امامت (خبر دادن از محتوای نامه‌ها و کیسه‌ها) می‌نمایند و جعفر در می‌ماند و شروع به پرخاش‌گری می‌نماید. قمی‌ها ناکام و سرگردان می‌مانند، اندک شیعه مطلع شهر هم به جهت رعایت تقیه نمی‌توانند کمکی به آنها بنمایند. پس آنها ناامید و متزلزل شهر را ترک می‌نمایند.
ساعتی بعد	خانه امام خلوت شده و کمتر کسی جز اهل خانه و ... در آن حضور دارد.	دستگاه خلافت شادمان از به شهادت رساندن امام عسگری (ع) و مطمئن از پایان یافتن خط امامت است. اگر چه جاسوس‌های او هنوز به صورت گسترده در شهر پراکنده هستند.	جعفر متحیر و سرگردان است. که با این ادعاهای شیعیان درباره مقام امام، آیا او می‌تواند به ادعای امامت خود ادامه بدهد یا اینکه...	قمی‌های متحیر در حال دور شدن از شهر هستند که ناگهان جوانی زیبارو آنها را به دیدار امامشان دعوت می‌کند... او آنها را به همان منزل امام عسگری (ع) باز می‌گرداند و در خلوت منزل آنها را به اتاق داخلی می‌برد: کودکی نورانی با لباس سبز را می‌بینند که دیدارش هیبتی در دل آنها می‌اندازد تا آنها احترام کنند و بنشینند: کودک لب گشوده و تمام جزئیات نامه‌ها و کیسه‌ها و صاحبان آنها را می‌گوید. قمی شادمان از راهیابی به محضر

روز	رویدادهای منزل امام	دستگاه خلافت	جعفر برادر امام عسکری (ع)	شیعیان (با محوریت شیعه حاضر در سامراء)
				امام همگی سر به سجده گذاشته و خداوند را سپاس می‌گویند و آنجاست که از امام خود می‌شنوند که: از این پس دیگر به سامرا نیایید چرا که غیبت آغاز شده و باید به نماینده من که از این به بعد در بغداد خواهد بود مراجعه نمایید.
پس از ماه ربیع الاول	منزل امام عسگری (ع) در سامرا تا مدتی که حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون در زنده هستند (پس از آزادی نرجس خاتون) محل رفت و آمد شیعیان بوده و پس رحلت و دفن آنها در کنار مزار امام هادی و امام عسکری؛ آن خانه خیلی زود در شهر نظامی و پایتخت سیاسی عباسیان، تبدیل به زیارتگاه شیعیان می‌گردد.	به دستور خلیفه: ۱- ابتدا خانه امام به طور کامل بازرسی می‌گردد و حتی مادر امام زمان دستگیر شده و در داخل قصر چند ماهی تحت نظر قرار می‌گیرد. ۲- تمام خانه‌های شهر مورد بازرسی قرار می‌گیرند تا شاید اثری از آن کودک یافت شود. ۳- اذیت و آزار شیعیان مجدداً شروع می‌گردد.	جعفر که پس از ماجرای نماز و کاروان قمی‌ها مطمئن شده دیگر جایگاهی بین شیعیان ندارد، و مطمئن شده که برادرش، کودکی پس از خود را دارد به سرعت خبر وجود کودک را به دستگاه خلافت می‌رساند. ولی مدتی پس از ان از تمامی رفتارهای خود پشیمان گردیده و ...	با توجه به حوادث رخ داده شیعیان شهر توسط بزرگان خود می‌فهمند که: ۱- امام پس از امام عسگری (ع)؛ کودک بازمانده از ایشان است که باید از دیده‌ها پنهان باشد. ۲- پس از این دوران غیبت صغری شروع شده و از این به بعد باید به نماینده امام عثمان بن سعید که از سامرا به بغداد رفته است، مراجعه کنند.

و بدینگونه است که:

۱- ۸ ربیع‌الاول سال روز شهادت جانشوز حضرت عسکری (ع) یازدهمین امام شیعیان و پدر گرامی امام

زمان (عج) می‌شود.

۲- و ۹ ربیع‌الاول:

الف: هم سالروز آغاز امامت و ولایت امام زمان (عج) می‌گردد. امامتی که خواص

شیعه، از قبل آن را می‌دانستند و دیگر شیعیان هم در رخداد نماز بر پیکر مطهر امام

عسکری (ع) با امام بعدی خود آشنا می‌شوند. البته هیچکدام نتوانستند به واسطه خفقان

شدید و رعایت جانب تقیه عرض ادب و بیعتی گسترده و مستقیم با امام زمان (عج) در آن صحنه داشته باشند.

ولی قمی‌ها که با تحمل سختی‌ها، راهی طولانی آمده بودند، در دیداری خصوصی و با نشانه‌هایی که از امامان قبل شنیده بودند، هم آخرین امام خود را شناختند و هم در دیداری صمیمانه از اولین بیعت‌گران شیعه ایرانی با امام زمان خود در نهم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هـ. ق بودند.

ب. و هم آغاز غیبت صغری از این روز می‌باشد. غیبتی به مدت ۶۹ سال که...

سخن پایانی :

آغازین روز امامت امام دوازدهم (عج) اگر چه روز نهم ربیع‌الاول است، اما می‌توان گفت که هفته و ماه آغازین امامت آن حضرت باید محوربازشناسی رویدادهای آغاز امامت امام زمان باشد زیرا حساسیت این رویداد مهم برای جامعه حق و جامعه باطل بسیار پر اهمیت بود و بدیهی است این اتفاق نمی‌توانست همانند رویداد غدیر خم یک روزه به انجام برسد. به ویژه که برخی از مورخین در یک نگاه اجمالی و سطحی تصور نموده‌اند، که آغازین روزهای امامت امام زمان (عج) همراه با بحران فکری و سرگردانی اجتماعی برای شیعیان بوده است. البته نمی‌توان منکر شد که در آن فضای خفقان و تقیه شدید، امکان پریشان فکری گروهی از مردم می‌رفت. ولی تصور اینکه جامعه شیعه دچار بحران جدی شود با گزارش

های تاریخی مستند قابل جمع نیست. برای فهم اینکه جامعه شیعه آغازین روز امامت امام زمان(عج) به سلامت و با کمترین ریزش ها سپری کرده و یا دچار کمترین بحران ها و حیرت ها بوده است، می بایست مواجهه عالمانه و جدی با گزارش های تاریخی در موارد این رویداد داشته باشیم تا معلوم گردد که در این آخرین غدیر ، شیعیان انصافا با وجود تمام سختی ها و آزارها با سربلندی ، بیعت و وفاداری خود نسبت به امام غائب(عج) را، نشان داده اند.

بدین جهت فصل های بعدی با هدف بازشناسی وفاداری و ایثار شیعیان ارائه می گردد.

فصل دوم: شخصیت شناسی امام مهدی (عج) در آستانه امامت

تصوری که غالباً از امام در آستانه غیبت وجود دارد، کودکی ۵ ساله است که پدرش امام عسکری(ع) و مادرش نرجس خاتون(س) می باشد. کودکی خوش سیما که دشمنان و مردم عادی اصلاً او را ندیده و شیعیان هم به تعداد اندکی او را دیده اند. و این طور تصور می شود که چون درباره ایشان کمتر می دانیم ایشان شخصیت مشخص و روشنی ندارند.

این در حالی است که؛ مورد شخصیت شناسی یک فرد، حضور و دیدار بلند مدت نیاز نیست و پس از دو قرن تجربه امام زیستی با یک دیدار و یک لحظه در محضر امام بودن، می توان آسمانی بودن امام و لحظه حضور را درک کرد و این توفیق را شیعیان آغاز امامت امام دوازدهم(عج) دارا بودند و با یک نظر امامشان را شناختند. پس همراه با شیعیان آغازین روزهای امامت امام زمان(عج)، به مهدی شناسی پردازیم. مهدی شناسی ای که برای هر دوره و زمانه، و هر شیعه ای لازم است. این شناخت شامل مورد زیر می باشد:

شخصیت شناسی جسمانی ، معنوی /علمی، عاطفی، مدیریتی

الف: شخصیت شناسی جسمانی:

امام زمان (عج) تنها ۵ سال اولیه عمر شریفش را با پدر بود و در این مدت به جز اندکی از شیعیان کسی او را ندید. ولی آمار آن ها که او را دیده اند (به غیر از حکیمه خاتون(س) و عثمان بن سعید و خادمان منزل امام که پیوسته او را می دیدند) چنین است:^{۶۳}

سال اول	خبر مخفیانه تولد به شیعیان عراق (سامرا و بغدا و کوفه) رسید و برخی از آنان در همان سال اول به دیدار امام عسکری(ع) و فرزندش آمدند
سال دوم	یک ایرانی از اهالی فارس که مدتی خدمتگذار منزل امام شد= عمرو اهوازی
سال سوم	دیدار احمد بن اسحاق قمی و سعد بن عبدالله اشعری قمی (این دیدار در واکنش به نامه امام عسکری(ع) بود که خبر میلاد را به قمی داده بود)
سال چهارم	تعداد اندکی همانند کامل بن ابراهیم مدنی (به علت زندانی شدن امام در اوائل این سال و فرستاد شدن امام زمان(عج) به حج)
سال پنجم	۴۰ نفر از خواص شیعه که چند روز پیش شهادت امام عسکری(ع) در منزل آن حضرت با فرزندش بیعت کرده اند.

^{۶۳} - در این زمینه ر ک : کمال الدین ج ۲ ص ۴۳۵ باب من شاهد القائم ورآه و کلمه / الغيبة الطوسی ص ۲۲۹ فصل الکلام فی ولادة صاحب الزمان

و اینها نه تنها از سیمای نیکو، نورانی و معطر امام سخن گفته اند بلکه از رشد سریع جسمی آن حضرت نسبت به عوام سخن گفته اند، از خبر دادن ایشان از غیب و دانش بیکران آن حضرت، از هیبت و وقار آن امام و از آرامشی که از دیدار با حضرت نصیب ایشان شده بود سخن گفته اند.

و حتی در ماجرای نماز بر پیکر مطهر امام عسکری (ع)، هیبت و وقار کودک ۵ ساله در کنار سرعت عمل، قاطعیت و صلابت ایشان موجب درماندگی مدعیان از یک سو و شگفتی شیعیان از سوی دیگر شده بود تا شیعیان باور کنند که اگر چه، امام در کودکی است ولی توان جسمی او نه تنها همانند انسان های بزرگسال بلکه همانند امامان معصوم در بزرگسالی می باشد.^{۶۴}

ب: شخصیت معنوی و علمی :

بر اساس روایات، هر امامی در آستانه شهادت، تمام میراث معنوی ای که از پیامبران و امامان گذشته در نزد خود دارد را به امام بعدی می دهد. و بنابر روایتی دیگر این رویداد برای امام زمان (عج) اواخر سال ۲۵۹ ه ق در آن زمان رخ داد. و به دستور امام عسکری (ع) ماموریت به حج بردن و مخفیانه سکونت دادن امام مهدی (عج) به مادرش سپرده شد.

پس امام به هنگام وداع، وصایای امامت را به فرزندش سپرد.^{۶۵}

^{۶۴} - درباره ویژگی جسمانی آن حضرت نکاتی دیگر وجود دارد همانند نهایت زیبایی تهمانند یوسف پیامبر (ع) و یا شمایل جسمی نبی اسرائیل و یا خاتم امامت و صایت بر شانه ایشان و که اینها نکات جسمی عمومی آن حضرت است .

^{۶۵} - کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ۴۷۴ باب ذکر من شاهد القائم ع و راه و کلمه

از سوی دیگر بر مبنای روایاتی که دلالت می کند پس از شهادت امام پیشین تمامی دانش های او به امام بعدی منتقل میشود معلوم می گردد امام زمان(عج) با وجود ۵ سالگی وارث دانش آسمانی پیامبران و امامان و میراث دار آثار معنوی و ملکوتی آنها (اعم از کتاب های آسمانی ، میراث معنوی از عصا و لباس و وسائل مقدس پیامبران و امامان و) بوده وهست. گذشته از آن که ایشان پیش از امامت نشانه هایی از علم غیب خود را به شیعیان ارائه نموده بود. و بر این اساس مهمترین معیار ملاک برای شیعیان و به ویژه خواص آنها برای شناخت امام راستین از مدعیان انحرافی آزمایش نمودن آنها با مطالبه علم غیب و انجام نمونه ای از معجزه ها بود. و این امری بود که ، خواص شیعه در اندک دیدارهای آن دوران ۵ ساله ، و در دو سه دیدار آغاز امامت از امام زمان(عج) دیده بودند و ایشان را همانند پدرانیش به عصمت مطلق و دانش غیبی مشاهده می کردند. در نتیجه او را به عنوان امام می پذیرفتند.

ج : شخصیت عاطفی (اخلاقی / اجتماعی)

شیعیان در طول سال ها انس با امامان معصوم ، امامان را این گونه شناخته بودند:

انسان های کاملی که در اوج بی نیازی از مردم، طالب هدایت و تعالی انسان های دیگر بوده و آنها را بیشتر از خودشان دوست داشته ، از پدر و مادر به آنها مهربانتر بوده و در نهایت ایثارگری در مقام به تعالی رساندن انسان ها بودند .

امامان کسانی بودند که ، بر خلاف خلفا و یا مدعیان انحرافی که مردم را برای خود و منافع خود می خواستند ، آنها مردم را برای خود مردم و با هدف هدایت آنها بی هیچ چشم داشتی می خواستند.

نقطه اوج استفاده ابزاری از مردم در رویدادهای آغاز امامت در دستگاه خلافت از یک سو و در مدعیان امامت^{۶۶} از سوی دیگر را می توان دید. آنها که بدون توجه به عواطف مردم، فقط سر سپردگی مردم را در برابر خودی می خواستند. ولی شیعیان^{۶۷} در مواجهه های اندکی که با امام موعود(عج) داشتند در سیمای ایشان نهایت مهر و محبت و رحمت را می دیدند، که در مواجهه با شیعیان نه تنها باعث آرامش و طمانینه قلبی آنها می شد، بلکه از درون آنها آگاه است. (نه برای سوء استفاده از اخبار محرمانه آنها بلکه جهت رسیدگی به نیازها و پرسش های آنان) و زودتر از آنها و با مهربانی از سر ضمیر آنها خبر داده و آنها را بر دین حق استوار می سازد. او کسی است که سختی ها و گرفتاری های مردم و شیعیان را با عمق وجود درک می کند و با آنها کمال همدردی را داشته و برای رفع گرفتاری هایشان دعای خیر می کند.

و در زمانه ای که دیدارها به شدت کوتاه است، یک لحظه کوتاه دیدار او، خاطره ها و درس ها و پیام های فراوانی برای شیعیان دارد. یعنی امام در مجالس اندک با مهر فراوان نیازهای بسیاری از آنها را برآورده کرده و به احساسات همه آنها پاسخ می دهد. و چون هدایت و سعادت مردم برای او مهم است سعی می کند لحظه های اندک دیدارش، اوج تعالی بخشی را برای تک تک افراد مستعد داشته باشد.

د: شخصیت مدیریتی:

امام مهدی(عج) گر چه در دوران کودکی به امامت می رسد و حضور اجتماعی آشکارش به شدت محدود است. اما با همین حضور اندک روزهای آغازین امامت اش شیعیان، مواجهه با مدیریت معصومانه ایشان

^{۶۶} - جعفر فرزند امام هادی (ع)

^{۶۷} - حداقل در دو داستان حضور در نماز بر پیکر مطهر امام عسکری(ع) و در داستان دیدار قمی ها با امام دوازدهم

هستند. مدیریتی که باعث می شود در این زمان با کمترین ریزش ها وارد دوران غیبت صغری بگردد فهرستی از برنامه های مدیریتی آن حضرت در آغاز امامت اش چنین است:

شهر سامرا با منتشر شدن خبر بیماری امام به سرعت شاهد تجمع شیعیان (خواص شیعه از بغداد و کوفه) می شود. تا در جستجوی جانشین احتمالی امام عسکری (ع) باشند. امام در یک مدیریت و واکنش سریع و با بهره وری از اندک فرصت ها و استفاده از اصل اقامه نماز بر پیکر مطهر پدر که نشانه ای برای امام بعد می باشد^{۶۸} این مراسم را به جای مسجد سامرا، در منزل پدر به اجرا می گذارد جایی که حضور دشمنان کم رنگ و همراه با غفلت استو در عوض حضور شیعیان، پررنگ است. بدین جهت مسئله نماز بر پیکر امام عسکری(ع) در داخل خانه تنها فرصتی است در اختیار امام بود. و ایشان نهایت استفاده از آن را نمود.

پس از آغاز امامت، دوران غیبت صغری شروع می گردد. و قرار نیست امام دیداری با شیعیان داشته باشند ولی در هفته آغازین امامت به علت ورود کاروانی از قمی ها به سامرا امام آخرین دیدار رسمی اش را با آنان انجام می دهد علت اهمیت این دیدار بدین جهت است که اکثر افراد حاضر در آن گروه از خواص شیعه قم بوده که ایمان و یا تردید آنها می توانست ایمان و یا تردید تمام شهر قم را به همراه داشته باشد و امام همانگونه که در ماجرای نماز باعث طمانینه شیعیان عراقی شده بود در این دیدار هم باعث اطمینان و ثبات قدم شیعیان ایرانی با محوریت شیعیان قمی می گردد.

^{۶۸} - در روایات شیعه اصلی وجود دارد مبنی بر این که بر پیکر امام معصوم جز امام معصوم نباید نماز بگذارد. (ر ک ؛ بحار الأنوار، المجلسي ج ۲۷ ۲۸۸ باب ۲ أن الإمام لا يغسله و لا يدفنه إلا إمام و بعض أحوال وفاتهم عليهم السلام) بدین جهت حتی در تاریخ حادثه کربلا و یا در ماجرای شهادت امام در تبعید همانند امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد(ع) و یا در ماجرای امام عسکری (ع) که در شهری در محاصره نظامیان است پیکر مطهر امام شاهد دو اقامه نماز است یکی نماز مخفیانه توسط امام معصوم بعدی و دیگری نماز رسمی که توسط دستگاه خلافت برگزار می شود البته در ماجرای شهادت امام عسکری (ع) نماز اول مخفیانه نبوده و پیش روی شیعیان و جعفر و برخی همراهانش اقامه شد.

آغاز امامت آن حضرت با آغاز غیبت صغری همراه بود. درباره آغاز این دوران و آغاز نیابت عثمان بن سعید امام عسکری (ع) پیشاپیش بسترهای لازم را فراهم نموده بود. ولی پس از آغاز امامت مدیریت نیابت و جامعه شیعه در اختیار امام بود.

در این سال ها اگر چه ۲۶ سال از اقامت عسکریین در سامرا می گذشت و اهل بیت امام زمان (عج) (مادر و مادر بزرگ و عمه اش حکیمه خاتون(س)) هر سه ساکن آنجا هستند. ولی مرکز اصلی شیعیان در بغداد است. این در حالی است که ، جامعه شیعه به طور کلی در این سال ها به دو گروه ، جامعه شیعه عرب (عراقی) و جامعه شیعه ایرانی (با محوریت قم و قمی ها) تقسیم بندی می شود.

در این سال ها جهت حسن انجام نیابت ، توسط نائب اول ، عثمان بن سعید که از نوجوانی ساکن سامرا و سال ها در محضر امام هادی (ع) بوده و در این شهر شغل روغن فروشی داشته است. پس از رسیدن به مقام نیابت به سرعت به بغداد منتقل می شود و آنجا مرکز نیابت و رفت و آمد شیعیان بغداد می گردد. ولی خاندان اهل بیت در همان سامرا باقی می ماند ، تا پرچم مزار عسکریین را برافراشته نگه دارند و راهنمای شیعیانی باشند که در این سال های آغازین بی خبر از تحولات جاری و یا به عشق زیارت و در جستجوی امام غائب (عج) و کسب خبری اطمینان بخش از ایشان ، راهی سامرا می گردند و بدین گونه هم سامرا و هم در بغداد به صورتی غیر مستقیم پایگاه خواص شیعه برای مدیریت و رهبری شیعیان می گردد.

و از نکات جالب پایانی در زمینه مدیریت اجتماعی اینکه ، در این سال ها احمد بن اسحاق قمی از برجسته ترین علمای شیعه قمی و وکیل امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در قم به بغداد منتقل می شود و از مهمترین دستیاران و یاوران نائب اول در دوران نیابت اش می گردد. تا به احتمال زیاد یاور نائب اول در ارتباط هایش با شیعیان ایرانی باشد.

(به ویژه که نایب اول هم در بغداد در تقیه ای بسیار شدید زندگی می کرد. و از طریق سه وکیل که یکی از آنها احمد بن اسحاق قمی بود با شیعیان در تماس بود)^{۶۹}

سخن پایانی :

با آغاز امامت امام زمان(عج) ، مدیریت غائبانه آن حضرت هم شروع می گردد. مدیریتی که وابسته به شخصیت برجسته آن حضرت از جهت ابعاد گوناگون انسانی است. اما در این سال ها با اینکه کودک است در اوج مرتبه انسانی ، از جهت جسمی ، خانوادگی ، اخلاقی ، علمی ، عبادی در نقطه اوج می باشد.

البته درباره زندگی امام در آغازین روزهای امامت اش این اهم وجود دارد که ، پس از ارتحال تدریجی مادر بزرگ ، مادر و عمه آن حضرت از جهت ظاهری ، تنها ارتباط آن حضرت با نواب اربعه بود. و از این نظر مسئله غربت و تنهایی امام مطرح می شود غربتی که بنابر گزارش روایات شیعی با حضور پیامبری تاریخی به انس و آرامش می رسد . چرا که مونس غیبت و تنهایی امام ، حضرت خضر پیامبر(ع) است.^{۷۰}

^{۶۹} - در این زمینه رک : سازمان وکالت ج ۲ ص ۴۵۰ و ۵۴۸ و بحار الانوار ۵۱ ص ۳۶۴ و تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج) ص ۱۲۷ و ۱۴۳ و ۱۴۹

^{۷۰} - اثبات اهداة / ۵ / ۹۶ امام رضا (ع) و سیونس الله به وحشته قائمنا فی غیبة و یصل به وحدته و کمال الدین / ۲ / ۳۹۰

فصل سوم: همه یاوران امام غائب (عج) در آغازین روزهای امامت

هم زمانی آغاز امامت امام زمان (عج)، و غیبت صغری باعث شد که مسئولیت سنگینی بر دوش خواص شیعه بیفتد. در این زمان گستردگی، پراکندگی و فراوانی جوامع شیعه به ویژه در دو سرزمین ایران و عراق، باعث دشواری و سختی این ماموریت می شود. بدین جهت برای یآوری امام، مردان و زنان ویژه ای انتخاب می گردند تا اولین نسل از خواص شیعه، در این دوره زمانی باشند که پرچم یآوری امام غائب (عج) را برافرازند.

اینک در مقام الگو گیری به صورت کوتاه با شخصیت و چگونگی ماموریت آن افراد آشنا می گردیم:

یاوران دوران آغاز امامت

مردان	زنان
عثمان بن سعید	مادر امام عسکری (ع)
احمد بن اسحاق قمی	مادر اما زمان (عج) (و یا یکی از کنیزان امام)
ابوالادیان	حکیمه خاتون (س)

عثمان بن سعید :

ایشان از قبله بنی اسد و از نوجوانی (یازده سالگی) در خدمت امام هادی (ع) و تربیت شده امام بود. تا بدان حد که شاگرد اول امام در دانش ، مدیریت ، تدبیر ، ایمان و تقوا شد. پس از تبعید امام هادی (ع) از مدینه به سامرا ، او در پوشش شغل روغن فروشی ساکن سامرا شد و به تدریج وکیل اول امام هادی (ع) و رابط بین ایشان و شیعیان گردید. با اوج گیری فشارها بر علیه امام ، امام هادی (ع) بارها او و فرزند جوانش محمد (که امتداد و آئینه تمام نمای پدرش بود) به عنوان وکیل از سوی خود ، به نمایندگان و اهل دانش مورد اعتماد معرفی نمود. پس از شهادت امام هادی (ع) و در تمامی دوران ۶ ساله امامت امام عسکری (ع) ، پس از امام شخصیت دوم شیعه بود که به طور پنهانی در سامرا رابط امام و شیعیان بود.

تمامی ماجراها ، از تولد و معرفی امام مهدی (عج) به شیعیان تا مسائل آغاز امامت امام زمان (ع) و مدیریت آشکار جامعه شیعه به عهده او بود. ماموریت او به عنوان نایب اول امام زمان (عج) را ، امام عسکری (ع) ، بارها به شیعیان خبر داده بود. پس از شهادت امام عسکری (ع) او در حدود یکی دو ماه در سامرا باقی ماند تا

به مدیریت مسائل شیعه بپردازد ، آن گاه برای همیشه به بغداد منتقل شد و بنیان سازمان نیابت نواب غیبت صغری را ، در تقیه ای شدید پایه گذاری کرد و به علت تقیه بسیار زیاد آغازین سال های غیبت صغری ، چندان زوایای زندگی و مدیریت او آشکار نیست.

مدت نیابت او را ۲ تا ۴ سال نقل نموده اند.

مهمترین دستاورد دوران نیابت او تبدیل ساختن بغداد به عنوان پایگاه اصلی شیعه و^{۷۱} **جلوگیری از انتشار نام امام مهدی(عج) در نزد شیعیان، و جلوگیری از انتشار خبر تولد امام در جامعه اسلامی (غیر شیعیان و خصوصا در مکان هایی که دستگاه خلافت حضور فعال داشتند) و اهتمام به حفظ وحدت جامعه شیعه**

۷۲ بود.

احمد بن اسحاق قمی :

ایشان از خاندان اشعری که پایه گذار شهر شیعی قم بودند ، بود. در این سال بیشتر جوانان خاندان اشعری به کسب حدیث و معارف امامان معصوم اشتغال داشتند که در این میان احمد از کوشاترین افراد بود . او را در جوانی شاگرد امام جواد(ع) می دانستند. اوج دوران تحصیل او در دوران ۴۲ ساله امامت امام هادی(ع) بود در اواخر این دوره به وکالت و نمایندگی امام در شهر قم رسید.

در دوران امامت امام عسکری(ع) از او به عنوان وکیل امام در امور موقوفات قم و از خواص اصحاب و بزرگ قمی ها که بر امام وفود می کرد نام برده اند.

^{۷۱} - بغداد در این سال ها پایتخت جهان اسلام و با اکثریت اهلسنت بود و در عین حال اقلیت شیعه این شهر نسبت به دو شهر کوفه و قم و مناطق دیگر دارای اکثریت بیشتری بود و اکثر علمای شیعه در این شهر ساکن بودند و در این سال ها مهمترین مدرسه علمی شیعه از مدرسه های سه گانه کوفه و قم و بغداد ، مدرسه علمی بغداد بود .

^{۷۲} - سازمان وکالت ۲ / ۴۵۰

در داستان رویدادهای مهدوی می توان حضور او را در موارد زیر دید:

امام عسکری(ع) مهمترین جایی را که به صورت ویژه به وسیله نامه خبر میلاد فرزندش را می دهد ، قم

است. مخاطب نامه احمد بن اسحاق است. و ماموریت می یابد خبر میلاد را مخفیانه به شیعیان برساند.

احمد بن اسحاق سه سال بعد همراه جمع اندکی از خواص راهی سامرا شده و ضمن توفیق دیدار و بیعت

با امام زمان(عج) به امام عسکری(ع) خبر می دهد که تمام قمی ها خبر میلاد را شنیده و از آن شادمان هستند.

به هنگام شهادت امام عسکری(ع) و آغاز امامت امام زمان(عج) کاروانی از قمی ها به سامرا می رود که

احمد همراه آنان نیست. ولی به عنوان وکیل امام ، و به احتمال زیاد او، آنها را به سامرا فرستاده است. و پس

از بازگشت آنها او پرچمدار امامت امام زمان(عج) در قم و ایران است.

با آغاز غیبت صغری و نیابت عثمان بن سعید خیلی زود احمد بن اسحاق به بغداد منتقل می شود و

احتمالا تا پایان دوران نیابت نائب اول به عنوان مهمترین دستیار او عمل می نماید.

و سرانجام وقتی به کهنسالی می رسد از امام اجازه می گیرد که از مسیر حج به ایران و قم باز گردد و در

مسیر بازگشت در مرزهای غربی ایران (سرپل ذهاب در استان کرمانشاه) بیمار گشته و رحلت می کند. و

با کفنی که پیکی از سوی امام زمان(عج) برای او می آورد در همین شهر به خاک سپرده می شود.^{۷۳}

ابوالادیان :

او یکی از خادمان منزل امام عسکری(ع) است و تفاوت با دیگر خادم ها این است که در محضر امام از

جهت علمی و اجتماعی و مدیریتی چنان رشد می یابد که چون امام در سامرا در مراقبت شدیدی است

گهگاه ماموریت های مهم و مخفی ای بین امام و شیعیان دیگر شهرها را به عهده می گیرد آخرین ماموریت او ۱۵ روز پیش از شهادت امام است در این ماموریت امام دو ماموریت را به عهده او می گزارد یکی بردن نامه های امام به مدائن و اطراف آن ، و دیگری بازگشتی که روز پانزدهم و در روز شهادت امام صورت می گیرد و در نقش مهمترین خدمتگزار امام باید با نشانه های سه گانه خاصی ، جانشین امام را شناخته و به دیگر شیعیان معرفی نماید . داستان او چنین است:^{۷۴}

ابو الادیان گوید: من خدمتکار امام حسن علیه السلام بودم و نامه های او را به شهرها می بردم. در آن بیماری که از اثر مسمومیت بود و منجر به شهادت مولایم شد نامه هایی نوشت و فرمود آنها را به مدائن برسان، چهارده روز آنجا نخواهی بود و روز پانزدهم وارد سامراء خواهی شد و از سرای من صدای او ویلا می شنوی و مرا در مغتسل می یابی. ابو الادیان گوید: ای آقای من! چون این امر واقع شود امام و جانشین شما که خواهد بود؟ فرمود: هر کس پاسخ نامه های مرا از تو مطالبه کرد همو قائم پس از من خواهد بود، گفتم: دیگر چه؟ فرمود: کسی که بر من نماز خواند همو قائم پس از من خواهد بود، گفتم: دیگر چه؟ فرمود: کسی که خبر دهد در آن همیان چیست همو قائم پس از من خواهد بود. و هیبت او مانع شد که از او بپرسم در آن همیان چیست؟

نامه ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که فرموده بود روز پانزدهم به سامراء در آمدم و به ناگاه صدای او ویلا از سرای او شنیدم و او را بر مغتسل یافتم (۱) و برادرش جعفر بن علی را بر در سرا دیدم و شیعیان را بر در خانه اش دیدم که وی را به مرگ برادر تسلیت و بر امامت تبریک می گویند، با خود گفتم: اگر این امام است که امامت باطل خواهد بود، زیرا می دانستم که او شراب می نوشد و در کاخ قمار می کند و تار می زند، پیش رفتم و تبریک و تسلیت گفتم و از من چیزی نپرسید، آنگاه عقید (خادم) بیرون آمد و گفت: ای آقای من! برادرت کفن شده است برخیز و بر وی نماز گزار! جعفر بن علی داخل شد و بعضی از شیعیان که سمان و حسن بن علی که معتصم او را کشت و به سلمه معروف بود در اطراف وی بودند.

چون به سرا در آمدیم حسن بن علی را کفن شده بر تابوت دیدم و جعفر بن علی پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد و چون خواست تکبیر گوید کودکی گندم گون با گیسوانی مجعد و دندانهای پیوسته بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را گرفت و گفت: ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم. و جعفر با چهره ای رنگ پریده و زرد عقب رفت.

آن کودک پیش آمد و بر او نماز گزارد و در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد، سپس گفت: ای بصری! جواب نامه هایی را که همراه توست بیاور، و آنها را به او دادم و با خود گفتم این دو نشانه، باقی می ماند همیان، آنگاه نزد جعفر بن علی رفتم

در حالی که او آه می‌کشید. حاجز و شاء به او گفت: ای آقای من! آن کودک کیست تا بر او اقامه حجّت کنیم، گفت: به خدا سوگند هرگز او را ندیده‌ام و او را نمی‌شناسم. ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از حسن بن علیّ علیهما السلام پرسش کردند و فهمیدند که او در گذشته است و گفتند: به چه کسی تسلیت بگوئیم؟ و مردم به جعفر بن علیّ اشاره کردند، آنها بر او سلام کردند و به او تبریک و تسلیت گفتند و گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟ جعفر در حالی که جامه‌های خود را تکان می‌داد برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید، راوی گوید: خادم از خانه بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست و همیانی که درون آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است. آنها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: آنکه تو را برای گرفتن اینها فرستاده همو امام است و جعفر بن علیّ نزد معتمد عبّاسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد، معتمد کارگزاران خود را فرستاد و صقیل جاریه را گرفتند و از وی مطالبه آن کودک کردند، صقیل منکر او شد (۱) و مدّعی شد که باردار است تا به این وسیله کودک را از نظر آنها مخفی سازد و وی را به ابن الشّوارب قاضی سپردند و مرگ ناگهانی عبید اللّه بن یحیی بن خاقان و شورش صاحب زنج در بصره پیش آمد و از این رو از آن کنیز غافل شدند و او از دست آنها گریخت^{۷۵}

مادر امام عسکری(ع):

ایشان کنیزی پاک و شایسته از سرزمین شمال آفریقا نوبه و یا مغرب بود. که برایش نام های متعددی همانند: حدیث ، سوسن گفته شده است. ایشان در سنین جوانی به همسری امام هادی(ع) درآمد و ثمره این پیوند آسمانی خیلی زود و در سن ۲۱ سالگی امام هادی(ع) میلاد امام عسکری(ع) در مدینه در سال ۲۳۲ ه ق بود. ایشان در سال ۲۳۴ همراه همسرش به تبعیدگاه سامرا می آید و از آن پس به مدت ۲۰ سال بهرمندی فراوانی از ایمان و علم و تقوا را دارد به گونه ای که پس از شهادت امام هادی(ع) در دوران ۶ ساله امامت امام عسکری(ع) فرزندش نقش و جایگاهی ویژه می یابد ایشان پس از تولد امام زمان(عج) گهگاه مسئولیت نگهداری نواده اش را می یابد و در سال ۲۵۹ ه ق به دستور امام عسکری(ع) برای چند ماه نواده چهار ساله

^{۷۵} . ترجمه کمال الدین ، ج ۲، ص: ۲۲۶

خود را به حجاز برده و پس از مراسم حج در آنجا ساکن می گردد. در آستانه شهادت امام عسکری(ع) ایشان به سامرا باز گشته و در زمانی که جعفر برادر امام عسکری(ع) با ادعای امامت و اینکه تنها وارث امام شهید است ابزار دست خلیفه شده تا به تشیع ضربه ای تاریخی بزند ، این بانو بر سر میراث امام با جعفر به مقابله پرداخته و نقشه های او را در ادعای تنها وارث امام بودن ختنی می سازد. و به واسطه کمال دانش و تقوا ساکن سامرا در منزل امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) شد و محل مراجعه علمی موقت شیعیان در آغاز غیبت صغری شد. چرا که امام عسکری(ع) به هنگام شهادت ، به واسطه تقیه شدید، او را تنها وصی در اموال و میراث خود قرار داد. این رویداد که همزمان با هجرت عثمان بن سعید و پنهان زیستی شدید او در بغداد بود ، باعث شد همانند حضرت زینب(س) که در دوران اسارت محل مراجعه مردم در پاسخ گویی به سوالات دینی ایشان بود ، ایشان هم در سامرا محل رجوع شیعیان در زمینه پاسخگویی به مسائل قرار گیرد. سرانجام ایشان در سامرا رحلت کرده و در جوار همسر و فرزند معصومش به خاک سپرده می شود.^{۷۶}

مادر گرامی امام زمان (عج)

بانوی پاک زیست و شایسته بود که در پوشش کنیزی به خانه اهل بیت راه یافت. و در دوران زندگانی امام هادی(ع) به منزل ایشان آمده و به توصیه امام حکیمه خاتون(س) مسئولیت دانش آموختن و رشد ایمانی و اخلاقی او را عهده دار شد. کمی پس از شهادت امام هادی(ع) به واسطه تقیه شدید ایشان به عنوان کنیزی به منزل امام عسکری(ع) منتقل شد ، و شرف همسری ایشان را یافت. پس از تولد امام موعود(عج) بسیار می شد که فرزندش به واسطه تقیه و پنهان زیستی شدید از ایشان دور می افتاد.

^{۷۶} . در این زمینه رک : مسند الإمام العسکری(ع)، العطاردي ۴۹ باب امه علیه السلام ص : ۴۹ + موسوعة الإمام الهادي(ع)، الخزعلي ج ۱ ۵۱ الثاني - أسماء أزواجه علیه السلام ص : ۵۰

درباره سرنوشت ایشان ، اگر چه گزارشی درباره رحلت ایشان پیش از شهادت امام عسکری(ع) وجود دارد اما در گزارش های دیگر نقل شده که ایشان پس از شهادت امام عسکری(ع) زنده بوده و حتی برای منحرف سازی خلافت عباسی از موضوع فرزند احتمالی امام ، مدعی احتمال حاملگی شد و بدین جهت ضمن کاستن فشارها از منزل امام ، خودش نزدیک به دو سال در خانه خلیفه ، وزیر و قاضی وقت تحت نظر بانوان آنها قرار گرفت.

و پس از گذشت این زمان به واسطه رخ دادن آشوب در جهان اسلام ، توسط نقشه عده ای از شیعیان ، از حصر در دربار ، نجات یافت. و به نقلی مدتی پنهان زیست تا اینکه رحلت نمود و در جوار همسر مطهرش به خاک سپرده شد.^{۷۷}

حکیمه دختر امام جواد(ع) :

ایشان دختر امام جواد(ع) ، خواهر امام هادی(ع) و عمه امام عسکری(ع) است و در میان بانوان حریم اهل بیت ، آخرین بانوی برجسته و تربیت یافته از آنان در دوران حضور است. به گونه ای که در اواخر دوران حضور و آغاز دوران غیبت صغری نزدیک به نیم قرن از سرشناس ترین بانوان اهل بیت است. او در مدینه زاده شد و بعد از شهادت پدرش در جوانی نزد برادش امام هادی(ع) تربیت یافت و با یکی از علوی ها ، به نام ابوالحسن محدث که با نسب او با ۵ واسطه به امام سجاده(ع) می رسید ازدواج کرد پیوند این خانواده با امامان تا بدان حد بود که ، پس از تبعید امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) به سامرا ، به دنبال آنها تمامی سختی زندگی در سامرا را به جان خریدند و بدانجا نقل مکان یافته تا در سامرا در نزدیکی امام زمان خود باشند. پس از آن حکیمه خاتون(س) هم مسئول تربیت کنیزان و بانوان خانه امام می شود و هم زمینه ساز ازدواج نرجس خاتون(س) با امام عسکری(ع) می گردد و در رویداد میلاد امام موعود(عج) او تنها محرم راز و یاور نرجس خاتون(س) می باشد. ایشان پس از شهادت امام عسکری(ع) ۱۹ سال دیگر زندگی نمود. و در

^{۷۷} . رک : موسوعة الإمام العسکری(ع)، الخزعلي ج ۱ ۴۹ الأول - أسماء أزواجه عليه السلام: ص : ۴۸

این مدت باقیمانده در سامرا در نقشی زینب گونه(س) و در شرایطی که نایب اول در بغداد در تقیه شدید بود ، در سامرا راوی داستان میلاد و بیانگر امامت امام موعود(ع) به صورت پنهانی برای شیعیان بود. سرانجام ایشان در سن ۶۹ سالگی در سال ۲۷۴ هجرت رحلت نموده و در جوار مزار امامان سامرا دفن گردید.^{۷۸}

سخن پایانی :

زمان آغازین امامت امام زمان(عج) نه تنها برای امام زمان(عج) آغاز غیبت صغری است بلکه برای نایب اول هم زمان سپری کردن تقیه حفاظتی بسیار شدید است. در این شرایط که بسیار شبیه به زمانه پس از عاشورا و دوران امامت امام سجاد(ع) در اسارت بود ، برای حفظ دین خواص برجسته و موثر به صحنه آمده و اعم از مرد و زن هر کدام به فراخوان استعدادها و توانمندی ها به گونه ای یاور امام در حفظ هویت و اتحاد جامعه شیعه می گردند.

البته در این زمانه اصل رهبری با نایب اول است. ولی در یک تقسیم کار حساب شده در دو منطقه مهم تلاش می شود در یک برنامه ریزی ، همه بسترها برای هدایت و شبهه زدائی از شیعیان فراهم گردد . و در آن زمانه سخت که به گمان برخی توهم فرقه سازی و ریزش های فراوان می رفت و فتنه گری دستگاه خلافت و مدعیان انحرافی زیاد بودند ، مدیریت و تدبیر امام غائب که درسهای ایثارگری به همراه داشت ، و همچنین ظاهر شدن یاران خاص به همراه فعالیت های هوشمندانه ، موجب گذشتن شیعه از این دوران سخت با کمترین آسیب ها و ریزش ها شد.

^{۷۸} . موسوعة الإمام العسکری(ع)، الخزعلي ج ۱ ۱۲۰ أحوال عمته حکیمه: ص : ۱۱۹

فصل چهارم: جامعه و جغرافیای شیعه در آغاز امامت امام موعود

آغازهای آسمانی تاریخ زندگی بشر در جستجوی از هویت زمینی و جغرافیای مکانی را می توان در یک مثلث نورانی و معنوی دید بدینگونه که :

هبوط آدم و حوا و ظهور انسانیت (همانند گسترش خاکی بر روی زمین که از زیر کعبه بوده) در مکه بوده است .

و از مکه است که تاریخ بشریت آغاز می گردد، ولی نظر به در کنار بودن حجاز و در کانون بودن بین النهرین اولین پیامبر اوالعزم و ظهور دین و کتاب آسمانی نوح پیامبر در این مکان بوده و پس از آن ابراهیم خلیل الرحمان از عراق با مرکزیت کوفه می باشد.

و پس از هجرت حضرت ابراهیم به فلسطین ، ظهور دو پیامبر اوالعزم بعدی و انبوه پیامبران بنی اسرائیلی و برخی دیگر از پیامبران در فلسطین با محوریت بیت المقدس می باشد.

و در نهایت ظهور دین خاتم و بعثت پیامبر رحمت، دوباره از مکه می باشد.

و بدینگونه است که مثلث (مکه ، کوفه ، بیت المقدس) تبدیل به مثلث دین و تمدن در خاورمیانه می گردد و در حواشی هر یک از این اضلاع است که تاریخ پیامبری و امامت شکل می گیرد و چرخه رویدادها دینی در گذشته و حتی در آینده مبتنی بر اضلاع این مثلث می باشد.

بر مبنای اهمیت این مثلث است که بخش عمده ای از تاریخ امامان معصوم هم بر مبنای این مثلث شکل می گیرد و بر مبنای این مثلث است که پیشگویی های نبوی درباره کانون های جغرافیایی آینده نگر حق و باطل شکل می گیرد و بر مبنای آن بین النهرین و جغرافیای تمدنی ایران زمین ناظر به استعدادهاشان می بایست کانون تاریخی حق بگردند.

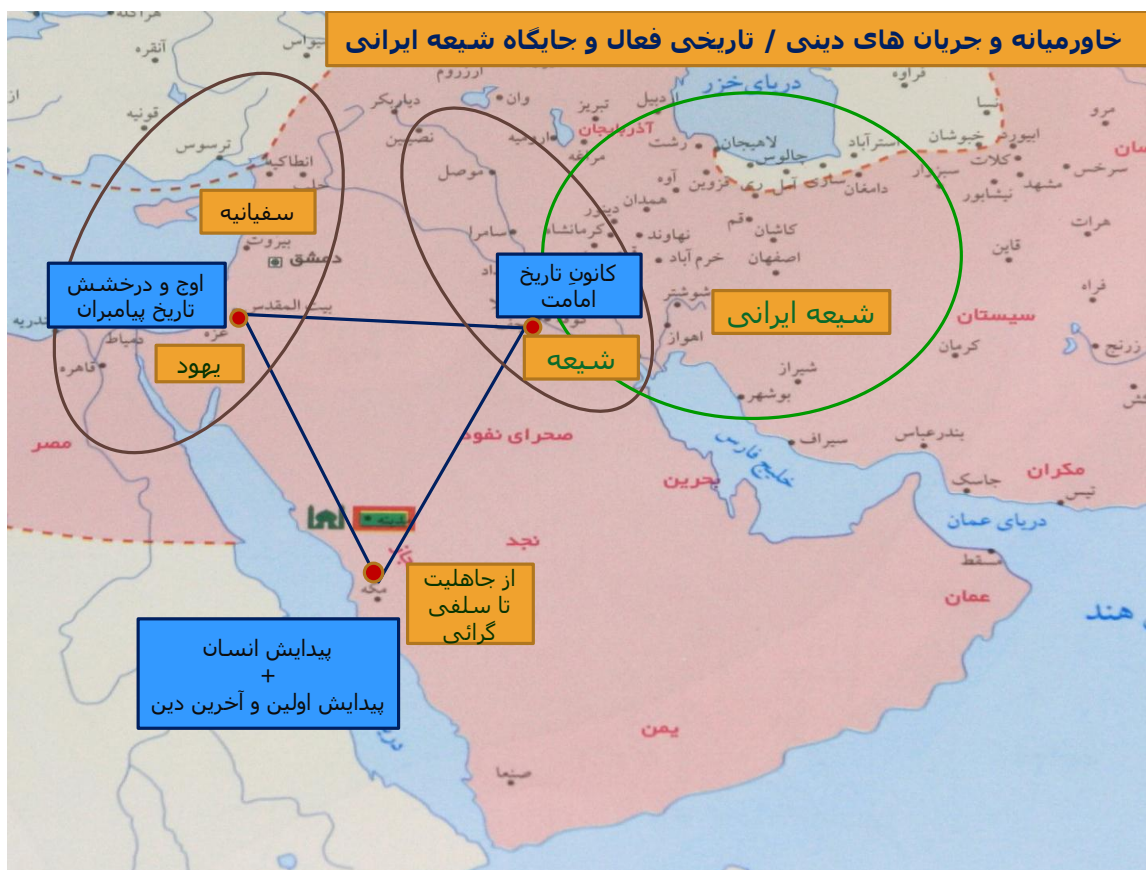
بدین جهت است که در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام و تشیع همواره کانون تشیع بین النهرین و ایران زمین بوده است شاهد این مدعا یک جستجوی اینترنتی است، واژه های map shia و map islam به معنی نقشه جغرافیایی شیعه و نقشه جغرافیای اسلام را در بخش تصاویر در موتورهای جستجوی اینترنتی جستجو کرده و در نقشه هایی که ارائه می شود دقت کنید .



برای اینکه اهمیت این مثلث را بیشتر درک نماییم و همچنین بدانیم در مصاف تاریخی حق و باطل با وجود اهمیت آسمانی مکه و بیت المقدس چرا همواره از جهت زمینی و جمعیتی توجه خط امامت به راس و نقطه شرقی مثلث است؛ به نکات زیر توجه نمایید:

- از ۱۲ امام مزار ۶ امام در عراق می باشد.
- مزار امام هشتم در منتهی الیه مرز شرقی امام باوری و امام گریزی در جغرافیا اسلامی می باشد.
- در تاریخ امامان راس غربی همواره کانون محوری باطل و راس جنوبی کانون جاهلیت بوده است
- و

بدین جهت است که در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت ، اگر چه عمده محل استقرار اهلیت معصوم پیامبر حجاز با محوریت مدینه است ولی کانون نیروسازی و جامعه سازی آنها در گستره جهان اسلام بامحوریت بین النهرین و ایران می باشد و بدین جهت است که از زمان امام صادق خیلی زود در شهرهایی همچون کوفه و قم هویت شیعی یافته اند و کانون تجمع علمای شیعه می گردند (البته خیلی زود بغداد جانشین کوفه می گردد)



با توجه به این جغرافیا شناسی کلی حق و باطل (تاریخی و آینده نگر) و این جغرافیا شناسی، تاریخ امامت است که وقتی به دوران آغاز امامت امام زمان نزدیک می شویم که کانون رویدادهای جبهه حق بر محور دو جامعه شیعه عراقی و شیعه ایرانی است که امام غائب در آغاز امامت خود و در دوران غیبت صغری به سیاستگذاری زیر (مستقیم و یا با واسطه نائب اولی) می پردازد:

- در هنگام آغاز امامت ، امام دو حضور دارد یکی به هنگام نماز بر پیکر پدر برای شیعه عراقی و دیگری کمی بعد برای شیعیان قمی

- نائب اول خیلی زود مرکز نیابت را از سامرا به بغداد و به محله شیعه نشین کرخ در بغداد منتقل می سازد.

- نائب اول یک شیعه قمی برجسته را به عنوان دستیار اول انتخاب کرده و او را از قم به بغداد فرا می خواند.

- نائب سوم ریشه و اصالتی ایرانی دارد.

- بخش عمده از جغرافیای وکالت و خواص یاران آن حضرت در دوران غیبت صغری با القابی همانند اهوازی ، همدانی ، رازی ، قمی و ... ایرانی هستند.

و در آستانه آغاز امامت امام هم در دو برنامه جداگانه ، داستان اقامه نماز و نشانه های ابوالادیان و همچنین داستان دیدار قمی ها با امام ، خواص شیعه هر دو جغرافیا با امام به نمایندگی از تمامی شیعیان جغرافیای منطقه خود بیعت می کنند تا آغاز غیبت صغری با ثبات و آرامش نسبی آغاز گردد.

نکته جالب در این میان این است که در این زمان در میان شیعه عراقی با محوریت سامرا و بغداد برخی از زمزمه ریزش ها و یا تفرقه ها به صورت موقت (و به ویژه تحت تاثیر بحران سازی و فتنه گری های جعفر) وجود دارد .

ولی در جغرافیای شیعه ایرانی و به ویژه در کانون آن قم با وجود دوری از مرکز امامت و نیابت هیچ گونه تزلزل و ریزشی رخ نمی دهد . و شاید به همین دلیل است که بر خلاف دوران غیبت صغری، در دوران غیبت کبری خیلی زود هم کانون جمعیتی شیعه به جغرافیای ایران زمین متوجه می شود.

در همین راستا از نکات جالب توجه این است که؛ در آغاز غیبت کبری ها با مدیریت و هدایت های پنهان امام غائب دو شیخ بزرگوار در دو جغرافیای ایران و عراق تربیت می شوند. و در آغاز زمانه سخت و پر خطر غیبت کبری رهبری دو جامعه شیعه را به عنوان اولین نائبان عام امام غائب عهده دار می شوند. دو نفری که مشمول دعاها، عنایات، و ارتباط های ویژه با امام غائب هستند. و از علمای بسیر برجسته تاریخ تشیع می باشند. آن دو عبارتند از: ابن باویه محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق قمی از قم که ساکن ری است. و محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید از بغداد که ساکن همان شهر است. و هر دو مدرسه اجتماعی و علمی قم و بغداد را اوج خود می رسانند و باعث می شوند تا آغاز غیبت کبری زمان اوج بالندگی شیعه بگردد.

از نگاه آینده پژوهی و آینده نگری هم رویدادهای دو جامعه شیعه عراقی و شیعه ایرانی کانون تحولات نشانه های ظهور و جریان زمینه سازی می باشد

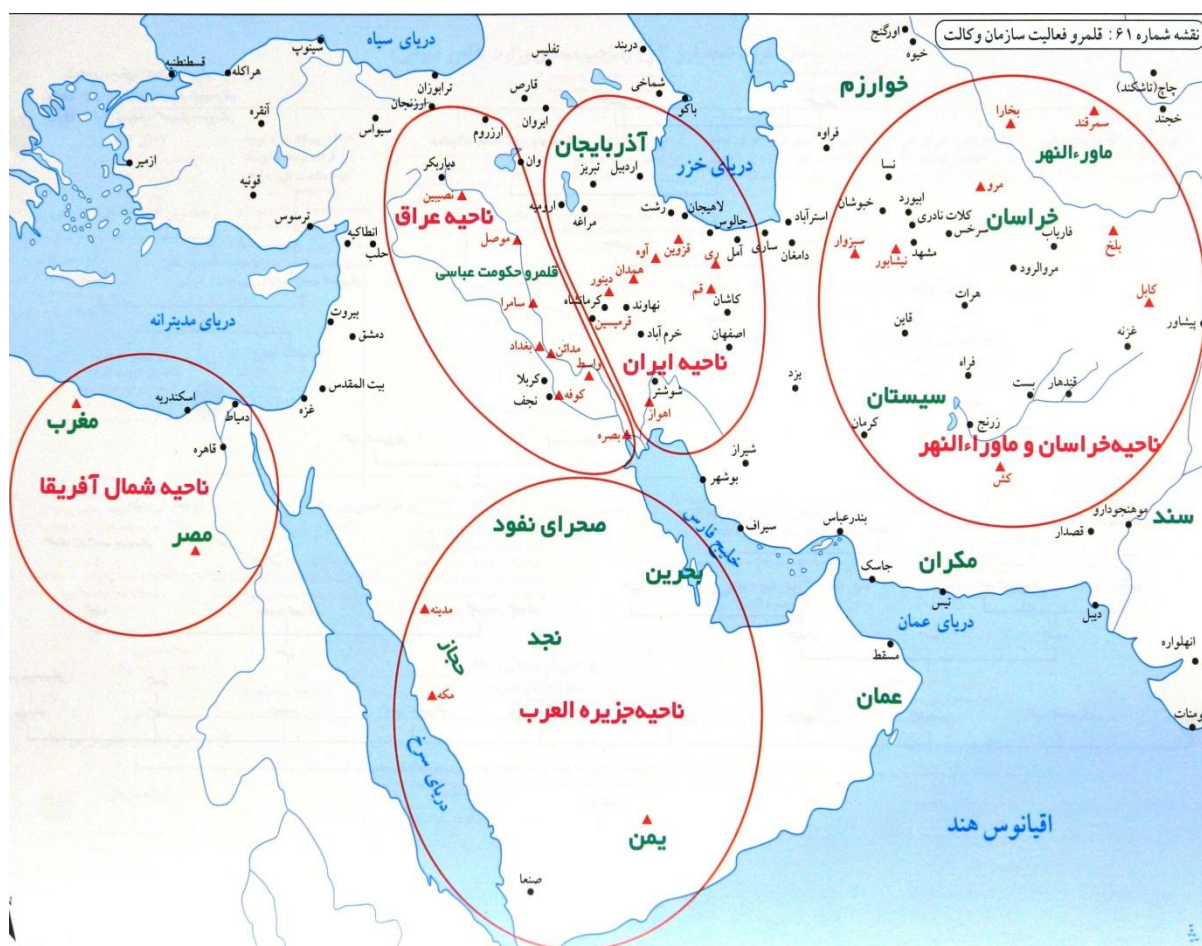
سخن پایانی :

دین حق مجموعه ای از آموزه های سعادت بخش و تعالی آفرین است که وقتی تجلی زمینی می یابد زمان و مکانی که بر محور حق باشد بستر ساز تاریخ جغرافیا (جامعه) ی حق می گردند و به تدریج تبدیل به بخشی از هویت دین و معارف دینی می گردد. جایگاه این هویت به گونه ای است که اعتقاد به تاریخ و جغرافیای مقدس یکی از اصول ثابت ادیان ابراهیمی است. به گونه ای که در کتب آسمانی سه گانه تورات، انجیل، قرآن؛ در کنار محوریت داستان های تاریخی، توجه به زمان و مکان در بحث حق و باطل شناسی جایگاهی ویژه دارد. و در قرآن مسئله جغرافیای تاریخی حق یکی از مسائل مورد توجه است.

ناظر به این واقعیت است که در مقام بازشناسی آغاز امامت امام زمان (عج) هم نباید از این دو محور غفلت ورزید چرا که بخش قابل توجهی از مدیریت ها و سیاستگذاری امام غائب در آغاز امامت اش ناظر به واقعیت های جغرافیای جبهه حق است به گونه ای که در این سال ها با اینکه گزارش هایی از حضور امام با

محوریت مدینه است ولی امام تلاش دارد در جغرافیای عراق ضمن اینکه در بغداد کانون جغرافیایی باطل، مرکز علمی و اجتماعی و مدیریتی حق را تقویت و گسترش می کند از حفظ جایگاه معنوی و فرهنگی سامرا هم غافل نیست و یا در هیم سال ها و با مدیریت واسطه ای به شهر قم و مدرسه علمی آن عنایت ویژه دارد.

از نکات علمی و پژوهشی جغرافیایی در آغاز امامت امام زمان (عج) که دانستن آن جالب و مفید است گستره جغرافیایی سازمان وکالت در این زمان است که از جهت مدیریتی در این زمان به ۴ منطقه اصلی تقسیم می شد و در هر منطقه به فراخور فراوانی جمعیت و جوامع شیعی و کلا آماری متفاوت داشتند به نقشه زیر توجه کنید^{۷۹}



^{۷۹} - از نکات جالب در مواجهه حق و باطل این است که جبهه باطل چه در سفر تحمیلی امام کاظم و امام جواد به بغداد و امام رضا به ایران و امامین عسکریین به سامرا به دنبال دور سازی رهبران حق از مراکز اثرگذاری ایشان بود ولی در برابر امامان معصوم این سفرهای و اقامت ها را در بلند مدت تبدیل به کانون جغرافیایی جدیدی برای حق می نمودند و جغرافیایی باطل را ژرآنکده کرده و وادار به عقب نشینی در بلند مدت می کردند.
پادآوری: نقشه از کتاب اطلس شیعه است

همانگونه که در این نقشه می بینید مناطق مهم فعالیت وکلا در بین النهرین و سپس ایران غربی و مرکزی است. و بدین جهت است که بیشتر رویدادهای ناظر به زمانه آغاز تولد امام زمان تا آغاز امامت و از آنجا تا پایان دوران غیبت صغری بر محور این دو جغرافیا متمرکز است.

فصل پنجم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز (ظهور).

اسلام دینی جهانی و برای هدایت و به سعادت رساندن تمام انسانها است. در این دین نژاد و رنگ و زبان شرافتی ندارد و ارزش انسانها به تقوا است.^{۸۰} ولی در عین حال بر حسب استعدادها و تونمندی های هر فرد مسئولیت ها تعریف می گردد. و هر چه استعداد و نعمت های فردی و اجتماعی بیشتر گردد؛ نه افضلیت و تبعیض؛ بلکه مسئولیت و تکلیف بیشتر تعریف می گردد.

و همانگونه که از نگاه دینی به هر میزان ثروت و دارایی اقتصادی فردی بیشتر باشد مسئولیت ها و تعهد هایش افزون می گردد، همینگونه اگر جامعه یا جغرافیایی دارای استعداد و ظرفیت بیشتری باشد؛ مسئولیت هایش بیشتر خواهد بود. و از این منظر است که عنوان مسلمان ایرانی و بلکه عنوان زیبای شیعه ایرانی معنا می یابد.

عنوانی که ریشه آن در روایت نبوی و پیشگویی های آن حضرت درباره ایران و ایرانیان (به عنوان فرهنگی و تمدنی و نه به معنی نژادی و قومیتی) می باشد.

جالب است که بدانیم، بستر ساز این پیش بینی ها و آینده نگری در حضور آگاهانه و پر تلاش سلمان فارسی به مدت یک دهه (از ورود پیامبر(ص) به مدینه تا رحلت ایشان) در جوار پیامبر است.^{۸۱}

سلمانی که با سعی و تلاش و تربیت ورزی حساب شده و به صورت تخصصی به مدت یکدهه خود را از سلمان فارسی به مرتبه سلمان محمدی و سلمان منا اهل البیت رساند^{۸۲}. و سرانجام نقطه اوج معرفت محبت و مودت و طاعت ورزی سلمان بدانجا رسید، که در غدیر خم شاید بتوان ادعا کرد خالصانه ترین و محکم ترین بیعت را او نسبت به امیر المومنین (ع) انجام داده باشد.

دستاورد این حضور با شکوه سلمان در کنار پیامبر خاتم(ص) و اولین امام؛ برای آیندگان سرزمینش آیه ۵۴ سوره مائده بود:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ »

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر دانا است.

منابع تفسیری شیعی و سنی در ذیل این آیه اشاره دارند که پیامبر(ص) در مقام معرفی روشن ترین مصداق برای این آیه به مردمی از بر آمده از سر زمین سلمان اشاره داشته است^{۸۳}. بدین جهت است که در حد فاصل سقیفه تا عاشورا خط خلافت تلاش می کند بین ایران فتح شده و اهل بیت فاصله اندازد تا هیچگاه آن پیش بینی محقق نشده و جریان حق هم همواره مهجور و غریب بماند.^{۸۴}

^{۸۱} - در این زمینه رک به کتاب: سلمان فارسی الگویی زندگی مهدوی

^{۸۲} - بحار ج ۲۰ ص ۱۸۹

^{۸۳} - به عنوان نمونه رک: المیزان ج ۵ ص ۳۸۸ ذیل این آیه و یا تفاسیر دیگر.

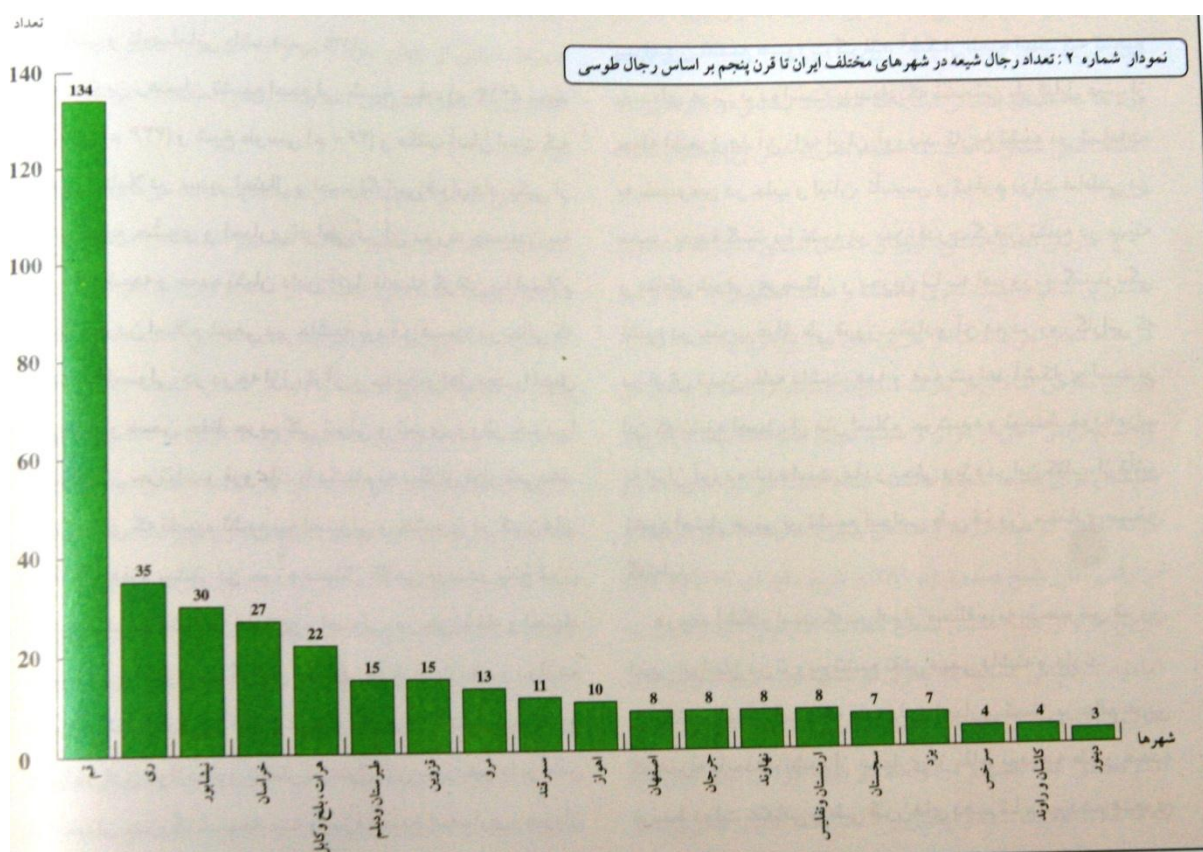
^{۸۴} - از جهت انسان شناسی جغرافیایی/ تاریخی، باید بدانیم که اسلام به هنگام فتوحات با وجود پیش روی های گسترده، پشت دروازه اکثر تمدن ها متوقف شد. و نتوانست تمدنهای اروپایی غربی(و حتی روم بیزانس را به مدت ۵ قرن)، چین و هند را متصرف شود. و خاستگاه اصلی اش هم جغرافیای عرب مسلمان بود که ریشه تمدنی آن نه تنها قوی نبود بلکه به جاهلیت شناخته می شد. تنها تمدنی که کاملاً اسلام را پذیرفت تمدن و فرهنگ ایرانی بود. این تمدن بعدها هم به تسنن و هم به تشیع خدمات بسیاری نمود که ناشی از سوء استفاده جریان خلافت از پیش بینی های نبوی بود. چرا که طبق پیش بینی های نبوی قرار بود که این تمدن در خدمت دین حق قرار گیرد. ولی برنامه ریزی آنها این

ولی پس از عاشورا و بر بستر ارزش های آن است که امامان معصوم شروع به برنامه ریزی گسترش مکتب تشیع در ایران می نمایند.

هجرت قبائل شیعی عرب به ایران همانند هجرت اشعری ها به قم، هجرت امام رضا(ع) به شرق ایران، هجرت حضرت فاطمه معصومه (س)، هجرت امامزادگان دانشمند و برجسته و...؛ است که بتدریج بستر و بذر تشیع را در جای جای ایران فراهم می کند. به گونه ای که از زمان امام صادق(ع) به بعد است که شاهد رفت و آمد روزافزون استعداد های ایرانی به مدرسه اهل بیت هستیم.

و از آن پس در کنار رشد تدریجی اما به سرعت شیعیان ایرانی و یاران برجسته امامان، خیلی زود شهر قم تبدیل به دومین (و یا سومین مدرسه در کنار کوفه و بغداد) شهر و مدرسه علمی شیعه در آن زمان می شود.

(یاد آوری : نقشه از کتاب اطلس شیعه است ^{۸۵})



پیش بینی را به تاخیر انداخت. در این خدمات تمدنی ایرانیان به اسلام: رک، خدمات متقابل ایران و اسلام ت شهید مطهری. و در زمینه جایگاه تاریخی و جغرافیایی آن رک به کتاب انسان شناسی و مهدویت. ^{۸۵} . اطلس شیعه ص ۱۰

در این شرایط است که در رویداد های رخ داده در حد فاصل تولد تا آغاز امامت امام مهدی (عج) در شهر شیعه نشین قم نظر به اهمیت آن شاهد موارد زیر هستیم:

- نامه ویژه امام عسگری (ع) به شیعه قم و خبر دهی در مورد ولادت امام زمان.
- سفر احمد بن اسحاق با جمعی از خواص به سامرا.
- مکاتبه امام عسگری با ابن بابویه قمی از علمای جوان و برجسته شهر (پدر شیخ صدوق)
- حرکت کاروان دوم از خواص قم (و برخی مناطق غربی ایران) به سامرا و ورود آنها در آغاز امامت امام زمان (عج) به این شهر

اگر به همین مورد اخیر توجه شود، شدت علاقه و توجه اهل بیت و به ویژه امام غائب (عج) نسبت به شیعیان ایرانی/قمی دانسته می شود. گزارش مفصل این رویداد چنین است که:

علی بن سنان موصلی گوید: پدرم گفت: چون آقای ما ابو محمد حسن بن علی علیهما السلام درگذشت، از قم و بلاد کوهستان (مناطق غربی ایران) نمایندگانی که معمولاً وجوه و اموال را می آوردند درآمدند. و خبر از درگذشت امام حسن علیه السلام نداشتند و چون به سامراء رسیدند از امام حسن علیه السلام پرسش کردند، به آنها گفتند که وفات کرده است، گفتند: وارث او کیست؟ گفتند: برادرش جعفر بن علی، آنگاه از او پرسش کردند، گفتند که او برای تفریح بیرون رفته و سوار زورقی شده است. شراب می نوشد و همراه او خواندگانی هم هستند، آنها با یک دیگر مشورت کردند و گفتند: اینها از اوصاف امام نیست، و بعضی از آنها می گفتند: باز گردیم و این اموال را به صاحبانشان برگردانیم.

ابو العباس محمد بن جعفر حمیری قمی گفت: بمانید تا این مرد باز گردد و او را به درستی بیازمائیم. راوی گوید: چون بازگشت به حضور وی رفتند و بر او سلام کردند و گفتند: ای آقای ما! ما از اهل قم هستیم و گروهی از شیعیان و دیگران همراه ما هستند و ما نزد آقای خود ابو محمد حسن بن علی اموالی را می آوردیم، گفت: آن اموال کجاست؟ گفتند: همراه ماست، گفت: آنها را به نزد من آورید، گفتند: این اموال داستان جالبی دارد، گفت: آن داستان چیست؟ گفتند: این اموال از عموم شیعه یک دینار و دو دینار گردآوری می شود، سپس همه را در کیسه ای می ریزند و بر آن مهر می کنند و چون این اموال را نزد آقای خود ابو محمد علیه السلام می آوردیم می فرمود: همه آن چند دینار است و چند دینار آن از کی و چند دینار آن از چه کسی است و نام همه آنها را می گفت و نقش مهرها را هم می فرمود، جعفر گفت: دروغ می گوئید شما به برادرم چیزی را نسبت می دهید که انجام نمی داد، این علم غیب است و کسی جز خدا آن را نمی داند.

راوی گوید: چون آنها کلام جعفر را شنیدند به یک دیگر نگریستند و جعفر گفت: آن مال را نزد من آورید، گفتند: ما مردمی اجیر و وکیل صاحبان این مال هستیم و آن را تسلیم نمی کنیم مگر به همان علاماتی که از آقای خود حسن بن علی می دانیم، اگر تو امامی بر ما روشن کن و الا آن را به صاحبانش بر می گردانیم تا هر کاری که صلاح می دانند بکنند.

راوی گوید: جعفر به نزد خلیفه - که در آن روز در سامراء بود - رفت و علیه آنها دشمنی کرد و خلیفه آنها را احضار کرد و گفت: آن مال را به جعفر تسلیم کنید، گفتند: خدا امیر المؤمنین را به صلاح آورد، ما گروهی اجیر و وکیل این اموال هستیم و آنها سپرده مردمانی است و به ما گفته‌اند که آن را جز با علامت و دلالت به کسی ندهیم، و با ابو محمد حسن بن علی علیهما السلام نیز همین عادت جاری بود.

خلیفه گفت: چه علامتی با ابو محمد داشتید؟ گفتند: دینارها و صاحبانش و مقدار آن را گزارش می‌کرد، و چون چنین می‌کرد آنها را تسلیم می‌کردیم، ما مکرر به نزد او می‌آمدیم و این علامت و دلالت ما بود و اکنون او در گذشته است، اگر این مرد صاحب الامر است بایستی همان کاری را که برادرش انجام می‌داد انجام دهد و الا آن اموال را به صاحبانش برمی‌گردانیم.

(۱) و جعفر گفت: ای امیر المؤمنین اینان مردمی دروغگو هستند و بر برادرم دروغ می‌بندند و این علم غیب است. خلیفه گفت: اینها فرستاده و مأمورند و ما علی الرسولِ اِلَّا الْبَلَاغُ. جعفر مبهوت شد و نتوانست پاسخی بدهد و آنها گفتند:

امیر المؤمنین بر ما منت نهد و کسی را به بدرقه ما نفرستد تا از این شهر به در رویم و چون از شهر بیرون آمدند، غلامی نیکو منظر که گویا خادمی بود به طرف آنها آمد و ندا می‌کرد ای فلان بن فلان! ای فلان بن فلان! مولای خود را اجابت کنید، گوید: گفتند آیا تو مولای ما هستی؟ گفت: معاذ الله! من بنده مولای شما هستم، نزد او بیایید، گویند: ما به همراه او رفتیم تا آنکه بر سرای مولایمان حسن بن علی علیهما السلام وارد شدیم و به ناگاه فرزندش آقای ما قائم علیه السلام را دیدم که بر تختی نشسته بود و مانند پاره ماه می‌درخشید و جامه‌ای سبز در برداشت، بر او سلام کردیم و پاسخ ما را داد، سپس فرمود: همه مال چند دینار است و چند دینار از فلانی و چند دینار از فلانی است و بدین سیاق همه اموال را توصیف کرد. سپس به وصف لباسها و اثاثیه و چهارپایان ما پرداخت و ما برای خدای تعالی به سجده افتادیم که امام ما را به ما معرفی فرمود و بر آستانه وی بوسه زدیم و هر سؤالی که خواستیم از او پرسیدیم و او جواب داد، (۱) آنگاه اموال را نزد او نهادیم و قائم علیه السلام فرمود که بعد از این مالی را به سامراء نبریم و فردی را در بغداد نصب می‌کند که اموال را دریافت کند و توقیعات از نزد او خارج شود، گوید: از نزد او بیرون آمدیم و به ابو العباس محمد بن جعفر قمی حمیری مقداری حنوط و کفن داد و به او فرمود: خداوند تو را در مصیبت خودت اجر دهد. راوی گوید: ابو العباس به گردنه همدان نرسیده درگذشت و بعد از آن اموال را به بغداد و به نزد وکلاء منصوب او می‌بردیم و توقیعات نیز از نزد آنها خارج می‌گردید.^{۸۶}

نکته مهمی که در این گزارش وجود دارد این است که :

در زمانه ای که امام در تقیه شدید است و حضورش در رویداد نماز هم بسیار سریع و کوتاه است و در شرایطی که یکی از بانوان منزل امام عسکری (ع) (که به احتمال زیاد مادر امام است) به احتمال حمل دستگیر شده است و تمامی نیروهای نظامی و انتظامی و اصناف شهر سامرا بسیج شده اند تا ردی از جانشین

^{۸۶} . ترجمه کمال الدین ج ۲ ۲۲۶ - ۲۶ ص : ۲۲۶

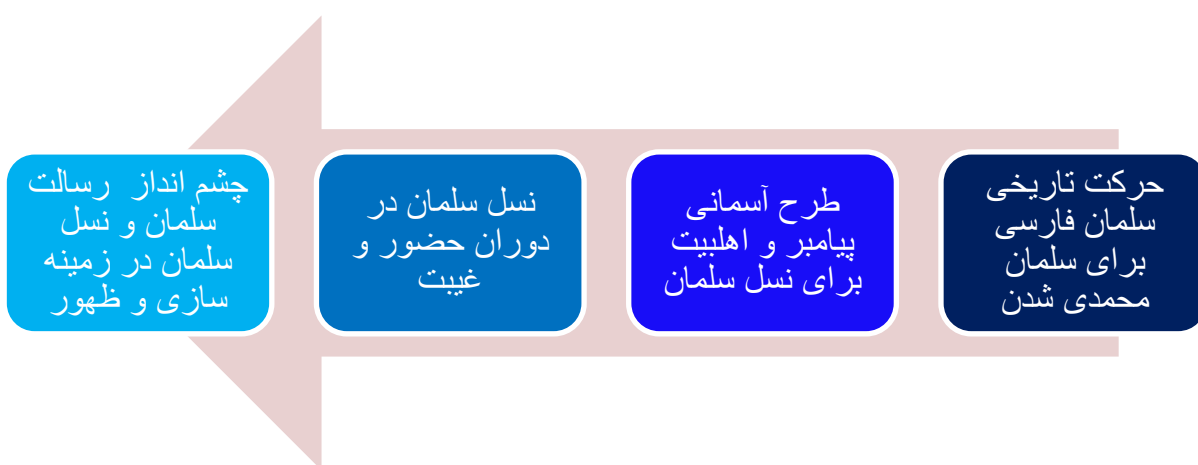
احتمالی امام عسکری(ع) بیابند؛ چرا با این وجود، امام غائب(عج) به انجام دیدار با قمی ها و ایرانی ها عنایت ویژه ای دارد؟!

و یا اینکه چرا در آغاز غیبت صغری به سرعت احمد بن اسحاق قمی برجسته ترین شخصیت علمی و مدیریتی قم به عنوان دستیار نائب اول انتخاب می شود و

آیا تا کنون یک نگاه اماری به علما و مراجع و یا به اصطلاح نواب عام دوران غیبت کبری داشته اید. آیا می دانید احتمالا نزدیک به دو سوم علمای برجسته این دوران به ویژه از دوره صفویه به بعد ایرانی هستند .

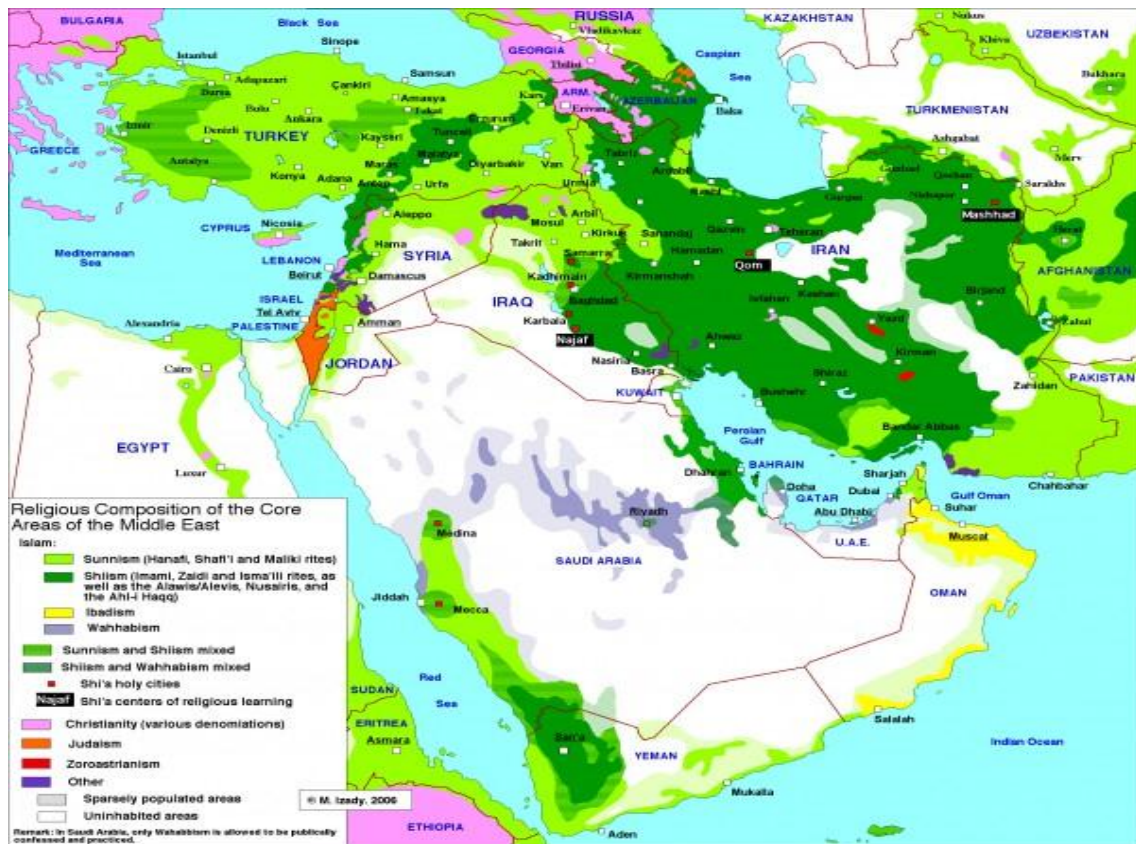
آیا می دانید که در آخرین آغاز مقدس تاریخ ، ظهور هم طبق روایات، زبان عربی حضوری کم رنگ دارد^{۸۷}. اینک به نظر می رسد در جمع بندی بین این آغازهای سه گانه «عید غدیر ، غدیر امام موعود ، ظهور» که بر طبق اسناد تاریخی و یا آینده نگر، شیعه ایرانی دارای هویت - گذشته - و یا رسالت - آینده - پررنگ است؛ بتوان اندیشید که مسئولیت - زمان حال - سنگینی بر آحاد شیعه ایرانی در زمانه حاضر باشد.

پس عنوان شیعه ایرانی ارمنان سلمان فارسی برای فرهنگ و تمدن ایرانی است که در لحظه آغزین نهم ربیع الاول خود را به زیبایی نشان داد و در دوران غیبت کبری هم تاکنون خوش درخشیده است تا پیش بینی نبوی درباره نسل سلمان معنا یابد. و این رسالتی پیوسته در زمان حال را مبنی بر تجدید بیعت روزآمد تعریف می کند.



^{۸۷} . جناب **فودایان** آدرس؟

بیاید با همدیگر نگاهی دوباره به نقشه و جغرافیای تشیع در زمانه کنونی بیندازیم:^{۸۸}



آن آیه آسمانی و این واقعیت زمینی/جغرافیایی پیام ویژه ای را برای شیعه ایرانی داشته و یادآور مسئولیت سنگینی در تجدید عهد و بیعت با امام ناظر به زمان شناسی و حق و باطل شناسی پیوسته است.

سخن پایانی :

^{۸۸} نقشه اینترنتی است. با تایپ map shia در بخش تصاویر موتورهای جستجوگر می توان شاهد نقشه های متعددی از جغرافیای تشیع بود که متاسفانه همگی محصول پژوهش های غیر شیعیان است

مهمترین چشم اندازی که برای شیعه ایرانی در آخرالزمان و در مقام زمینه سازی در نظر گرفته شده است جنبش نرم افزاری جهانی سازی پیام های فطری مکتب حق است. تا درست همانند شیعیان قمی ای که پس از بیعت با امام غائب (عج)، در آغاز امامت اش پیام ولایت او و استواری بر حق را برای تمامی شیعیان قمی و ایرانی به ارمغان آوردند. شیعه ایرانی آخرالزمان هم ادامه دهنده راه آنها در محدوده ای جهانی باشند.

بیاید با همدیگر یکبار دیگر در روایات زیر دقت کنیم:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ غَنَمًا سُودًا دَخَلَتْ فِيهَا غَنَمٌ كَثِيرٌ بِيضٌ فَقَالُوا فَمَا أَوْلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعَجَمُ «٤» يَشْرُكُونَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَ أَنْسَابِكُمْ قَالُوا الْعَجَمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صَ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَرِيَا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ^{٨٩}

« پیامبر می فرماید، در رؤیا دیدم که گوسفندهایی سیاه که ، گوسفندهای سفید فراوانی در آنها داخل شدند. صحابه پرسیدند: تاویل این رؤیا چیست؟ فرمودند: آنها عجم ها (در این جا به معنی فارس هل و دیگران) هستند. آنها در دین ورزی و هم خونی (پیوند نسبی بر محور ازدواج دینی) با شما همراه خواهند شد. صحابه گفتند: عجم ها؟ پیامبر فرمودند: بله اگر ایمان آویخته بر ستاره ثریا باشد، همانا مردانی از عجم به آن دست خواهند یافت.»

رُويَ بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةً وَقَالَ سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ^{٩٠}

« امام صادق فرمودند: به زودی کوفی از مومنان خالی خواهد شد و از شهر قم آشکار خواهند شد، و این شهر کانون دانش و فضیلت خواهد شد. و از قم چنان به نشر معارف اهل بیت در گستره جهانی خواهند

^{٨٩} . بحار الأنوار، المجلسي ج ٦١ ١١٧

^{٩٠} . بحار الأنوار، المجلسي ج ٥٧ ٢١٣

پرداخت که حتی زنان خانه دار هم تسببت به دین دارای آگاهی خواهند شد. پس نزدیک ظهور قم و مردمان آن به اتمام حجت خواهند پرداخت»

پیام این دو روایت این است که آغاز دو دوران غیبت صغری و کبری؛ را اگر از منظر جبهه دشمن بنگریم باعث فاصله اندازی بین آغاز امامت و از آغاز ظهور امام غائب شده است. ولی اگر از منظر جبهه حق با محوریت شیعه ایرانی ببینیم این دو روز روز آغازهای باشکوه و حرکت به سوی ظهور است. و این غیبت وقتی رو به زوال می رود که شیعیان و خصوصا شیعه ایرانی با محوریت پایگاه علمی و فرهنگی قم که امتداد و مدرسه تاریخی قم است به جهانی سازی پیام و جاذبه سازی برای امام حق اقدام نماید.

در این زمینه در بخش بعد ، بخش بیعت و عهد سخن خواهیم گفت.

بخش سوم:

چگونگی و آداب و فرهنگ

عید نهم ربیع الاول

(بخش جشن عهد و بیعت)

پیش درآمد :

نهم ربیع الاول در فرهنگ شیعه به تدریج به عنوان یک روز عید مطرح شد. تا بدانجا که در گزارش های تاریخی، یادکرد از این عید در جامعه شیعه را در کتاب النقض نوشته عبد الجلیل رازی (متوفی ۵۶۰ ه ق) ابن ادريس حلی (متوفی ۵۹۸ ه ق) و سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ ه ق) می توان یافت.

از جهت فقهی هم در کتاب های حدیثی / فقهی شیعه، در فصل برشماری غسل های مستحبی؛ علمای شیعه یکی از غسل های مستحب را غسل روز عید نهم ربیع الاول شمرده اند^{۹۱}.

اینک که روز نهم ربیع الاول به عنوان عید آخرین غدیر اهل بیت هم ریشه تاریخی دارد و هم مورد توجه شیعیان و علمای بزرگ آنها بوده است، در این بخش در قالب فصل های زیر به مطالعه فرهنگ ها و آیین های مناسب با عید امامت امام موعود(عج) و مبانی و کارکردهای آن، پرداخته خواهد شد.

فصل اول: روز شادی و سرور ، روز عید ولایت

فصل دوم : عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن :

فصل سوم : فرهنگ جشن و شادی :

فصل چهارم: جشن بیعت ، جشن استواری بر انتظار

فصل پنجم : بیعت در گذر تاریخ

فصل ششم : نهم ربیع الاول عید تجدید بیعت

^{۹۱} - به عنوان نمونه ر ك به عروة الوثقى و وسائل الشیعه باب غسل های مستحبی (وسائل ج ۲ باب ۲۴) و اکثر رساله های عملیه مراجع شیعه

فصل اول: روز شادی و سرور ، روز عید ولایت

در داستان دیدار قمی ها با امام زمان(عج) که دو سه روز پس از شهادت امام عسکری(ع) رخ داد قمی ها لحظه دیدار را چنین توصیف کرده اند :

« وقتی وارد اتاق مخصوص شدیم فرزند امام عسکری(ع) بر سریری ، چون پاره ای ماه نشسته بود در حالی که لباسی سبز پوشیده بود پس چون به امامت آن حضرت یقین کردیم همگی از شادی و سرور به سجده افتاد و خداوند را شکر کردیم »^{۹۲}

این شادی و سرور را آن گروه خیلی زود به قم بردند و قم هم پس از حزن بر شهادت امام عسکری ، خیلی زود شادمان و مسرور آغاز امامت امام موعود(عج) شدند . در قم که شهر و مدرسه حدیث آموزی و نشر احادیث اهل بیت بود، علمای این شهر پس از آگاه شدن از رویداد آغاز امامت امام زمان؛ با یادآوری حدیثی جالب از امام رضا (ع) به فرهنگ سازی برای این روز پرداختند .

ماجرای حدیث امام رضا(ع) چنین بود که برخی از آنها در سال ۲۵۹ ه ق (یکسال پیش از شهادت امام عسکری (ع)) در طوس (به هنگام زیارت مشهد الرضا(ع)) با فیاض بن محمد طوسی از یاران امام

رضا(ع) دیدار کرده بودند در حالی او ۹۰ ساله بود و او برای آنها حکایتی از امام رضا (ع) را چنین روایت کرده بود که :

« روز عید غدیر فرارسیده بود. امام رضا (ع) به شیعیان دستور داده بود آن روز را روزه بگیرند. و آنگاه برای افطار روز عید همه مردان شیعه را به منزل خود دعوت کرده بود. فیاض می گوید:

آن روز چون به منزل امام رفتیم منزل امام را در یک دگرگونی بی سابقه دیدیم. چرا که هم خود امام و هم خدمتگزاران و هم آرایش منزل تغییر فراوان یافته بود. و تازگی، نو بودن (معطر بودن) همه جا را فرا گرفته بود و فضا بسیار شاد بود .

آنگاه امام ما را بر سفره ای مخصوص نشانند. در حالی که بسته هایی شامل غزل ، هدایا ، لباس و حتی انگشتر و کفش به منازل تک تک ما از سوی امام فرستاده شده بود . آنگاه امام روایتی را از اجدادش از امیر المومنین(ع) برای ما روایت کرد. بدینگونه که: در زمان خلافت امیرمومنین(ع) در کوفه سالی جمعه و غدیر همزمان شدند در آن روز امام حدود ۵ ساعت از روز گذشته به مسجد آمد و بر منبر رفت و خطبه ای مفصل خواهد و مردم را با حقیقت غدیر آشنا کرد از فضیلت روز عید غدیر سخن گفتند و آنگاه مردم را به پاسداشت و گرامی داشت و احیای عید غدیر دعوت کردند و فرمودند:

.... پس از این مجلس برخیزید و به منازل خود بروید و بر خاندان خود وسعت در رزق و شادی را فراهم سازید و با برادران مسلمان خود نیکی کرده و شکر این نعمت خداوندی را به جا آورید و به دور هم جمع شده و به هم هدیه دهید و به مسلمانان ضعیف چنان برسید که در این روز در خوراک همانند شما بگردند چرا که همانا یک دهم صدقه در این روز پاداش ۲۰۰ هزار درهم را دارد....،

و آنگاه فرمود که : این پیام مرا حاضران حتما به غائبان برسانند.... ، و آنگاه در آن روز پس از نماز جمعه ، امام با فرزندان و شیعیانش راهی منزل امام مجتبی شدند و سر سفره غذایی که به مناسبت این عید آماده کرده بود همگی مهمان شدند و پس از صرف غذا هم همگی شیعیان از آن غذا برای اهل و عیال خود به منزل بروند (۹۳ »

وقتی به سیرت امامان شیعه در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت می نگریم، درباره سالگشت مناسبت هایی چون عید غدیر شاهد هستیم که اهلیت در این روز حتی اگر در اوج محاصره ها و هجوم ها بوده اند ولی با این وجود این روز را به عنوان مهمترین عید مکتب تشیع به جشن و شادی و سرور و بلکه به شادی سازی برای شیعیان و مسلمانان می گذراندند. و به مسلمانان توصیه می کردند که جشن و شادی در عید غدیر امتداد و استمرار جشن و شادی پیامبر اسلام پس از ابلاغ خطبه غدیر خواهد بود. چرا تا که پیش از ابلاغ ولایت امیر المؤمنین (ع) و در طول سفر حجة الوداع، صحابه همواره یک نگرانی خاصی را در چهره پیامبر (ص) می دیدند. ولی در روز غدیر و پس از نماز ظهر که ابلاغ ولایت و امامت امیر المؤمنین (ع) انجام شد^{۹۴}؛ صحابه دیدند پیامبر اسلام (ص) آرامش خاصی یافته، شادی و سرور در چهره اش موج می زند. و ایشان با نوعی نشاط و ابتهاج دستور دادند که خیمه بیعت ای باشکوه را برپا سازند، آنگاه امیر المؤمنین (ع) را در لباسی فاخر، و عمامه ویژه خود به نام سحاب در هیبت و وقاری کامل در صدر آن خیمه نشاند (پیامبر (ص) از آن عمامه به عنوان تاج ملائکه و عمامه خیر و برکت نام برده است) و از مسلمانان خواست که دسته دسته به خیمه وارد شده با امام اشان بیعت کنند^{۹۵}.

البته عید آغاز امامت و ولایت امیر المؤمنین (ع) فقط شاهد شادی ویژه پیامبر اسلام نبود بلکه چون در سفر حجة الوداع حضرت زهرا (س) و حسنین همراه پیامبر بودند این روز، روز شادی فراوان آنها هم بود. یک نکته جالب:

آیا عید غدیر به عنوان عید آغاز امامت و آغاز دوره ای ویژه در تاریخ حق و حقانیت زمینی و آغاز ولایت حقه در ملکوت و عوالم وجود، فقط در زمین باید هر ساله پاسداشته شود و یا اینکه برای این پاسداشت در عوالم بالا و حتی در بهشت هم مراسم خاصی برگزار می شود؟

در مقام جواب به این حدیث توجه نمایید:

۹. بر طبق آیه ۶۷ سوره مائده؛ پیامبر (ص) در طول سفر حجة الوداع چون مأموریت ولایت و داشت ولی عدم آمادگی مردم و فتنه افروزی پیوسته منافقین را می دید همواره نوعی نگرانی و خوف نسبت به انجام این مأموریت اش داشت. به پیژده وقتی که در مکه شاهد برخی شاکیان سفر تاریخی امیر المؤمنین (ع) به یمن از جهت عدالت ورزی امام شد و همچنین به هنگام خطبه خوانی در صحرا عرفات و منی بر طبق منابع شیعه و سنی، شاهد سر و صدا انداختن منافقین شد تا مقدمه چینی ایشان در زمینه ولایت مثل نقل حدیث ثقلین و یا حدیث ۱۲ امام به گوش مردم نرسد در این زمینه می توانید ر.ک؛ الصحيح من السیره النبوی الاظم/ج ۳/فصل رویداد غدیر.
^{۹۵} - ترجمه الغدیر / ۲ / ۲۰۸

« احمد بن ابی نصر از خواص یاران امام رضا(ع) می گوید: روزی نزد آن حضرت بودم. منزل امام هم آکنده از جمعیت شیعه و سنی بود. پس سخن از غدیر پیش آمد و بین مردم بحث در گرفت، امام رضا(ع) پس از شنیدن سخن مردم چنین فرمود:

روز عید غدیر در آسمان ها شناخته شده تر از روی زمین است و همانا خداوند در بهشت فردوس قصری با مشخصات (خاص و ویژه هم در مورد آن قصر و هم پیرامون آن) ویژه روز عید غدیر خم فراهم کرده است پس هر سال چون روز عید غدیر می گردد همه اهل آسمان (فرشتگان ، حوریان و حتی نعمت های زنده بهشتی همانند پرندگان) به آن قصر آمده و در قالب عبادی ویژه (تسبیح و تقدیس و تهلیل) پرداخته در حالی که بر آنها مشک و عنبری می بارد. و در آن روز ملائکه به همدیگر : نثار فاطمه^{۹۶} را هدیه می دهند پس چون روز غدیر به پایان می رسد هر یک از ملائکه به مکان ها و ماموریت های خود باز می گردند تا سال دیگر.^{۹۷}

معنی این احادیث این است که وقتی در عالم آفرینش هیچ موجودی برتر از انسان کامل (معصومین) نباشد بدیهی است که حالات فرح و یا حزن او بر تمام عوالم هستی از زمین تا ملائکه آسمان ها اثر می گذارد. و آن روزهای فرح و یا حزن خاص، تنها یک روز در زمان گذشته نخواهد بود. بلکه بازتابش برای همیشه تاریخ آینده خواهد ماند. و بدین جهت است که این فرح هر ساله، هم نزد امامان معصوم و هم در نزد ملائکه آسمان تکرار می شده و می شود. و بدین گونه است که در مکتب تشیع، فرهنگ معنوی و دینی بر محور ایام الله تعریف می شود. ایام الهی که از مسیر معرفی اهلیت و فرهنگ سازی آنها وارد زندگی مومنان خواهد شد. خصوصاً آنجا که می فرماید:

« ان الله تبارک و تعالی : اطلع الی الارض فاخترنا و اختار لنا شیعهً ینصروننا و یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا و یبدلون اموالهم و انفسهم فینا ، اولئک منا و الینا »^{۹۸}

^{۹۶} - نثار : نثر بیشتر : پراکندن چیزی و نثار به ضمه اول چیزی که پراکنده و توزیع می شود به هدیه و یا اطعامی که در مجالس جشن توزیع شود و خوردن و یا گرفتن آن ثواب داشته باشد گفته می شود = تاج العروس / ۵۰۴۷

^{۹۷} - بحار ۹۴ - ۱۱۹ از التهذیب ۲ ص ۸ . البته منشأ این نثار فاطمه از سالروز ازدواج حضرت زهرا و امیر المومنین (ع) است به واسطه آن روز آغازین زندگی حضرت زهرا و امیر المومنین(ع) در آسمان ها و بهشت چشم و شادی با حضور ملائکه برگزار شده بود و در آن روزشجره طوبی بر بهشتیان لؤلؤ و زبرجد و در می افشاند . پس حوریان بهشتی آن هدایا و زیورهای بهشتی را جمع آوری می کردند و می گفتند اینها نثار فاطمه دختر محمد ص است . بحار الانوار ج ۴ ص ۱۸۳ و ۱۹۱ و ج ۴۳ ص ۱۰۴ و ۱۳۹

^{۹۸} - بحار ۱۰ ص ۱۱۴ و ۴۴ ص ۲۸۷ از خصال صدوق

« همانا خداوند به زمین نگریست و ما را انتخاب نمود و گروه هایی به عنوان شیعه را برای یاری ما انتخاب نمود که با شادی ما شاد و با حزن ما محزون خواهند بود. آنها جان و مال خود را در راه ما ایثار خواهند نمود. آنها از ما و به سوی ما خواهند بود. »

سخن پایانی :

فرهنگ سازی برای شادی ایام الله همانند عید غدیر ، عید مبعث ، ۱۷ ربیع الاول و دیگر مناسبت های شاد مذهبی همانند تولد اهل بیت ، ریشه در مدیریت و سیره فرهنگی اهل بیت معصوم به ویژه پس از عاشورا دارد.

و همانگونه اشاره شد جشن تولد امام مهدی(عج) در نیمه شعبان ریشه در سیرت فرهنگی/اجتماعی امام عسکری (ع) دارد. آن گاه که در پوشش تقیه بسیار شدید هم در شهر سامرا و هم در شهر قم سبب ساز شادی شیعیان ، بنی هاشم و فقر او مستضعفان شدند.

بدین جهت است که ۹ ربیع الاول سالروز آغاز امامت آخرین امام، از همان دیر باز به عنوان آخرین غدیر امامت، به عنوان روز جشن و شادی مطرح شده است.

البته درباره اهمیت این روز یک روایتی احمد بن اسحاق قمی (همان یاور برجسته امام عسکری (ع) و امام زمان) از امام عسکری(ع) وجود دارد که گزارش می دهد که حتی امام عسکری(ع) هم این روز را پاس می داشته است.^{۹۹}

و از این روز با این اوصاف یاد کرده است که :

« روز قبولی اعمال شیعیان و دوستداران اهل بیت روز استغفار فرشتگان آسمانی بر شیعیان ... روز عید پیامبر(ص) و اهل بیت او شیعیان آنهاروز نجات از آتش می باشد ... این روز ،روز شادی روز رهایی

^{۹۹} - البته این روایت در ضمن درباره نابودی یکی از مهمترین دشمنان اهل بیت می باشد. ولی این روایت دارای ضعف های سندی و محتوایی است. ولی در عین حال به نظر می رسد شاید در جمع بین آغاز امامت امام زمان و آن موضوع بتوان چنین جمع نمود که ،چون آغاز امامت امام موعود مقدمه ظهور آن حضرت است و یکی از مهمترین کارکردهای ظهور انتقام از جریان باطل تاریخی و خصوصا سردمداران آن است، بدین جهت این روز روز نابودی دشمنان اهل بیت هم شمرده شده است.

از غم ها ، روز غدیر دوم روز برکت روز عید بزرگ خداوندی ، روز استجابت دعا روز در آوردن لباس سیاه ، روز پشیمانی ستمگران روز شادی شیعیان روز عید فطر دوم روز صدقه و زیارت مومنان روزی همانند شکفتن گل ... روزی همانند آب گوارا ... روز موعظه و عبادت است. «

۱۰۰ - بحار ۳۱ ص ۱۱۹ / از نکات جالب توجه که اضطراب حدیث را می رساند و به نظر می رسد برای اعتماد بر آن، باید تنها محکامات آن را گرفت و متشابهات آن را رها کرد اینکه ، راویان این حدیث محمد بن علاء همدانی واسطی و یحیی بن جریح بغدادی هستند. این دو عرب عراقی هستند ولی می گویند در شهر قم به دیدار احمد بن اسحاق رفتیم در حالی که دختری عرب و عراقی درب را بر ما باز کرد. پس این سه نفر عراقی هستند و می دانیم احمد بن اسحاق قمی هم این حدیث را از امام عسکری(ع) روایت می کند که ظاهرش می تواند پس از شهادت ایشان باشد و در این زمان می دانیم که احمد بن اسحاق قمی ساکن بغداد است نه قم، پس به این قرائن شاهی بر دیدار در بغداد است ولی در متن روایت تاکید شده دیدار در قم رخ داده است. و این نکته می تواند شاهد رخداد اضافه در اصل روایت باشد که در مواجهه با آن حداقل می بایست موارد یقینی را اخذ کرد.

فصل دوم : عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن :

روز نهم ربیع الاول را از منظر مبانی قرآنی و روایی و فطری که می‌نگریم، معلوم می‌گردد که این روز، عید امامت و ولایت و مهدویت است. و غدیر دوم^{۱۱}، غدیر آخرین، امتداد غدیر و پیوستگی آن است. و اگر روز غدیر خم از منظر قرآن روز اکمال و اتمام است^{۱۲}، روز نهم ربیع الاول روز اکمال و اتمام امامت امامان دوازده گانه است. چرا که در روز غدیر خم با تحقق امامت اولین امام، اصل امامت نهادینه شد. البته در غدیر مبانی نظری امامت، که در امام اول تجلی عینی یافت باعث کمال و تمام دین از جهت تئوری شد. و همین مبانی در کنار معرفت اجمالی نسبت به ۱۲ امام برای کمال دین کفایت می‌کرد. ولی کمال و تمام مصداقی و عددی خارجی و معرفت تفصیلی آن با تحقق امامت امام دوازدهم (عج) نمود و عینیت تاریخی و زمانی یافت.

پس این عید، عید حق الیقین و بلکه عین الیقین و طمأنینه و ثبات دینی شیعه بر امامت امامان ۱۲ گانه به صورت معرفت تفصیلی می‌باشد^{۱۳}.

^{۱۱} . نهم ربیع الاول هم غدیر دوم است چون در روایات از آن به عنوان «غدیر الثانی» یاد شده است. این دوم بودن به جهت اهمیت این آغاز در کنار غدیر خم است. و از سوی دیگر این دوازدهمین غدیر است، چرا که در تاریخ امامت دوازده مرتبه ۱۲ امام عهده دار امامت شده اند.

^{۱۲} - آیه سوم سوره مائده .

^{۱۳} - این سخن ناظر به این است که در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت هر گاه امام جدیدی به امامت می‌رسید برخی از افراد ضعیف الایمان دچار ریزش می‌شدند و یکی از علل این ریزش ها ناشی از این بود که در مصداق امام بعدی دچار تردید و یا وسوسه بودند. بدین جهت با انحراف خود از اصل دین کامل فاصله می‌گرفتند. و از سویی دیگر در معارف روایی ما وارد شده است که بدون اصل امامت و ولایت؛ دین کامل نیست و بدون پذیرش امامان دوازدهگانه هم دین کامل نیست و اگر کسی تا امام یازدهم بیاید و بعد توقف نماید دین او کامل نخواهد شد. در این صورت اگر گفته شود که در مسئله امامت دانستن و شناختن امامان دوازدهگانه کفایت می‌کند و شناخت تفصیلی نیاز نیست در مقام پاسخ گفته می‌شود که این مدعا در همان زمان ۲۵۰ ساله می‌توانسته صحیح باشد. چرا که در همان زمان هم به لحاظ تقیه شدید گاه حتی خواص یاران امامان نام دقیق امام بعد را نمی‌دانستند و بعضا همانند زمان شهادت امام صادق (ع) حتی خواص مخلص هم دچار تحیر اولیه می‌شدند. پس معرفت اجمالی که گهگاه با شک و تحیر است نمی‌تواند برای همیشه جایگزین معرفت کامل و تمام باشد. بدین جهت است که با تحقق امامت امام دوازدهم و تعیین یافتن ۱۲ مصداق امامت، نظریه امامت شیعه که مستند به قرآن و منابع حدیثی شیعی و سنی بود به یک

و چون نهم ربیع الاول بر اساس مجموعه قرائن عقلائی/عرفی و قرآنی و روایی عید بزرگ امامت/ولایت و مهدویت است، از دیر باز نزد علمای شیعه که برجسته ترین شیعیان در دوران غیبت کبری هستند؛ این روز به عنوان روزی ممتاز جایگاه ویژه داشته است .

در متون فقهی یکی از روزهایی که در آن غسل مستحب شمرده شده است، روز نهم ربیع الاول است و مبنای اصولی آن این است که این روز جزو اعیاد شیعه شمرده شده است. پس داخل در زیر مجموعه آن دسته از روایاتی می شود که دلالت بر استحباب غسل در هر عیدی (از جهت رجاء) دارند.

و اینک که این روز ، روز عیدی مهم است تا بدان حد که در مقام بیان اهمیت این عید با عنوان عید شادی حضرت زهرا (س)^{۱۰۴} « عید الزهرا ، فرحة الزهرا » نامیده شده است و بدان جهت نزد علمای شیعه این عید و پاسداشت آن از دیرباز جایگاه ویژه داشته است؛ پس می بایست از جهت فرهنگی/اجتماعی این عید نزد شیعیان مورد توجه باشد. خصوصاً که از یکی از ویژگی های این روز با عنوان نزع السواد^{۱۰۵} یاد شده است که به معنی زدودن لباس های سیاه و زدودن حزن ها و اندوه هاست.

سرّ این نامگذاری برای این است عید نهم ربیع الاول اولین شادی^{۱۰۶} مقدس و دینی پس طولانی ترین حزن و اندوه سالیانه شیعه است. و زمان این عید بین دو ماه محرم و صفر (از مصیبت عاشورا تا مصیبت رحلت پیامبر(ص) و شهادت امام یازدهم(ع) به مدت دو ماه و یک هفته از اول محرم تا هشتم ربیع الاول (از یک سو، و عید میلاد پیامبر(ص) (در نیمه ماه ربیع الاول)؛ قرار گرفته است که انقلاب روحانی و عرفانی و رفتاری و فرهنگی شیعیان از عزا و حزن به فرح و سرور است. و این تحول و انقلاب نه در یک حالت رها شده و اتفاقی بلکه با یک عید و جشن بسیار برجسته و امید افزا و حرکت آفرین و آینده نگر و همراه با پیوندی و مقدس با امام حیّ و حاضر صورت می گیرد.

ثبات و اطمینان رسید. بدین جهت ۹ ربیع الاول عید تمام و کمال امامت از جهت مصداقی و خارجی است که اطمینان و ثبات و یقین شیعه را به همراه داشت. البته این سخن به معنی بی هویتی و تزلزل تشیع در بستر تاریخ ۲۵۰ ساله نیست (همانگونه که برخی مستشرقین و یا افراد متأثر از آنها نوشته اند) بلکه به این معنی است که شیعه در نهم ربیع الاول از معرفت اجمالی به معرفت تفصیلی رسید.

^{۱۰۴} - این عنوان عید الزهرا برای این عید نه از آن جهت است که تصور شده است در این روز دشمنی از دشمنان اهل بیت نابود شده است چرا که هیچ گزارش تاریخی این مدعا را اثبات نمی کند بلکه از این جهت است که کانون و مبداء تمام مصائب تاریخی اهل بیت از مصائب حضرت زهرا (س) و شهادت ایشان آغاز می گردد بدین جهت است که در دعای (... نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا) بین شهادت حضرت زهرا (س) و غیبت پیوند زده شده است پس اگر روزی عید غدیر آخرین باشد همانند عید اولین شادی حضرت را در آسمان و زمین و نثار آسمانی شجره طوبی و سدره المنتهی به دنبال خواهد داشت.

^{۱۰۵} - این جمله نزع السواد در روایات برا عید غدیر و برای عید نهم ربیع الاول استفاده شده است که ممکن است معانی گوناگونی داشته باشد ولی یکی از بهترین مصادیق آن ترک کردن سیاهپوشی است رک بحار ۳۱ ص ۱۲۷ برای نهم ربیع الاول و ۸۹ ص ۳۵۴ برای عید غدیر

^{۱۰۶} - چرا که در هفته اول ربیع الاول هم رویداد شهادت امام عسکری(ع) رخ داده است و هم رویدادهای هجوم به منزل حضرت زهرا (س) که در ضمن آن شهادت حضرت محسن (ع) هم رخ داده است.

عید نهم ربیع الاول عید آغاز امامت امام موعود(عج) به معنی زیباترین طراحی و مهندسی فرهنگی برای مذهب و مکتب تشیع است. چرا که شیعه پس از دو ماه و اندی حزن مقدس برای گذشته، به جای یک شادی تاریخی(با مناسبت مهمی همانند مناسبت ۱۷ ربیع الاول) فصل تحول و انقلابش به جشن و سرور با جشن آغاز امامت حیّ و حاضر است. یعنی یفرحون لفرحنا برای شیعه پس از دو ماه یحزنون لِحزننا، با نشاط و شادی ای مقدس است که نه در قالب احیای یک امر تاریخی بلکه در پیوند آغازی است که اگرچه رویداد اولیه اش تاریخی (آغاز نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه ق) است ولی با خود بیعتی همیشگی و زنده و معنا آفرین (در بستر امامت پیوسته امام غائب) همراه دارد. تا پس از آن همه حزن تاریخی این شادی ، شادی ای واقعی و با نگاه به حال و آینده باشد.^{۱۰۷}

و از این منظر است که در اولین گام از مواجهه مومن با شادی و سرور این عید، می بایست این مواجهه بر مبنای شکر و سپاسگذاری باشد. سپاسگذاری از مکتبی که حزن هایش تاریخی، ولی آینده اش روشن و امید آفرین است. و این پیوستگی مدیریت زمان بین گذشته، آینده و حال ناشی از اعتقاد به اصل زنده امامت و ولایت است. نعمتی بزرگ که باعث پویایی مکتب حق می شود.

می گویند حس انسانی سپاسگذاری از نیکوکار، یک اصل فطری است که در سرشت و نهاد انسانی وجود دارد و می گویند هر چه نعمت ، هدیه ، خیر و نیکی ای که به آدمی می رسد بزرگتر باشد این سپاسگذاری فطری هم بیشتر فوران کرده و تلاش می کند تا خودش را بیشتر نشان دهد و بدین جهت است که آدمی وقتی نعمت های بیکران و پیوسته خداوند را می بیند همواره احساس سپاسگذاری در درونش به حق تعالی شکل خواهد گرفت .

به ضرورت عقل و فطرت و شهادت دین، نعمت معرفت و هدایت به امامت و ولایت و مهدویت؛ برترین نعمت خداوندی است. چرا که این نعمت، نعمتی است که با سعادت و کمال و رستگاری پیوسته انسان ها در هر لحظه از زمان ارتباط دارد.

^{۱۰۷} - در یک نگاه مقایسه ای این ارزش مکتب تشیع است که نه تاریخ را تعطیل کرده است همانند وهابیت (وهابیت در عین سلفی گری به جهت اعتقادات متناقض درباره شخصیت های تاریخی ناچار به تعطیلی نگرش مطالعات تاریخی شده است تا معتقدان خود را بتواند با ابزار ایمان بر دین خود استوار بدارد) و نه در تاریخ مانده است همانند تمام ادیان و مذاهب ابراهیمی که خاتمیت را به معنی پایان انسان کامل در تاریخ دانسته و بشر امروز را به حال خود رها شده می دانند در مکتب تشیع ضمن اینکه تاریخ مقدس عبرت زا و هویت آفرین وجود دارد ناظر به وجود انسان کامل در جریان پیوسته زمان هم حال و هم آینده مقدس و معنا دار و هدفمند می باشد.

بدین جهت از برترین آداب و برنامه ها در نهم ربیع الاول می بایست برنامه های شکر نعمت ولایت و مهدویت باشد.

در مقام اثبات این سیرت و فرهنگ و همچنین در مقام الگوسازی به آن می توان به فرهنگ سپاسگذاری در عید غدیر نگریست. در این روز به دلیل اهمیت نعمت ولایت است که هر سال، در سالروز اولین آغاز ولایت و امامت در تاریخ بشریت، عید غدیر توصیه بسیار به شکر و حمد و سپاس شده است.

به عنوان نمونه بخشی از اعمال روز عید غدیر چنین است:

- دو رکعت نماز سپس صد مرتبه شکر در سجده ، خواندن دعای حمد و شکر ، و دوباره به سجده رفتن و صد مرتبه الحمدالله و صد مرتبه شکرالله گفتن
- ذکر حمد و شکر نعمت ولایت در دیدار مومنان « الحمدالله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیر المومنین(ع) و الائمه المعصومین علیهم السلام »
- خواندن دعای : « الحمدالله الذی اکرنا بهذا الیوم و جعلنا من المومنین بعهدہ الینا و ...»^{۱۰۸}

و ناظر به اینکه یکی از نعمت های بزرگ نه تنها نعمت امامت است^{۱۰۹} بلکه زیستن در دوران دولت و امامت رهبران حق است،^{۱۱۰} و از آنجا که در طول تاریخ پیامبران و امامان آرزوی دیدار و زیستن زیر پرچم امام مهدی(عج) را داشتند؛^{۱۱۱} اینک که این نعمت های عظیم ولایت مهدوی و زیستن در زیر پرچم امام موعود قسمت غائب زیستان گردیده است شکر آن هم لازم است.

بدین جهت است که در داستان دیدار قمی ها با امام موعود در روزهای آغازین امامت اش ، آنها وقتی یقین به امامت آن حضرت پیدا کردند بلافاصله سجده شکر به جا آوردند .

و بدیهی است که هرگاه این نعمت در بستر تاریخ تکرار شود، تکرار در این سپاسگذاری لازم خواهد بود. همانگونه که شکر نعمت ولایت غدیر، حداقل چرخه ای سالیانه دارد.

^{۱۰۸} - ر ک : مفاتیح الجنان ، اعمال روز عید غدیر
^{۱۰۹} - به فرموده امام کاظم در آیه : و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنه / لقمان / ۲۰ / نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است . اثبات الهداة / ۲ / ۹۳ و کمال الدین / ۲ / ۳۶۹
^{۱۱۰} - در ادعیه اهلبیت همانند دعای روز عرفه سید الشهداء امام چنین می فرماید : لم تخرجنی لرافتک بی و لطفک لی و احسانک الی فی دولة ائمة الکفر (ر ک : مفاتیح الجنان / دعای امام حسین(ع) در روز عرفه)

^{۱۱۱} - امام صادق(ع) می فرماید : لو ادركته لخدمته ایام حیاتی / الغیبة / نعمانی / ۲۴۶ و امیر المومنین(ع) در ضمن خطبه ای می فرماید و اوماً ببده الی صدره شوقاً الی رویته / همان و بحار / ۵۱ / ۱۱۵

در همین جا باید یادآوری نمود که: در مقایسه بین ادوار گوناگون امامت امام غائب (عج) که شامل دوران غیبت صغری و کبری و دوران ظهور می شود، زیستن در دوران غیبت کبری (آنهم در دوره آخر الزمانی آن) شاید که با فضیلت تر باشد. چرا که در این زمان وقتی مومن با تمام هجوم ها و فتنه ها و وسوسه های باطل، بر حق استواری می ورزد از جهت ایمانی و معرفتی مقامی بس والا خواهد داشت.

پس امروز آنان که **که در دوران غیبت زیست می کنند و به احتمال زیاد در دوران طولانی هزار و چند صد ساله غیبت کبری در دوره آخر الزمانی آن می باشند**^{۱۱۲} به جهت ترکیب شدن امتحان ها و آزمایش ها در

^{۱۱۲} - به معنی سخت ترین مرحله آن از جهت مواجهه حق و باطل و به معنی رسالت سازی پیام حق از جهت رسالت زمینه سازی :

در باره جایگاه ممتاز مؤمنان دوران غیبت و آخر الزمان و پاداش منتظران و ارزش ایمان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به روایات زیر توجه فرمایید:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: « طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتِمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ »

خوشا بحال کسیکه قائم اهل بیتم را درک کند و در غیبت او پیش از ظهور بامامت او معتقد باشد با دوستانش دوست باشد و با دشمنانش دشمن او در روز قیامت از رفقای من طرف دوستی من و گرمی ترین امت من است. بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۷۲

۲- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: « يَا عَلِيُّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَتَمُّوا بِسِوَايَ عَلِيٍّ بِيَاضٍ » بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۵۵

ای علی بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگترین آنان در یقین مردمی باشند در آخر الزمان که پیغمبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند و همان بنوشته که خط سباهی است بر صفحه سفید ایمان آورده اند.

۳- امام علی علیه السلام: « أَلَا فَمَنْ تَبَتَّ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [و] لَمْ يَفْسُ قَلْبُهُ لِطَوْلِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ » هلا هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام دلش دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من با من است. بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۰۹

۴- امام سجّاد علیه السلام: « يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَ الْفَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعُنْيَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُسَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَاءَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتَنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا »

ای ابو خالد مردم زمان غیبت او که معتقد بامامت او هستند و منتظر ظهورش میباشند از مردم هر زمانی برترند زیرا خدای تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی بانها عطا کرده است که غیبت نزد آنها چون مشاهده است و آنها را در این زمان بمانند مجاهد در رکاب رسول خدا (ص) با شمشیر قرار داده است آنان بحق مخلصان و بدرستی شیعیان ما و داعیان بدین خدای عز و جل در پنهان و آشکار میباشند و فرمود انتظار فرج از بهترین اعمال است.

۵- قَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « مَنْ تَبَتَّ عَلَيَّ وَ لَا يَتَنَا فِي غَيْبَتِهِ قَائِمَنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ » بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۵

امام چهارم فرمود هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده امامت ما ثابت باشد خدای عز و جل اجر هزار شهید از شهدای بدر واحد باو عطا کند.

۶- امام باقر علیه السلام: « فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَيَّ أَمْرًا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِئُ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادِي أَمَنْتُمْ بِسِرِّي وَ صَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبْسِرُوا بِحَسَنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَ إِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَنْفِيلُ وَ عَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفُرُ وَ بِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي الْعَيْثُ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي » بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۵

خوشا بکسانی که بر امامت ما در آن زمان ثابت بمانند کمتر ثواب آنان این باشد که باری جل جلاله فریاد کند بدانها و فرماید ای بندگان و کنیزانم بسرم ایمان آوردید و بغییم تصدیق کردید مرده گیرید بثواب نیک از طرف من ای بندگان و کنیزانم براستی من از شما پذیرا شوم و از شما درگذرم و شما را بیمارزم و بشما بندگانم را از باران سیراب کنم و بلا را از آنها بگردانم اگر شما نبودید هر آینه عذابم را بر آنان نازل میکردم.

۷- امام کاظم علیه السلام: « طُوبَى لِشَيْعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُؤَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيَاءَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شَيْعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ » بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۱

کنار ثبات بر دین ورزی و ایمان و تقوا و انتظار، میتوانند در یک مقایسه تاریخی از برجسته ترین یاران جبهه حق در طول تاریخ باشند. و از زمره ان یارانی باشند که حتی از جهت فهم و عقل و قوت ایمان جلوتر از مومنان پیشین باشند^{۱۱۳}.

بدین جهت شکر نعمت ولایت امام غائب (عج) آن هم در یکی از مراحل سخت آخرالزمانی، از مهمترین وظیفه های هر مومنی می باشد. شکری که از حداقل جلوه های زبانی و یا رفتاری آن در ذکرها و عبادت های دینی و یا ادعیه و زیارات خاص مهدوی می تواند تجلی یابد.

و چون در فصل های بعدی سخن از ضرورت تجدید بیعت خواهد شد، همین جا تاکید می گردد که؛ شکر نعمت ولایت و مهدویت از منظر اصل قرآنی « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ^{۱۱۴} » باعث نهادینه شدن و تعمیق این نعمت و در حقیقت کسب توفیق برای تجدید بیعت از معبر سپاسگذاری و مهدی یآوری پیوسته خواهد شد.

سخن پایانی :

در فرهنگ شیعه ، جشن انتظار در نقطه مقابل و مکمل سوگواره عاشورا است. تا فرهنگ پیوند خورده عاشورا و انتظار تعریف گر هویت شیعی باشد . ولی امروزه تجلی جشن انتظار در جشن نیمه شعبان است که جشن میلاد امام موعود(عج) است. ولی به نظر می رسد که جشن انتظار در کنار جشن میلاد می بایست به عنوان اولویت اول به جشن نهم ربیع الاول تسری و توسعه یابد. چرا که اگر جشن میلاد موعود(عج) همانند جشن مولود پیامبر و یا ولادت حیدر و کوثر باشد، جشن نهم ربیع الاول همانند و بلکه ایینه زمانی و کمال یافته بعثت و غدیر است .

پس این جشن آن هم به پیوست حزن مقدس و طولانی دو ماه محرم و صفر، نعمتی آسمانی و بزرگ است که با اعلان امید و آینده نگری آن، حزن و اندوه پیوسته را تبدیل به شادی و سروری می کند که حرکت

فرمود خوشا بر شیعیان ما که برشته ولایت ما چسبیده اند در غیبت قائم ما و بر دوستی ما برجا هستند و از دشمنان ما بیزارند آنان از ما بمانند و ما از آنها نمانیم بتحقیق ما را بامامت پسندیده اند و ما هم آنها را بشیعه بودن پسندیدیم خوشا بر آن ها و خوشا بر آنها ایشان بخدا در روز قیامت همدرجه ما باشند.

^{۱۱۳} - به شهادت روایاتی که دلالت می کند حق تعالی چون می دانست در آخرالزمان مردمانی با عمق و دقت نظر پدیدار خواهند شد پس سوره توحید و آیات اول تا ۶ سوره حدید را نازل کرد . المیزان / ج ۱۹ ص ۱۴۷

^{۱۱۴} . ابراهیم ۷

آفرین است. جشنی زیبا و آسمانی که تا جشن های مولود پیامبر امتداد دارد تا ریشه ها و اصالت های جشن آخرین غدیر را نشان دهد.

و اینک بر ماست حال که از نعمت مکتبی و فرهنگی تام و کامل و جامع بهره مند شده ایم که به تمامی نیازهای فطری انسانی توجه نموده است و حتی حبّ و بغض های انسانی در متعای ترین شکل بر محور سرور و حزن اولیای آسمانی مدیریت نموده و کمال داده است؛ پس به شکر این نعمت عظیم بپردازیم. شکر گذاری ای که مهمترین نمود اش در احیا و نکو داشت فراگیر و اجتماعی این عید است. چرا که فرموده اند: « رحم الله من احیا امرنا »^{۱۱۵}

^{۱۱۵} - الاختصاص ص ۲۹ و بحار ۷۱ / ص ۲۲۳

فصل سوم : فرهنگ جشن و شادی :

بر مبنای نگرش اسلامی^{۱۱۶} و شیعی وقتی وجود امام (اگر چه غائب) اثبات شد و وقتی روزی بر مبنای نگرش اسلامی و شیعی روز فرح و سرور امام شد، بدیهی است که مومنان هم باید در امتداد سرور و شادی امام آن را با شادی و نشاط آفرینی احیا نمایند. خصوصاً که اگر از معصومین در پاسداشت آن روز گفتاری رسیده و یا رفتاری ثبت شده باشد.

چرا که بر طبق مبانی دینی گفتار، رفتار (سنت و سیرت) معصوم حجت است. و نه تنها قابل الگو برداری است، بلکه الگو برداری از آن واجب و لازم و شرط کمال و تعالی است. این سخن بدین معنا است که سرور و شادی امام معصوم همانگونه که از جهت تکوینی و ماورائی، نشاط و ابتهاج عوالم وجود را به همراه دارد، از جهت تشریحی (قانونی / اجتماعی و فرهنگی) می بایست این اوج شادی متعالی و مقدس در برترین انسان رشد یافته، امواجش جامعه دینداران را هم در برگیرد.

و چون این شادی مقدس و آسمانی است و شادی مقدس و دینی هندسه اش تمام ابعاد وجودی و روابط پیرامونی انسان را شامل می شود. بدین جهت جلوه شادی در عیدهایی همانند مبعث و غدیر و نهم ربیع

^{۱۱۶} - اثبات ضرورت وجود پیوسته امامت پس از خاتمیت در کنار روش انسان شناسی فطری و ادله عقلی، به واسطه ادله نقلی قرآنی (همانند استدلال به سوره قدر) و روایی (همانند روایت من مات و لم یعرف اما زمانه) بر طبق منابع شیعی و سنی خواهد بود

الاول دامنه تجلی اش در وجود مومنان تحت تاثیر روابط چهارگانه هر انسان (با خود ، خداوند ، انسان ها ، طبیعت و جهان هستی) چنین خواهد بود :

با خود	آرایش و پیرایش و جذّاب سازی ظاهر و باطن و اشکار شدن در بهترین سیرت و صورت بر مبنای اصول زندگی دینی و تعالیم آن
با خداوند	شکر نعمت ولایت و توکلی با عبادات نشاط آفرین، همانند سجده و نماز شکر و تلاوت قرآن و روزه
با انسان ها	با ولیّ صاحب مناسبت : - ابراز مودت و محبت با زیارت - تجدید عهد و پیمان - هدیه تلاوت قرآن و دیگر عبادات - صدقه از طرف معصوم - احیا و پاسداشت اجتماعی یادکرد معصوم در آن روز
	با خانواده و بستگان : اقدام به فراگیر ترین فضای شادی سازی در خانه و برگزاری جشن خانوادگی
	با دوستان و مومنان : - اهتمام در به اوج رساندن حقوق ایمانی و شهروندی بر مبنای ایثار و انفاق جهت ترویج روحیه شادی و نشاط اجتماعی به هدف ایجاد جاذبه برای معصوم - همیاری در احیای جشن اجتماعی با مشارکت دیگر مومنان (هیئت)
با طبیعت	حضور با نشاط با خانواده و یا مومنان و درچارچوب حریم ها و حرمت ها جهت روحیه گیری از برکت طبیعتِ تسییح گو

انچه بیان شد، سیرت عمومی فرهنگ اسلامی برای روزهای جشن و شادی است. و برای عیدی همانند عید نهم ربیع الاول اگر چه به علت قرار گرفتن این عید در نقطه پایانی دوران حضور امامان ممکن است دستور العمل های خاص دینی از اهلیت به ما نرسیده نباشد، ولی بیشتر دستورالعمل های کلی در روزهای عید و جشن ، شامل این روز هم می گردد. و چون نهم ربیع الاول عصاره تمامی عید ها و روز های شاد اهلبتی است می تواند آینه تمام فرهنگ های عمومی شاد آنها باشد.

شاهد نشاط و شادی آور بودن این روز به صورت ویژه این است که، در دیدار ایرانی ها با امام زیبایی ها؛ آنها لحظاتی شاد و زیبا و آرامش بخش را از لحظه دیدار گزارش کرده اند .

در همین زمینه مناسب است دو نکته درباره شخصیت و سیرت امام غائب یادآوری گردد تا در مقام تاکید بر عید بودن این روز و طراحی فرهنگ جشن و شادی عملکرد بهتری داشته باشیم. بدینگونه که :

الف : امام غائب، امام زیبایی ها :

یک دسته از معارف مهدوی که نقش بسزایی در بازشناسی شخصیت و سیرت امام غائب (ناظر به غائب بودنش) دارد، تمثیلات و تشبی های مهدوی است. آیا می دانید در آیات قرآنی، احادیث ، ادعیه و زیارات مهدوی ، امام غائب(عج) به سه دسته از مظاهر طبیعت تشبیه شده است. تا بر اساس قانون ادبی (تشبیه معقول و یا ناپیدا به امر محسوس و پیدا) واقعیت و حقیقت آن بهتر و بیشتر شناخته شود. آن چهار دسته عبارتند از :

- هر آنچه در طبیعت منشأ نور و روشنایی باشد؛ همانند خورشید و ستاره و ماه و صبح و طلوع
- هر آنچه در طبیعت تجسم زیبایی ها باشد. همانند: گل های گوناگون ، فضا و طبیعت بهاری ، گلستان
- هر آنچه در طبیعت مایه نشاط و زندگی و حیات باشد. همانند: چشمه و دریا و آب گوارا
- هر آنچه در طبیعت مایه آرامش و پناه باشد. همانند: کشتی و غار و ...

کارکرد وسیع این تشبیه ها ، زیبا سازی شخصیت و سیرت امام و معارف و فرهنگ های مرتبط با آن است. بدین جهت در مقام تلاش برای پاسداشت و احیای امر آن حضرت استفاده از این روش می تواند در زیبا سازی و توسعه و فرهنگ جشن شادی سالروز آغاز امامت امام زیبایی ها یاری فراوان رساند .

ب : امام غائب ، امام مهربانی ها :

غیبت به معنی چنهان زیستی امام غائب است. ولی به معنی دورافتادگی همیشگی آن حضرت از جوامع بشری و خصوصا جوامع شیعه نخواهد بود.^{۱۱۷} به ویژه که در آموزه مهدوی بر رسیدگی پیوسته امام غائب حداقل نسبت به شیعیانش تاکید شده است. بدین جهت یکی از پیامدهای مسئله غیبت، پیدایش مسئله تشرف و دیداری پیش بینی نشده است که با خواست و مدیریت امام غائب، برای فرد یا گروهی خاص صورت می گیرد. و می توان گفت اولین تجربه تشرف البته با کمی تفاوت از معنای آن نسبت به دوران غیبت کبری، همان تشرف قمی ها در روزهای آغازین امامت امام زمان (عج) با ایشان می باشد.

با مطالعه تحلیلی و زیبا شناختی اکثر تشرف های قابل اطمینان می توان به نکته ای جالب دست یافت. در اکثر قریب به اتفاق این تشرف ها لحظه، صحنه (وضعیت و شرایط مکانی) و حالت مشرف شدگان تغییر و تحولی تام و تمام می یابد. و در یک کلام همه آنها تشرف را لحظه ای بهاری توصیف می نمایند. تحولی که بازتابش بر مشرف شدگان ترکیبی از لذت، معنویت و آرامش و طمأنینه و یقین و رضایت است.

در نتیجه:

وقتی امام مهربانی ها در ارتباطی پیوسته با مومنان است، و در صورت تجلی و تشرف در نهایت زیبایی و جاذبه است؛ این نکات و موارد بدین معنا است که شیعیان هم در توجهی کامل به سوی امام خود باید باشند. و حداقل در فرصت مناسبت های شاد مرتبط به حضرت، مبنای فرهنگ جشن و شادی در سالروز جشنی همانند جشن آغاز امامت امام زمان می بایست به عنوان نمونه، نشانی از همانندی با لحظه های زیبای تشرف و با توصیف های زیبا شناختی مثال ها و تمثیل های مهدوی داشته باشد. تا در نتیجه برقراری سنخیت و شباهت بین رابطه منتظر با امام با رابطه امام با مومنان منتظر؛ یک رابطه دو سویه بین امام و حضرت شکل گیرد.^{۱۱۸} تا در نهایت مومن در این روز شامل آن دسته روایات بگردد که می فرماید: تلاش

^{۱۱۷} . رک : درسنامه مهدویت (۲) ص ۳۲

^{۱۱۸} . این سخن بدین معناست که رابطه از سوی حضرت همواره در اوج مهر و زیبایی است. ولی اگر از سوی منتظران ادعای بدون تجلی عینی باشد، باعث مهجوریت و خواهد شد.

کنید که زینت ما اهل بیت باشید و تلاش کنید که این زیبایی و زینت گری به جای زبان و ادعا با سلوک رفتار و فرهنگ شما باشد تا برای دیگر مردم جاذبه آفرین باشد.^{۱۱۹}

در اینجا مناسب است در ترکیب مهر و زیبایی امام غائب، نمونه از روش های زیباشناختی معرفی شخصیت آن حضرت ارائه گردد:

شخصیت شناسی امام بر اساس دسته ای از گل های زیبا و معطر

گل ها	کارکرد معنایی آن برای امام زیبایی ها
گل نرگس	بیانگر شخصیت نسبی و مادر پاک و مطهر آن حضرت.
گل محمدی	بیانگر جد (پدر بزرگ) معصوم ایشان و برترین و زیباترین انسان در جهان هستی.
گل یاس	بیانگر حضرت زهرا آئینه تمام نمای پیامبر و اسوه و مقتدای امام زمان.
گل مریم	بیانگر بهترین یار و یاور امام (در دوران ظهور که حضرت عیسی بن مریم است)
گل همیشه بهار	از این جهت که امام وجودش و حضورش همیشه بهاری است (چرا که از یک سو هدیه دهنده بهار در آینده به عالمیان است یعنی ربیع الانام می باشد، و از سویی دیگر در تشرفات غالباً صحنه های حضور را بهاری و زیبا توصیف کرده اند؛ بدین جهت امام نه تنها ارمغان بهاری ماندگار در آینده است، بلکه هم اینک هم حتی در دوران غیبت وجودش و محضرش هر جا که باشد هم بهاری است).
گل شب بو	آنها که شبها محضرش مشرف شده اند از عطر و روشنایی وجودش گفته اند.
گلستان بهار	امام را در زیارتش چنین خوانده اند: السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام.
گل آفتاب گردان	اگر او کلکسیوني از گل های زیبا و خوشبو و ارمغان بخش گلستان است دوستدارانش هم همانند گل آفتاب گردان می بایست همیشه چشم به سوي خورشید داشته باشند.

^{۱۱۹} - از امام صادق: علیک بتقوی الله... و حسن الخلق و حسن الجوار و کونوا دعاء الی انفسکم بغیر السنتم و کونوا زینا لنا.... ، الکافی ۲/ ۷۷ و بحار الانوار ۴۷/ ۲۹۹

سخن پایانی :

برای امام زمان (عج) سه روز جشن است. روز تولد ، روز آغاز امامت ، روز ظهور که هنوز نیامده و نامعلوم است. از دو روزی که آمده است، روز تولدش دارای فرهنگ جشن و شادی گسترده ای در میان شیعیان شده است. ولی روز آغاز امامت اش از جهت معرفت ، محبت و ابراز مودت ؛ مهجور و غریب مانده است. و غربت این روز می تواند باعث گسترش و امتداد فضای غیبت شود. در حالی که یادکرد این روز به معنی احیاء و نشر زیبایی های امام موعود و منجی بشریت است . جشنی که مایه آرامش خود و اطرافیان و باعث جاذبه آفرینی برای فطرت های بیدار خواهد بود. پس اگر جشن نیمه شعبان جشن تولد امید است، جشن نهم ربیع جشن اقدام برای زیبایی آفرینی و تلاش برای پیوند با زیبایی ها یعنی جشن عهد و پیمان و بیعت با اما زیبایی هاست .

فصل چهارم: جشن بیعت ، جشن استواری بر انتظار :

می گفت : مذهب تشیع ، تنها مذهبی است که با انتظار و بلکه با نوعی تعلق و رابطه پیوسته با انسان کامل پیوند خورده است .

گفتم : یعنی می خواهی بگویی انتظار شیعه حتی پیش از تولد امام مهدی (عج) بوده است ؟
گفت : حتی بعد از ظهورش .

گفتم : مگر با وجود ظهورش انتظار معنا دارد ؟ می گویند با ظهورش حداقل این یک کلمه از فرهنگ لغت ها حذف خواهد شد .

گفت : انتظار ظهورش بله ، ولی انتظار و تعلق تو به او برای کمال و هدایت پیوسته ، هیچگاه
گفتم : بیشتر توضیح بده

گفت : برای چی منتظر او هستی ؟ برای اینکه بیاید . فقط همین و یا اینکه بیاید که ...

گفتم : بیاید تا از معبر توحید و عبودیت به عدالت برسیم

گفت : یعنی وقتی به عدالت رسیدیم دیگر انتظار و نیاز ما به او تمام می شود؟ نه .

گفتم : ... راستی آیا وقتی به عدالت رسیدیم دوران ظهور خیلی زود پایان می پذیرد؟^{۱۲۰}

گفت : در فرهنگ مهدوی شیعی، ظهور تازه مقدمه دوران رجعت است که خود دورانی بس طولانی و درخشان است. و گفت: اصلا می دانی چرا پس از ظهور باید رجعت باشد؟

گفتم : شاید برای اینکه ... و گفتم : جان سخن را بگو لطفا

گفت : کمال انسانی بی انتهاست چون روح آدمی آسمانی است. البته روح در کالبد زمینی ناچار به پذیرش برخی محدودیت ها است. ولی با این وجود زمینه کمال او بسیار است.

هدف جریان حق از زمان هبوط هم تحقق بهشتی زمینی است. تا در بستر آن و در یک روند تدریجی (که اقتضای زندگی زمینی است) زمینه برای کمال پیوسته و مستمر بشر بر روی زمین فراهم شود. و بدین جهت است که با آمدن پیامبر (بعثت) و یا امام (غدیر و ظهور) و ابلاغ و یا اجرای اولیه دین جریان حق نه تنها به پایان نمی رسد، بلکه این تازه آغاز راه سیر و سلوک به سوی کمال و تعالی است. بدین جهت است که ظهور، (همانند غیبت صغری که برزخ و بستر ساز دوره غیبت کبری بود) بستر ساز دوره رجعت است. تا در این دوران بر بنیان بهشت ظهور کمال و تعالی پیوسته انسان ها در افق بلند مدت زمانی و فضای پیوسته بهشتی محقق شود. تا هر فرد مومن تا انتهای فرصت رشد زمینی خود را تجربه نماید.

گفتم : یعنی انتظار اصلی ثابت در مکتب و جریان تاریخی حق است. چه در دوران پیامبران و چه در دوران حضور امامان و چه در دوران غیبت و حتی در دوران ظهور و رجعت؟

گفت : بله، انتظار به معنی ضرورت برقراری پیوندی پیوسته بین انسان کامل (معصوم^{۱۲۱}) و انسان کمال جوست. پیوندی که از هر دو طرف هیچگاه به انتها نرسیده و قطع نخواهد شد.

گفتم : یعنی در نگاه شیعی به مسئله کمال ، انسان هیچگاه نباید دچار مغالطه رسیدن به نقطه نهائی و خط پایان شده و شعار احساس بی نیازی از معصوم سر دهد و اگر چنین کند ضربه اش متوجه خودش خواهد بود که در مسیر کمال جوئی خودش دچار سکنه ، توقف ، رکود و عقب ماندگی می شود.

^{۱۲۰} - بر مبنای همین نگاه سطحی به ظهور است که در نگاه اهل سنت ظهور مهدی موعود امری نه چندان مهم و در حد خلافتی اسلامی و جهانی است که هدفش برپاداشتن عدل است و هنگامی که این هدف محقق شد رسالت مهدی پایان یافته و جهان خیلی زود به آخر می رسد و نوبت قیامت می شود .

^{۱۲۱} - در فرهنگ کلامی و عرفانی شیعه انسان کامل به اقتضای عصمت و علم غیب تمامی آنچه را که دیگر انسان ها برای کمال بدان نیاز دارند، دارد ولی چون جهان هستی آفریده حق تعالی است و او خود بی انتهاست. بدین جهت خود انسان کامل هم همواره در حال رشد و تعالی فزاینده است و بدیهی است تعالی پیوسته او معبر کمال جوئی پیوسته انسان های هدایت یافته خواهد شد.

گفت: این در صورتی است که به مراتبی از کمال رسیده باشد ولی اگر از کمال آن هم در بستر تاریخی و اجتماعی فقط به ظواهر و شعارهای آن رسیده باشد و دچار این توهم شود، آنگاه است که مصیبت بزرگ رخ خواهد داد و این مغالطه منافقین پس از رحلت پیامبر بود که گفتند: پس از رحلت، نه دیگر انسان کاملی هست نه تصور بیشتری و با کیفیت بالاتری از کمال وجود دارد. پس مدعی شدند که جامعه اسلامی با دین حداقلی، حاکمیت دینداران و حکومتی سکولار (در فضای روزمرگی تاریخی) برای ما بس است.

گفتم: ولی در تاریخ تشیع حتی در شخصیتی مثل سلمان می بینیم که پس از مدتی علم آموزی از نزد معصومین مهاجرت کرده اند؟

گفت: در تاریخ امامان شیعه، خصوصاً پس از دوران امام صادق(ع) وقت شاگردان به مرتبه ای از علم و معرفت می رسیدند که در مقام نشر آن می بایست به سرزمین های خود و یا مناطق دیگر مهاجرت می کردند (چون هرکسی یک رسالت دو سویه دارد اول قرار دادن خود در مسیر هدایت و سپس تلاش برای نشر دین)، ولی این هجرت به معنی احساس بی نیازی از امام نبوده و آنها خود مستقیم و یا از طریق نماینده امام^{۱۲۲} در ارتباطی پیوسته با امام بودند. ضمن اینکه از امام کلیات مسیر را هم فرا می گرفتند.

گفتم: یعنی آنها پیوسته با امامان در تمام بودند؟ ولی چگونه؟

گفت: در قالب سفر حج، اکثر وکلا هر سال و یا حداقل دو سه سال یک مرتبه به مدینه می رفتند و در پوشش سفر حج و به دور از چشم جاسوس های خلفا با امام در تماس بودند. در این سفرها ضمن گرفتن دانش جدید، عرضه پرسش ها و شبهه ها و گرفتن جواب ها، گهگاه به عرضه عقاید و اندیشه و نگرش خود هم می پرداختند.^{۱۲۳} و بدینگونه بود که نظام اعتقادی و فقهی (رفتاری) شیعه در بستر ۲۵۰ سال مدیریت و تربیت پیوسته امامان شکل گرفت.

گفتم ک ولی امروز که امام غائبه؟ و نه امکان دیداری؟ نه امکان بیعتی؟ و نه امکان عرضه عقاید و اعمالی؟

^{۱۲۲} - در قالب وکیل هایی که امامان برای هر منطقه معرفی می کردند تا رابطه پیوسته بین امام و مردم باشند. به این نظام و سیستم بر قراری ارتباط اجتماعی علمی و فرهنگی پیوسته در تاریخ، سازمان وکالت گفت می شد. در این زمینه ر ک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، نوشته رضا جباری.

^{۱۲۳} - همانند عرضه عقاید عبدالعظیم حسنی بر محضر امام هادی (ع)

گفت: عجب سخنی گفتمی و عجب تصویری از غیبت داری^{۱۲۴}؟ خود امام غائب فرموده: « إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِنَّا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ... »^{۱۲۵} و گفت: در این زیارت آل یس که امام سفارش خواندندش را فرموده، دو بخش کلی دارد. بخش اول شخصیت شناسی معنوی و عبادی و علمی و اجتماعی امام غائبی است که قصد توجه و عرض ادب به او را داری. و بخش دومش همانند صحنه حضور عبدالعظیم حسنی نزد امام هادی (ع) است. چرا که داری مجموعه اعتقادی ات را به امامت ارائه عرضه می کنی و ثبات قدم خودت را نشان می دهی. پس عید نهم ربیع الاول در حقیقت عید و شادی منتظران است از این جهت که خداوند به آنها توفیق ثبات عقیده و استواری بر انتظار داده و آنها یک سال دیگر را بر ولایت آن حضرت سپری کرده و تعهد مهدی باوری و مهدی زیستی و مهدی یابوری برای یک سال دیگر خواهند داد.^{۱۲۶}

سخن پایانی :

نهم ربیع الاول روزی ویژه و بلکه روز عید قرار داده شده است، تا هر ساله این روز یادآور بیعت های گذشته و پیوسته شیعیان با امامان معصوم باشد. و هر ساله به شیعیان یادآوری نماید که تشیع به معنی تعریف پیوندی مستمر و همیشگی با ولی معصوم در هر دوره و زمانی است. و معنی این انتظار و پیوند ، فاصله گرفتن از احساس کاذب بی نیازی در فرایند کمال جوئی در مسیر دین ورزی است.

^{۱۲۴} . خَرَجَ تَوَجُّعٌ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ الْمَسَائِلِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقُلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْعَقَّةِ فَمَا تُغْنِ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا ؛ بحار الأنوار، المجلسي ج ۵۳ ص ۱۷۱ باب ۳۱ ما خرج من توقعاته

^{۱۲۵} . الإحتجاج، الطبرسي ۲ ص ۴۹۳

^{۱۲۶} اللَّهُمَّ فَتَبَيَّنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيَنَّ قَلْبِي لَوْلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبَيَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ ؛ كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ص ۵۱۲ باب ذكر التوقعات الواردة عن القائم ع

بدین جهت است که حتی عید نهم ربیع الاول از جهت تاکید بر مسئله بیعت است. بیعتی که در آغاز غیبت صغری، تجلی و نمود آن در بیعت شیعیان با نایب اول امام غائب خود را نشان داد. و در غیبت کبری تاکید بر مسئله نیابت عامه و مرجعیت و ولایت فقیه هم دارد.

و معنی این تاکید این است که در سبک زندگی شیعی، هر ساله شیعیان حداقل^{۱۲۷} برای یک مرتبه هم که شده می بایست با رهبران و مراجع علمی ایشان تماس برقرار نمایند و ضمن آسیب شناسی نگرش و کنش زندگی خود به بروز سازی آن یاری رسانند، تا روند رو به رشد و تاریخی جامعه حق به سوی زمینه سازی و بستر سازی ظهور کند نگردد.

پس عید نهم ربیع الاول، یادآور بیعت و بلکه سطوح و لایه های گوناگون بیعت و ضرورت تجدید بیعت در هر سال؛ هم نسبت با امام و هم نسبت با نایبان ایشان است. چرا که بیعت و تجدید بیعت همواره یکی از ارزش های دین اسلام و مکتب تشیع در طول تاریخ اسلام بوده است.

^{۱۲۷} - هر ساله حداقل یک مرتبه بدان جهت که در شریعت و فقه اسلامی واجباتی همانند روزه و حج و خمس است که دوره ای سالیانه دارند و در مثل خمس این واجب در هر سال محاسبه زندگی اقتصادی می بایست در پیوند با مرجع تقلید انجام گیرد.

فصل پنجم : بیعت در گذر تاریخ

با بعثت پیامبر و ظهور اسلام در مکه، در آغاز مسلمانان با گفتن شهادتین اسلام می آوردند و به انجام مناسک ساده و اولیه اسلام متعهد می شدند. در طول ۱۳ سال دعوت پیامبر اسلام در مکه مسلمانی جز ایمان و اعمالی اندک نبود و مسلمانان گروهی دیندار برگرد پیامبر ولی با کمترین هویت اجتماعی مشخص بودند.

ولی وقتی عده ای از مردم مدینه (یثرب) به مکه آمدند و به پیامبر ایمان آوردند و اسلام حرکت خود را به سوی جامعه سازی و حکومت آغاز کرد؛ اینجا بود که مسئله بیعت به عنوان یکی از احکام اجتماعی و از اولین احکام سیاسی خود را نشان داد.

بیعت به معنی دست دادن در مقام عهد و پیمان بود^{۱۲۸} و بدین معنا بود که فرد مسلمان ولایت پیامبر را بر خود می پذیرفت.^{۱۲۹} چرا که او را انسان کامل و متصل به غیب می دانستند که می تواند او را به بالاترین مراتب کمال و سعادت برساند. و به اقتضای این ولایت پذیری، که معنی آن مطالبه تمامی برنامه های کمال و سعادت در تمامی حوزه های فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی بود؛ مسلمانان براساس قانون حقوق

۱. لسان العرب ۲۶/۸
۲. احزاب: ۶

متقابل؛ متعهد می شدند که در مقام پذیرش برنامه کمال و یا یآوری و همراهی با انسان کامل، لحظه ای غفلت و سستی و یا مخالفت و تخلف نداشته باشد. و بدیگانه بود که لحظه بیعت، لحظه ای مهم و تاریخی هم برای ولیّ معصوم و هم برای مؤمنان بود.

چرا که از ناحیه انسانی که ایمان می آورد، تحولی بنیادین و فراگیر در زندگی اش آغاز می گردید. و در حقیقت بیعت او و اسلام و ایمان او؛ تولدی دوباره بر ایش بود. و از سوی ولیّ معصوم، بیعت هر چه فراگیر تر و راسخ تر می بود او را به جامعه سازی برای حق و یا جهانی سازی آن یاری می رساند. بدین جهت است که در تاریخ اسلام همواره یکی از نقاط عطف و روز های حساس؛ سالروز بیعت های تاریخی است. گزارش بیعت های تاریخی صدر اسلام (بیعت های بر حق)^{۱۳۰} چنین است:

نام بیعت	سال	طرفین بیعت
بیعت اول مردم مدینه	۱۱ بعثت	۶ نفر از مردم مدینه برای اولین مرتبه با پیامبر بیعت کردند
بیعت عقبه اول	۱۲ بعثت	پیامبر و ۱۲ نفر از مردم مدینه
بیعت عقبه دوم	۱۳ بعثت	پیامبر و ۷۳ نفر از مردم مدینه (۲ نفر از آنها زن بودند)
بیعت مردم در مکه	۵۸ ق.ه	پیامبر و تازه مسلمانان مکه (طلاقاً آزاد شده های مشرک مکه که به ظاهر اسلام آوردند)
بیعت غدیر	۱۰ ق.ه	امیر المؤمنین و صحابه (زیر نظر پیامبر)
بیعت خلافت امیر المؤمنین (ع)	۳۵ ق.ه	امیر المؤمنین به عنوان خلیفه چهارم و مردم مدینه و شهر های اسلامی همانند کوفه و بصره و مصر
بیعت خلافت با امام حسن (ع)	۴۰ ق.ه	امام مجتبی و مردم کوفه
بیعت با سید الشهداء (ع)	عاشورا ۶۱ ق.ه	سید الشهداء و یارانش در شب عاشوراء
بیعت ولایتعهدی امام رضا (ع)	۲۰۱ ق.ه	امام رضا (ع) و مسلمانان آن زمان در مناطق تحت حکومت مأمون عباسی

۳. منظور بیعت با پیامبر و امامان معصوم می باشد. و گرنه تاریخ صدر اسلام آکنده از بیعت گیری برای خلفاء و مسئله بیعت با ولیعهد خلفاء است که چون در دسته بیعت با باطل قرار می گیرد از دایره بحث خارج است.

البته در اینجا یاد آوری می گردد که در این فهرست فقط بیعت هایی ذکر شده اند که در تاریخ از آنها با عنوان بیعت ذکر شده است که بر همان رسم قدیم با دست دادن صورت می گرفت. ولی مصادیق اجتماعی بیعت از نگاه رفتار شناسی سیاسی می تواند فراگیرتر باشد. همانند هجرت پیامبر به مدینه و استقبال با شکوه اکثریت قریب به اتفاق مردم مدینه از پیامبر که خود نوعی بیعت (و یا تجدید بیعت به علت بیعت اولیه مردم مدینه با نماینده پیامبر در مدینه، مصعب بن عمیر) بود.

و با این هجرت بود که اسلام به مرحله جامعه سازی و حکومت سازی وارد شد. و بدیهی بود که این رویداد با مقابله شدید و گسترده جریان ها و جوامع باطل روبه رو خواهد شد. و مواجهه حق و باطل آغاز خواهد گردید.

و در این مواجهه گاه پیش می آمد که جبهه حق یا در شرایط دشوار قرار می گرفت و یا گاه نیازمند ابراز قدرت سیاسی/اجتماعی و بعضاً نظامی بود؛ و اینجا بود که مفهومی سیاسی با عنوان تجدید بیعت شکل می گرفت. تاریخ اسلام در کنار بیعت ها، شاهد تجدید بیعت ها هم بوده است همانند:

نام بیعت	سال	دو طرف بیعت
بیعت رضوان	۶ ه.ق	به هنگام صلح حدیبیه و در میانه راه مکه و مدینه بین پیامبر و صحابه
تجدید بیعت با امیر المؤمنین	۳۷ ه.ق	بین امیر المؤمنین و شیعیان راستین آن حضرت در کوفه، پس از جنگ کوفه و بازگشت به کوفه و آغاز نافرمانی خوارج که باعث ایجاد تفرقه و پراکندگی در شهر کوفه شده بود

از دیگر موارد تجدید بیعت و یا تحکیم بیعت و یا موارد شبیه آن، نمونه های زیر است:

- تجدید بیعت صحابه با پیامبر در موقعیت های رزمی حساس و خاص، همانند رویداد های شب و روز فتح مکه که یاران پیامبر با رفتار های گوناگون، ارادت خود را به پیامبر در برابر ابو سفیان به نمایش می گذاشتند.

- تجدید بیعت ابو ایوب انصاری و جمعی از انصار در کوفه با امام علی (ع) با عنوان امام و امیر المؤمنین و خلیفه برحق و بلافصل پیامبر که با هدف احیا و یادآوری غدیر خم حروت گرفت^{۱۳۱}.
- تجدید بیعت خواص یاران و شیعیان امیر المؤمنین با ایشان در کوفه با عنوان «شرطه الخمیس»

غرض از ذکر این بیعت ها و تجدید این بیعت ها این است که تاکید شود که دین اسلام در مقام دین خاتم، هدفش ایجاد جامعه جهانی ظهور بر محوریت عبودیت و عدالت است. و بدیهی است این هدف بدون حرکت از مسیر جامعه سازی دینی و رهبری و حاکمیت سیاسی معصوم و یآوری مومنان محقق نخواهد شد.

ولازمه این امر ولایت پذیری مطلق و تام و تمام مومنان از معصومان است^{۱۳۲} تا حرکت تاریخ به سوی آن هدف نهائی محقق شود. و چون هدف نهائی یکی بیشتر نیست و در پایان تاریخ و آینده جهان قرار دارد ولی امامان متعدد هستند پس مسئله بیعت و تجدید بیعت تبدیل به یک فرایند تکرار شونده در مکتب حق می گردد. و این برخلاف نگاه اهل سنت است. چرا که در نگرش آنها مسئله بیعت، یک اتفاق تاریخی آنهاست برای یکبار بوده است.

ولی در نگرش شیعی با آغاز هر امامت و ولایت معصومی، می بایست اصل بیعت تکرار گردد و در کنار آن در شرایط ویژه این بیعت باید تجدید و تاکید و تکرار هم شود. همانگونه که این تجدید بیعت رفتاری، سیره و منش شیعیان در دوران ۲۵۰ ساله حضور امامان شیعه بود.^{۱۳۳}

بدین جهت امروزه هم شیعیان باید این سنت و سیره تجدید بیعت را فراگیر سازند. و بهترین فرصت برای این تجدید بیعت، باز سازی این بیعت در سالروز آغاز بیعت تاریخی شیعیان و ایرانیان و قمی ها در آغاز امامت امام زمان با ایشان است.

۴. اثبات الهدی ۲۷۲/۳ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۲۰۸/۳.

۵. منشأ این ادعا استفاده ۱۲ مرتبه فعل امر اطیعوا به صورت مطلق نسبت به پیامبر اسلام آن است.^{۱۳۳} و همانگونه که بیان شد در آن زمان به علت دوری راه ها و همچنین غلبه حاکمیت های باطل، این تجدید بیعت و عرضه عقائد و اعمال غالباً در زمان سفر حج و در پوشش آن انجام می شد. و در فرهنگ روایی شیعه هم احادیثی وجود دارد که فلسفه وجود حج این است که هر ساله مسلمانان در قالب اجتماع عظیم حج با امام زمان خود بیعت کنند و گرنه از حج جز طواف سنگ ها قسمت شان خواهد شد.
آدرس: جرعهای از صهبای حج؛ ص ۵۱ از؛ بحار، ج ۶۵، ص ۸۷

و با مشاهده تاکید ویژه امامان نسبت به احیای غدیر خم و و سفارش شیعیان به حضور در کنار بارگاه علوی در این روز، و یا اهتمام به حضور شیعیان در روز عاشورا و یا خصوصا در روز اربعین در کربلا که به معنی بیعت با سید الشهداء است؛ معلوم می‌گردد که بیعت و تجدید بیعت با امام غائب هم می‌تواند مورد عنایت امام غائب باشد. و چون امام زنده اما غائب است. پس با این غیبت، مکان بیعت به جای اختصاص به مکانی خاص به وسعت تمامی جغرافیای شیعیان خواهد بود. البته زمانش می‌تواند اختصاص به روزنهم ربیع الاول یابد. تا در این روز در جای جای جغرافیای شیعه شاهد تجدید بیعت شیعیانی با امام غائب باشد. بیعتی که می‌تواند در رفتارهایی دینی/اجتماعی و فرهنگی گوناگونی تجلی یابد. و اگر چنین شد، این روز در نهایت می‌تواند در گستره جهانی تبدیل به، سالروز بیعت جهانی بیعت با منجی و موعود؛ نام بگیرد.

سخن پایانی

در کلام و عرفان اسلامی اثبات شده است که جهان هستی چون فقر محض است، بدین جهت در وجود پیوسته و حیات لحظه به لحظه خود نیاز به فیض پیوسته از سوی آفریدگار است. ولایت ولیّ معصوم بر انسان ها هم مانند این رابطه ناشی از رابطه «انسان کامل و انسان کمال جو» است، که پیوندی مستمر را بین امام و مومن اثبات می‌کند.^{۱۳۴} بدین جهت ولایت امام زمان (عج) منحصر در یک بیعت تاریخی/اجتماعی که در آغازین روز های امامت اش رخ داده است، نیست.

بلکه برای هر انسانی در سن بلوغ و آغاز تکلیف، آغاز بیعت او با امام غائب اش خواهد بود. و در هر فردی که شیعه نبوده و مومن میشود، آغاز تحول ایمانی و استبصار او هم زمان بیعت گری او با امام غائب است. تا تشیع و امام باوری در او شکل گیرد. و هر دوی این بیعت ها به اقتضای ولایت پذیری

۶. نظر به اینکه ولایت ولیّ معصوم در امتداد ولایت حق تعالی است، و همانگونه که ولایت تکوینی و تشریحی خداوند پیوسته است؛ ولایت های ولیّ معصوم هم پیوسته خواهد بود.

پیوسته نسبت به امام معصوم و غائب، ضرورت تجدید بیعت هماره را تعریف و مطالبه می کند. و برای این تجدید بیعت روزی شایسته تر و مناسب تر از سالروز نهم ربیع الاول نیست.

فصل ششم : نهم ربیع الاول؛ عید تجدید بیعت

در تاریخ حق و باطل، آسیب های گرفتار شدن در بیعت تاریخی و به روز نساختن آن و یا بیعت فراموشی و یا بیعت شکنی؛ از عوامل تبدیل جشن های بیعت به سوگواره های غربت و مهجوریت بوده است. و مهمترین دلیل رخداد این آسیب از آنجا ناشی می شده است، که بر مبنای فلسفه تاریخ مکتب حق تاریخ را بین هبوط و ظهور و با هدف نهائی می بیند. و چون چنین است، جامعه حق تحت رهبری ولیّ معصوم هر زمان می بایست حرکتی پیوسته و تعریف شده و روبه جلو را برای خود طراحی کند. و در این حرکت، هماهنگ با پیشرفت زمان و تجربه و تمدن و دانش بشری، جامعه حق باید بر مبنای زمان شناسی؛ روز آمدی پیوسته را در دستور کار خود قرار دهد.

پیش شرط روز آمدی برای رهروان مکتب حق، حرکت در مسیر ولیّ معصوم؛ بدون و بدور از هیچگونه تقدم (پیش گرفتن) و یا تاخر (عقب افتادن) و یا درجاذگی است.

و اینجا است که استواری، ثبات قدم و استقامت بر بیعت تبدیل به یکی از دشوار ترین مسئولیت های دیندار می گردد. نگاهی آماری به تجربه تاریخی جوامع حق نشان می دهد که در مسیر استواری بر بیعت ها؛ متاسفانه ریزش ها از جبهه حق و خروج از جبهه سفید و رفتن به سوی جریان سیاه و یا تبدیل شدن به جریان خاکستری، آسیب گروه فراوانی از دینداران تاریخی بوده است.^{۱۳۵}

^{۱۳۵} . دعای ندبه از ادعیه مهدوی مهمترین پیامش آسیب شناسی موضع گیری اکثریت مردمان در گذشته و حال در دین باوری است. اکثریتی که با دین گریز و یا بیعت شکن بودند.

ناظر به این بحران تاریخی در جبهه دینداری، و آن مسئولیت سخت روز آمد سازی پیوند با معصوم است که در فرهنگ شیعی؛ مسئله تجدید بیعت در یک قالب نظام مند و مهندسی شده و با هدف نهادینه سازی بیعت زیستی روز آمد؛ در دستور برنامه ریزی های اخلاقی و تربیتی قرار می گیرد.

نقطه اوج این برنامه ریزی ها در طراحی ادعیه و زیارات است. ادعیه و زیارات از جهت ساختار ادبی و مفهومی در فرهنگ شیعه؛ مجموعه ای از متون خواندنی هستند که جامع شور و شعور هستند.

این متون ضمن اینکه مبتنی بر عقلانیت و عقبه استدلالی هستند، از جهت فرمی و ادبی به گونه ای چیدمان یافته اند که دیندار به خواندن آنها رغبت کرده و با خواندن آنها به شور و سلوک عرفانی دست یابد. سلوکی عرفانی و معنوی ای که در عین لطافت و در عین فضای متعالی و قدسی سازی حاکم بر آنها، عقلانی هم هستند.

در میان ادعیه و زیارات شیعی با این مفاهیم ناب و ساختار تربیتی، بخش عمده ای از دعاها؛ ادعیه و زیارات مهدوی می باشند.^{۱۳۶} ادعیه و زیارات مهدوی ادعیه ای است بن مایه مفهومی اصلی آن بر ایجاد رابطه معرفتی، محبتی و طاعتی با امام موعود است. مفهوم شناسی مقایسه ای زیارات نبوی، علوی، حسینی و ... بر مبنای کتاب مفاتیح الجنان بیانگر برخی مفاهیم مشترک و بخش قالب توجهی از مفاهیم اختصاصی است. به عنوان نمونه امتیاز هریک چنین است:

زیارات	رویکرد	هدف
نبوی	بیان شخصیت حضرت در نظام هستی و مقام های نبوی حتی پس از رحلت برای مسلمانان	با هدف ایجاد پیوند عمیق بین مسلمانان و پیامبر هم در مقام سپاسگذاری و هم در مقام الگوگیری (در مقام تقرب جویی از منظر توسل به پیامبر)
علوی	بیان فضائل تاریخی و اوصاف قرآنی	با هدف اثبات حقانیت امامت و خلافت برای آن حضرت
حسینی	بیان غربت و مهجوریت و مظلومیت تاریخی/اجتماعی در عین دارا بودن مقام وراثت	با هدف ایجاد شور مقدسی که باعث بصیرت و استواری در مسیر

۷. در این زمینه به عنوان نمونه ر.ک به مجموعه پراکنده زیارات مهدوی در کتاب مفاتیح الجنان و یا در صحیفه مهدیه و یا در کتاب اقبال سید بن طاووس

دین ورزی می گردد		
با هدف ایجاد راهبرد انتظار و حرکت آفرینی	بیان شخصیت منجی و اوصاف و راهکار تحقق آینده	مهدوی موعود

مطالعه و مواجهه عالمانه ادعیه و زیارات معصومین نشان می دهد که، دوگانه نیازهای گوناگون انسانی و تنوع نقش آفرینی تاریخی معصومین؛ باعث پیدایش تنوع مفهوی/فرمی آنها شده است. و در این میان از جهت آماری پس از زیارات حسینی، زیارات مهدوی قرار دارد. تا در پیوند شور و شعور حسینی/مهدوی فرهنگ شیعی بر بنیان عاشورا و انتظار شکل گیرد. و در این میان اگر تنوع زیارات حسینی بیشتر بر تنوع زمانی (در کنار وحدت بیشتر مفاهیم) استوار است^{۱۳۷}، در زیارات مهدوی شاهد تنوع فرمی^{۱۳۸} و مفهومی^{۱۳۹} و حتی در دستور العمل^{۱۴۰} خواندن هستیم.

چرا که ادعیه مهدوی ناظر به نیاز دوران غیبت و مسائل گوناگون آن است بدین جهت شاهد بیشترین تنوع در ساختار و محتوا و دستور العمل می باشد.

و در این میان از نکات جالب در زیارات مهدوی؛ ناظر به بحث نهم ربیع و مفاهیم مرتبط با آن، مسئله عهد و بیعت و بلکه مسئله تجدید عهد و بیعت و پیمان می باشد. البته با یک مرور اجمالی در ادعیه و زیارات مهدوی شاهد بازخوانی مسئله بیعت از زوایای گوناگونی هستیم. همانند استواری بر بیعت و یا مراد و مقصود از بیعت و یا توجه دهی به سختی حفظ آن و یا هشدار نسبت به بیعت شکنی و آگاه سازی نسبت به عهد شکنان تاریخی و بازتاب تاریخی رفتار آنها و یا اهتمام به دور سازی دینداران و مهدی باوران از خطر آسیب های عهد ورزی هم از دیگر دغدغه های این ادعیه می باشد.

اگر بخواهیم بر محور ادعیه و زیارات مهدوی مفاتیح الجنان^{۱۴۱} برخی از مهمترین ادعیه و زیارات مهدوی را با رویکرد مسئله عهد و بیعت مورد باز شناسی قرار دهیم جدول زیر به دست می آید:

^{۱۳۷} . همانند: زیارت عاشورا و عرفه و شب قدر و اربعین و شب نیمه شعبان و عیدین قربان و فطر و ...
^{۱۳۸} . به عنوان نمونه درباره دیگر ائمه فقط زیارت وجود دارد. ولی در معارف مهدوی هم زیارت وجود دارد و هم ادعیه
^{۱۳۹} بر اساس تنوع و گسترگی معارف مهدوی شاهد تنوع مفاهیم هستیم. و در این میان ناظر به اهمیت نقش انسان منتظر، زیارات منحصر به امام است ولی غالباً ادعیه ناظر به حالات و نیازهای گوناگون منتظران طراحی گردیده اند.
^{۱۴۰} . همانند تنوع زمانی و مکانی و حتی تنوع به اعتبار تنوع حالت های انسان منتظر اعم از حال خوش نیایش عاشقانه و یا اضطراب دنیوی و یا حیرت معرفتی و یا با هدف تقویت معرفتی و یا ...
^{۱۴۱} . کتاب مفاتیح الجنان از این جهت که فراگیر ترین منبع ادعیه در جامعه شیعه می باشد که مناسب است در ضمن مواجهه عرفانی و تربیتی، به آن هم به عنوان یک منبع معرفتی و علمی و تحقیقی هم نگریست.

نام دعا	هدف و رویکرد
دعای عهد	برنامه ریزی تربیتی/اخلاقی/عرفانی؛ برای پیوند دهی بین مهدی باور با امام غائب براساس یک سلوک چهل روز تربیتی در آغاز هر روز، در عهدی صبح گاهی
دعای ندبه	آگاهی بخشی و هشداردهی هفته ای یکبار مبنی بر تاریخ عهد شکنی ها که در نهایت منجر به رخداد غیبت شده و این وضعیت باید تغییر یابد
دعای در زمان غیبت امام زمان	اهتمام به آسیب های احتمالی بیعت ورزی و بیعت زیستی و تلاش برای تحکیم و تقویت بیعت
زیارت آل یاسین	دعایی با هدف تقویت بیعت از جهت یادآوری شخصیت امام معصوم و مفاد عهد نامه و یا دامنه زمانی اثر گذاری این بیعت و معاهده
و

ولی در میان این مسائل درباره بیعت ؛ آنچه به نهم ربیع بیشترین ارتباط را دارد مسئله تجدید بیعت است. به این فراز مشترک در **دعاهای عهد** و برخی از ادعیه دیگر توجه نمایید:

« اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيُّنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَن وَاوَالِدِي وَ عَن وَاوَالِدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمَ وَ مَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي غُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَرْوُلُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نُصَّارِهِ الذَّاكِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُؤْتَسِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ »^{۱۴۲}

در این ادعیه کلمه **أجدد** وجود دارد. که از **جدد** - تجدیداً الشیء به معنی چیزی را نو کردن، چیزی را زنده کردن، به چیزی نیرو و نشاط بخشیدن است.^{۱۴۳} و معنای آن در این ادعیه این است که بیعت با امام زمان

^{۱۴۲} . بحار الأنوار، ج ۸۳ ص ۲۸۵؛

و یا : اللَّهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي رَفَقَتِي ؛ بحار الأنوار، المجلسي ج ۹۹ ص ۱۱۰

^{۱۴۳} . فرهنگ ابجدی، ص ۲۹۰ ؛ و؛ لسان العرب، ج ۳ ص ۱۱۲ واژه: جدد

نظر به پیوستگی دوران امامت آن حضرت و خصوصاً پیوستگی دوران غیبت و طولانی شدن آن، می‌بایست همواره نو و تازه و جدید بگردد تا از کهنگی و روزمرگی و کم‌رنگی دور گردد. همانگونه که در دعای زمان غیبت می‌فرماید:

«... لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقْنَطَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ وَ حَتَّى تَتَوَفَّأْنَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرِ شَاكِّينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكَلِّبِينَ...»^{۱۴۴}

پس آسیب ضعف یقین و اما فراموشی و نومیدی از ظهور، می‌تواند باعث شک و شک باعث تزلزل و این دو باعث تکذیب و بیعت شکنی شود.

و در برابر این آسیب‌ها ضرورت راهکاری برای تعمیق و نهادینه سازی بیعت و تثبیت این بیعت احساس می‌گردد. اهمیت این تجدید بیعت آنگاه روشن خواهد شد که در همان ادعیه مهدوی از امام با این عنوان یاد شده است که:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ...»^{۱۴۵} یعنی امام موعود میثاقی است که با قطعیت تام و تمام در ملک و ملکوت اثبات شده است، این اخذ و تاکید در عالم غیر انسانی تکوینی و قهری است. ولی در عالم انسانی تشریحی و اختیاری است. و حال که این میثاق ناظر به اهمیت اش دارای اخذ و تاکید شدیدی در عالم هستس است در عالم انسانی هم بدیهی است آن میثاق مؤکد آسمانی، تجدید بیعت و عهد را با هدف تثبیت عهد و پیمان می‌طلبد. تا بدین مرحله برسد که:

«..... يَكُونُ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيَقِينًا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ ص وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ...»^{۱۴۶}

البته برای نوسازی و به روز سازی و تجدید این عهد و پیمان طبق نظام تربیتی اسلامی دعای عهد در ۴۰ صبح گاهان طراحی گردیده است. و بدینگونه است که دیندار در هر صبح گاه و یا در یک صبح گانه چهل گانه در یک مرحله سه گانه سریع به عمق پیوند روزانه به امام غائب می‌رسد. پیوندی که اگر هر روزه آگاهانه تکرار شود هر روز آن می‌تواند یک گام به سوی سعادت و کمال بیشتر باشد.

^{۱۴۴} . کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ۵۱۳ ۴۵ باب ذکر التوقيعات الواردة عن القائم ع

^{۱۴۵} . الإحتجاج، الطبرسي ج ۲ ص ۴۹۳

^{۱۴۶} . کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ۵۱۳ ۴۵ باب ذکر التوقيعات الواردة عن القائم ع

از نکات جالب در این تجدید بیعت و این فراز از دعاها، سه گانه و سه گام بیعت « عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً » است. که معنای کلمات این سه گانه چنین است که :

عهد به معنی: پیمان زبانی

عقد به معنی: پیمانی است که به آن گره خورده و یا گره بسته و محکم شود

بیعت به معنی: دست عهد و پیمان (تا پای جان) دادن است.

و بدینگونه مشخص می گردد که در هر تجدید بیعت منتظر باید سه گام بیعت را به سرعت از زبان تا عمیق ترین تعهدها طی کند. تا تجدید بیعت او کامل گردد.

و بازتاب این تجدید بیعت های ۴۰ روزه پیاپی و سالیانه (در روز نهم ربیع الاول) در فرهنگ ادعیه مهدوی چنین است که :

«.... لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ: لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ عَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَ مُعْتَمِدًا وَ لِيُظْهِرَكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُتَنْظِرًا لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ مُتَرْقِبًا.....»^{۱۴۷}

و همچنین :

« وَ قَوْ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْأَلَكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَ الْحُجَّةِ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبْتُنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْأَلْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا»^{۱۴۸}

پس بازتاب تجدید بیعت چنین است : یقین افزایی، محبت روز افزون، مهدی زیستی توسعه یافته تر، انتظار پیوسته و پویا به معنی مهدی یاوری اجتماعی فراگیر تر، و آمادگی هرچه بیشتر از پیش و

البته در ادعیه و در روایات مهدوی بر همیشگی بودن توجه به این تجدید بیعت تاکید شده است. و بدین جهت شکی نخواهد بود که همانند فرهنگ سازی تاریخی معصومین برای تجدید بیعت در عید غدیر،

^{۱۴۷} . المزار، الشهيد الأول ص ۲۰۶ ، و : بحار الأنوار، المجلسي ج ۹۹ ص ۹۹ باب ۷ زیارة الإمام المستتر عن الأبصار الحاضر في قلوب الأخيار

^{۱۴۸} . کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ۵۱۳ ۴۵ باب ذکر التوقيعات الواردة عن القائم ع

تجدید بیعت در نهم ربیع الاول از جایگاه خاصی برخوردار خواهد بود^{۱۴۹}. به ویژه که این تجدید بیعت یادآور بیعت تاریخی شیعیان عراقی و ایرانی در آغاز امامت امام زمان خواهد بود. بیعتی که اگر هر سسال تکرار شود، خیلی زود این روز را در فرهنگ تقویم مناسبتی شیعه تبدیل؛ به روز تجدید بیعت و میثاق خواهد نمود. و این فرهنگ اگر در بلند مدت با تمرکز بر احیای بن مایه های موعود طلبی فطری در نهاد انسان ها و منجی خواهی در ادیان ابراهیمی و دیگر فرق و مذاهب مورد فرهنگ سازی جهانی قرار گیرد، روز نهم ربیع الاول به سرعت تبدیل به **روز جهانی تجدید بیعت و میثاق** خواهد شد.

و بدینگونه است که تجدید بیعت سالیانه در صبحگاه ۹ ربیع الاول با امام غائب از معبر رفتارهایی همانند: غسل عید، خواندن دعای عهد، نوسازی اخلاقی و رفتاری با خانواده و دوستان و شهروندان و دینداران و ... شاد سازی محیطی، تجمع و اجتماع بیعت گران بر گرد هم و ابراز بیعت جمعی، ؛ جلوه های تجدید بیعتی است که مهدی باوران را در این روز به اوج احیا و پاسداشت امر و مقام و منزلت امام زیبایی ها و مهربانی ها می رساند. به گونه ای در هر نقطه از جغرافیای حضور و زندگی شیعیان، آنها با نقش آفرینی منتظرانه خود، آرزوها و خواست های اجتماعی امام را در ان جغرافیا محقق سازند و در نهایت مهدی باوران را آماده ورود در ذیل آیه ۵۴ سوره مائده نموده و در زمره پرچمداران روز آمد و زمانی این آیه قرار خواهد دهد که می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ »

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست »

^{۱۴۹} . همانگونه که غسل این روز در فقه به عنوان رجاء از غسل های مستحب است و اصولا در نگاه دینی یکی از کار کردهای غسل مستحبی در زیارت ها، ابراز نوعی بیعت می باشد. بیعتی که از معبر تطییر تمام وجود و نو سازی بدنی به جهت کسب آمادگی برای دیدار تازه و جدید معصوم می باشد.

و نقطه اوج این یاورى در يك الگوپذيرى از اصحاب الحسين در گذشته و اصحاب المهدي در آينده ، و به اقتضای آيه اولويت^{۱۵۰} ؛ جانفداى امام زيبائى ها شدن و رسيدن به مقام شهادت است.

چرا كه معنا و مصاديق بيعت و رزس و تجديد بيعت و اهداف مترتب بر آن از منظر دعاى عهد چنين است:

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سِنْفِي مُجَرِّدًا قَتَائِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ الْكُلَّ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ وَ عَجَلَ فَرْجَهُ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسَعَ مَنَهَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِدْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ ... »^{۱۵۱}

در اين زيارت مصاديق تجديد بيعت چنين است :

« نصرت، ياورى، دفاع از امام، سرعت در انجام نيازهاى روزآمد امام، حمايت گرى، سبقت در انجام اراده هاى امام، »

و : تا بدان حد كه در نهايت پيمايان زندگى منتظر با شهادت در پيش روى امام و همراه با رضايات امام باشد... »^{۱۵۲}

^{۱۵۰} . النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ؛ احزاب ۶

^{۱۵۱} . بحار الأنوار، المجلسي ج ۹۹ ، ۱۱۱ باب ۷ زيارة الإمام المستتر عن الأبصار الحاضر في قلوب الأخيار

^{۱۵۲} . شرح و توضيح بيشتري اين مراحل و فرايند ياورى در كتاب « سيك زندگى مهدي » ارائه خواهد شد. انشاء الله

سخن پایانی:

هر روز صبح که خورشید طلوع می کند، گل های آفتابگردان به سرعت سر بدان سمت گردانده تا لحظه ای از نور روشنی بخش و پر ثمره را از دست ندهند. و این تازه آغاز یک معاشقه لحظه به لحظه بین او و خورشید است که با تمام سختی و دشواری اش از سوی گل آفتاب گردان اصلا رها نمی شود. معاشقه و شیفتگی که هر روز برایش تازگی دارد و هر روز داشته ها و ارزش های او را می افزایش دهد. نهم ربیع الاول، عید آغاز خورشیدی است (که اگرچه پشت ابر است ولی هست) که اگر با عهد های پیوسته ما همراه باشد می تواند پیوندی سریع به طلوع خورشید روز ظهور وصل گردد. و برگزاری جشن های فراگیر بیعت و نمایش آمادگی سالیانه باعث پیویایی هر چه بیشتر زندگی مهدوی و نشاط هر چه بیشتر جامعه منتظران در مسیر زمینه سازی خواهد شد. چرا که در این جشن بر خلاف جشن های نیمه شعبان که با هدف ابراز عشق و اردات کلی منتظران صورت می گیرد، منتظران هر ساله تلاش می کنند در هر سال گزارشی از یک سال انتظار زیستی خود و دستاوردهای آن را به نمایش بگذارند. بدین جهت جشن های بیعت، جشن نمایش و تجلی بیعت های روزآمد گوناگون منتظران به حسب ظرفیت ها و استعدادها و فرصت های محلی، منطقه ای و جهانی اشان می باشد. و برگزاری هر ساله آن در فضایی از نشاط و امید و سرزندگی به بالندگی هر چه بیشتر بیعت ورزی ها منجر شد. و سال به سال جوامع شیعه را در گستره جغرافیای شیعه و یا جغرافیای حضور شیعیان در جای جای جهان به سوی ایفای هر چه بیشتر رسالت زمینه سازی یاری برساند. انشاء الله.

ترجمه دعای عهد

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَّيْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَ مَيْتِهِمْ، وَ عَنْ وَالِدَيْ وَ وُلْدِي، وَ عَنِّي، مِنْ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاةِ، وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ أَجِدِّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَ خَصَصْتَنِي بِهَذِهِ النَّعْمَةِ.

فَصَلِّ عَلَى مُؤَلَّيْ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ النَّابِغِينَ عَنْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بِيَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فُقُلْتُ: صَمًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ، عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ^{۱۰۳}

پروردگارا!

درودها و تحیت‌های ایمان آورندگان را

از مرد و زن

در تمام جهات

در شرق و غرب

در صحرا و دریا

در بلندی و پستی

زنده و مرده

و درودهای من و پدر، مادر و فرزندانم را

به مولایم، امام عصر (عج) برسان؛

درودها و تحیت‌هایی

به اندازه و گستره عرش خدا

^{۱۰۳} . این دعا در مفاتیح الجنان پس از دعای ندبه و پیش از دعای عهد قرار دارد. موجز تر از آن بوده و هر صبح پس از نماز صبح خوانده می شود. و بن مایه آن پب انجام عهد و پیمان با امام موعود پس از هر نماز صبح است. المزار الكبير، محمد بن المشهدی

۶۶۲ الباب (۴) ذکر ما یزار به مولانا صاحب الزمان علیه السلام کل یوم بعد صلاة الفجر: ص :

و به شماره سخنانش و نهایت مرتبه خشنودی او

و به شماره آنچه در کتاب آفرینشش برشمرده

و دانشش بدان احاطه دارد.

□

خدایا!

من تجدید می‌کنم

در این روز و در هر روزی

عهد

پیمان

و بیعتی را که از حضرت بقیه‌الله (عج) بر گردن من است

□

معبودا!

چنان که بدین افتخار

مشرفم کردی

و بدین فضیلت

برتری‌ام دادی

و مخصوصم کردی بدین نعمت

پس

بر مولایم

بر آقایم

بر صاحب این عصر (عج)

رحمت فرست

و مرا

از یاران

پیروان

و مدافعان او قرار بده

و مرا قرار بده

از شهادت یافتگان با میل و رغبت

از شهادت یافتگان بی اکراه در پیش رویش

در صفی که اهل آن را

در کتاب خود ستوده‌ای:

صفی استوار چون آهن

صفی در راه طاعت و فرمانبرداری تو، رسول تو و خاندان او

که بر آنان درود باد!

□

پروردگارا!

در گردن من است این بیعت

این بیعت در گردن من است

تا روز قیامت.

کتابنامه :

کتاب ها :

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، قاهره، ۱۳۷۸ ه ق

ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال الاعمال، دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش

ابن کثیر ، دمشقی، البدايه و النهايه، ، چاپ بی تا، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

امینی، علامه عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، اول، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه،

۱۴۱۶ق.

انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، قم ، الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهراء دليل ما، ۱۴۲۸ ه ق

بلاذری- احمد بن یحیی ، انساب الاشراف، اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

جاسم محمد حسین ، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، مترجم سید محمدتقی آیت اللهی، سوم، تهران، امیر

کبیر، ۱۳۸۵ ش

جباری ، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام) ، اول، قم، مؤسسه آموزش

پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲ ش.

مونس حسین ، اطلس تاریخ اسلام ، مترجم آذرتاش آذرنوش ، تهران ، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ،
۱۳۷۵

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران (تا قرن دهم هجری)، ۲جلدی، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول،
۱۳۷۵.

جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران، سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
حرفاعلمی، اثبات الهداء و النصوص و المعجزات، اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.

حسینی زبیدی واسطی ، سید مرتضی ، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۷

خزعلی، موسوعه الإمام الهادی علیه السلام، موسسه ولی العصر، قم ، ۱۴۲۴

خزعلی، خزعلی، موسوعه الإمام الهادی علیه السلام، موسسه ولی العصر، قم ، ۱۴۲۶

رضائی آدریانی، محمد، مؤلف همین اثر ، انسان شناسی و مهدویت، همین ناشر، بزودی.

رضایی آدریانی، محمد، سلمان فارسی الگوی زندگی مهدوی، اول، قم، مرکز تخصصی مهدویت، قم ،
۱۳۹۲

شهید اول ، المزار، موسسه امام مهدی، قم، ۱۴۱۰

شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر، مؤسسه قرطبه.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

صدوق، محمد بن علی بن حسین، الخصال، جامعه مدرسین، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، ترجمه کمال الدین، مترجم منصور پهلوان، اول، قم، دارالحدیث،
۱۳۸۰ ش

صفایی حائری (ع - ص) ، علی ، درسهایی از انقلاب ، دفتر دوم : تقیه ، ليله القدر ، ۱۳۸۶

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین
حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق

طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، اول، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.

عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.

عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام العسکری أبی محمد الحسن بن علی علیهما السلام، دار الصفوه، بیروت

عُکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الاختصاص، مصحح: علی اکبر غفاری، اول، قم، کنگره
شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۷ق.

علامه عبدالحسین الامینی / مترجم جمعی از نویسندگان، ترجمه الغدیر، بنیاد بعثت، تهران

قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت دار احیاء التراث العربی.

کلینی، الکافی، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲

کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي، موسسه المعارف الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه ق

واقدی، ابن سعد، الطبقات کبری، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه المیزان، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین
حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

مجلسی، محمد بن باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ش.

مهیاری، رضا، فرهنگ ابجدی، ترجمه کامل المنجد الابجدی

محمد بن مشهدی، المزار الکبیر، قیوم، قم، ۱۴۱۹

نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

یزدی، محمد کاظم، عروہ الوثقی (المحشی)، محقق / مصحح: احمد محسنی سبزواری، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.

نرم افزارها :

- سیره‌ی معصومان: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- درایة النور، نسخه‌ی ۱/۲: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نور السیرة، جامع منابع تاریخ اسلام: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- گنجینه‌ی روایات نور: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- جامع الفقه اهل بیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- نور الجنان : مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

آخرین ذخیره،

مکتبه الشامله

سایت ها :

دائرة المعارف اینترنتی ؛ ویکی پدیا